نشست تشکل‌های زیست‌محیطی
با معاون رئیس‌جمهور

درویش: هیچ پالایشگاهی در کنار زریبار احداث نخواهد شد

نشست انجمن‌های زیست‌محیطی استان کوردستان با دکتر ابتکار، محمد درویش مدیرکل دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان، آقای زاهدی استاندار کوردستان، آقای ریاضی فر مدیرکل حفاظت محیط‌زیست کوردستان، به‌دوراز اصحاب رسانه و دوربین‌های جراید برگزار شد.

صفحه ۲

چیا

کوردی - فارسی
مانگنامه‌ی فەرهەنگی - کۆمەڵایەتی

سیاست زبانی و اقلیت‌های قومی در چین

انحصار آموزش رسمی به زبان فارسی که یکی از جلوه‌های آشکار زبان کشی است، موجب افت پایگاه اجتماعی زبان اقلیت‌ها و اختلال در ماهیت و نقش انتقالی آن‌ها شده است. زبانی که به نگارش درنیاید، به‌تدریج ضعیف و ناکارآمد شده، قابلیت ارتباطی خود را ازدست‌داده و درنهایت می‌میرد.

صفحه ۵

■ سه‌شنبه ١٦ خرداد ١٣٩٦ ■ ١٦ی جۆزەردانی ٢٧١٧ی کوردی ■ ٦ ژوئن ٢٠١٧ ■ سال دوم ■ شماره ٢٠ ■ ٨ صفحه ■ قیمت ١٠٠٠ تومان ■

جولان آفت، آتش و تخریب در جنگل‌های زاگروس

عکس: کاوه کوردستانی

هجوم و جولان آفت جوانه خوار بلوط طی دهه گذشته در جنگل‌های زاگروس و بخش‌های عظیم دیگری از این جنگل‌ها در منطقه مریوان به دلیل مدیریت نادرست در کنترل آن، سبب شده که امروز گسترش این آفت به بحران جدی و غیرقابل‌مهار برای این جنگل‌ها تبدیل شود و مانند زخمی عمیق بر پیکره زاگروس ظاهر شود.
گویا در این کشور قانون نانوشته‌ای وجود دارد که باید واقعیات را انکار کرد و چشم‌ها را بر فجایع و ازجمله نابودی جنگل‌ها و منابع ملی ببندند تا برخی مسئولان بتوانند از عملکردشان دفاع کنند.

MS، شادیی بچووک و خەمی گەورە...

ئەگەر ڕۆژێک جەستەیەکی لاواز و ڕەنگ خۆڵەمێشی و ژاکاو لەتەنیشتتان تێپەڕی، خۆ دوور مەگرن و بێزار مەبن؛ ئەوانە نمونەیەکن لە خۆڕاگری و کۆڵنەدان، ئەوانە تابلۆیەکن لە جەفا و بێبەزەیی دەستی ڕۆژگار.

لاپەڕەی٦

زمانی کوردی بکەینە دوو ڕەگەزە(بەشی کۆتایی)

یەکێک لە هۆکارە سەرەکییەکانی مانەوەی زمانی کوردی بە درێژاییی مێژوو ئەوە بووە کە ژنان لە پێکهاتەی زماندا زیاتر لە پیاوان خاوەن بەش بوون؛

لاپەڕەی٤

کۆمەڵگەی کوردی و دیاردەی ئاڵۆزیی چەمکەکان

بە باڵای تەمەن و دنیایەک ئەزموون لە گوتاری سیاسی و تەنانەت گوتاری ڕۆشنبیریی کۆمەڵگەی ئێستای کوردەواریدا، ڕەخنە واتە ڕەفزکردن، واتە سڕینەوە، واتە بە چاوێلکەی ڕەشەوە سەیریّ سیاسەت و دەسەلات و گۆمەڵگەی کوردی کردن، بەگشتی هەڵگوتانە سەر ئەو شتەی وا پێی دەگوترێ دەسەلات...

لاپەڕەی٥

نقش مهم زنان در بهره‌برداری و نگهداری محیط‌زیست

قربانیان اصلی تخریب محیط‌زیست در درجه اول فقرا و در درجه بعدی زنان هستند. به همین دلیل است که بسیاری از جنبش‌های جهانی زیست‌محیطی مانند چیپکو و کمربند سبز، توسط زنان به راه افتاده‌اند.

صفحه ٤

نفتی نشی!

متن سخنرانی مراسم افتتاحیه‌ی پالایشگاه مریوان!

علیرغم میل باطنی و فریادهای مکرر دوستان فعال محیط‌زیست، به‌پاس باشکوه بودنشان در حفاظت از مرزوبوم و دارودرخت این کیان، با لجاجت هرچه‌تمام‌تر این مینی پالایشگاه را افتتاح میکنیم، که این کمترین ادای دینی است که بر دوش ماهاست!

صفحه ٣

کۆنفرانسی پاراستنی ئاسەوارەکان لە مەریوان

ئێمەی کورد وەک نەتەوەیەکی دێرین هەزاران ساڵە لە سەر خاکی کوردستان دەژین و زمان و جلوبەرگ و دابونەریتمان وەک ناسنامەیەکی دەوڵەمەند پیشانی دەدات کە خاوەن شارستانییەتێکی تایبەت بەخۆمانین.

لاپەڕەی ٢

■ سخن چیا ■

ژست‌های زشت

آن هنگام که شهر تو را فریاد می زد و به یاریت نیاز داشت کجا بودی؟ در آن برهه‌های حساس و اساسی برای مطالبه حق خواندن به زبان مادری، حق محیط زیستی سالم، داشتن جاده ای شایسته، شغل وکسب وکاری ایمن و ... .
ترک ۴۰ یا ۵۰ هزار نفریتان شایسته و میمون، اما عارم از تماشای عکس بازماندگان جاده های مرگ در انبوه جمعیتی است که برای خواستن حق جاده ای ایمن حاضر نبود نیم ساعتی از عمر مبارک را در اختیار آسایش جمعی قرار دهد و نگذاشت تعداد دغدغه مندان شهر فزونی یابد. با هر بهانه و بی هیچ بهانه ای بعد از ظهری را نمی‌تواند در صف مطالبه گران حق آسایش باشد اما نمی‌دانم چگونه در صبحدمی بسیار زود خود را می آراید و بچه کوچکش را از خواب بیدار می کند تا بلکه صاحب پرایدی مفت و مجانی شود که در پست های مجازیش، آن را قاتل تر از جنگ ایران و عراق دانسته است.
پاسی نمی گذرد که هیاهویی برپا می‌شود. آسفالت های سیاه، سفید پوش دغدغه داران آسایش و آبادانی می‌شود. دلسوزانی سر بر می آورند که به زمین و زمان می توپند و از همه چیزگلایه مندند. ما را شایسته چنین شهر و زندگی ای نمی بینند. در راه خود نمایی، این نامزدان تصاویر نامزدیشان را در هر کوی و برزن می پراکنند. خوش پوش و لبخند بر لب ما را بافرهنگان علیا می خوانند که جبر جغرافیا و زبان و مذهب بدین قهقرایمان فرستاده است. نور شهر، اعتماد و آسایش شهر می شوند و با شعار و بی شعار هر سلام دهنده ای را به آغوش می کشند و می بوسند و تحویل می گیرند. میلیونها تومان خرج می‌کنند و خود را به رخ می کشند. کارزار غریبی است این انتخابات. هر فهمی را در پستوهای خانه نهان می‌کنند و در راه رسیدن به یک رای، از هر راه ناشایستی فروگذار نخواهند شد. ایل گرایی، روستاگرایی، محله گرایی، طایفه گرایی، سوگند دادن، پول دادن، بنزین دادن و قول های آن چنانی دادن، گرم محافل مردم به ویژه بازنده های رقابت شد. سخنانی از دل همان تک رای دهنده های به همه قول داده. البته لازم به ذکر است که این استخدامی ۴ ساله اما ظاهرا آنقدر چرب، برای همیشه مزایای بیشماری دارد که سایر استخدامی ها ندارد. کافی است که سر به زیر و مخفی زندگی کرده باشی تا صلاحیت داشته باشی. بعد نه سهمیه شهدا و جانبازی است و نه خواندنی آن چنانی و حفظ قنوت و تحیات برای گزینش. درصد احتمال این استخدامی هم بسیار بالاست. کارسختی نخواهد بود اگر بدانی چگونه با شور و نه شعور این مردم بازی کنی. مردمی که - فرای هر مسئله دیگری- شهری را برای پرایدی خالی می‌کنند، چرا نتوان به پشت سر خود آورد.
به‌هرحال - با تمامی احترام برای انسان هایی شریف که شرافتمندانه در کارزار انتخابات شرکت کردند و اندک خدشه ای به حضور و نیت خیر آنان نبوده و نیست- روزگار غریبی است نازنین. نمی دانیم به دم خروسشان باور کنیم یا قسم حضرت عباسشان. انبوه زباله ها و درختانی را بشماریم که برای آن کاغذان بریده شده اند یا سخنان پر آب و تابشان برای توسعه ای پایدار. همه را علنا و در روز روشن به دروغ و دزدی متهم می کردند و البته وقتی کارزار ریاست جمهوری پر از اتهام بود دیگر چراکه نه!
راستی شما که کنار تمامی ستادها افرادی راگذاشته بودید تا زیر فشار یا معامله و رودربایسی مردم را حتی در آن لحظه های آخر وادار به رای دادن به شما کند، چرا این همه پول را خرج کردید. البته می دانم که بعضی پول ها یا برای غرض است یا... .
این دلسوزان بعد از انتخابات کجا رفته‌اند؟ مگر نمی‌توان و نمی‌شود که راهی دیگر برای خدمت یافت؟ یا نه قضیه چیزی دیگر است. در کانال‌های حرافشان به شعور، فرهنگ طایفه‌ای، ایلی، روستایی و پول پرستانه مردم تاخته بودند و دیگر این شهر بافرهنگان سفلا جای ایشان نیست؟ ببخشید اگر تمامی هتاکی‌هایی را که از پس میکروفون به سایرین زدید را در لوای خطوطی چند در رسانه‌های جمعی نثارتان می‌کنند، به‌هرحال دموکراسی معیوب و جای خالی بزرگانی که نمی‌دانم چرا نبودند و نیامدند که از خودشان بود یا ترس از رد صلاحیت حاکمیت، این مشکلات را هم دارد. مشکلاتی که در این بیراهه روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود. مشکلاتی که نه‌فقط گریبان گیر ما، بلکه اغلب شهرهای ایران شده است. ناکارآمدی‌ای همگانی که این پروسه بسیار دمکراتیک برای حق سالاری بر خود را به شهرها داده است را روزبه‌روز در دام تهمت و فساد می‌کشاند و این مهم‌ترین مسئله ایست که شورای آینده، تحلیلگران و سازمان‌های مردمی با آن روبرو خواهند بود. شیوه‌ای از مدیریت که بتواند باعرضه راهکارهای درست، اعتماد را به مردم وکارآمدی را به این شورا بازگرداند.

کنش‌های انتخاباتی در قاموس قانون و رفتار

■ محمد دانش

در اکثر قریب به‌اتفاق کشورهای جهان انتخابات برگزارشده و هرکدام از زاویه دید خود بدان می‌نگرند. در ایران نیز از بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، ترافیک برگزاری انتخابات، همواره با کنش و واکنش‌های متفاوت، چالش‌های بزرگی را در پیش روی توسعه همه‌جانبه کشور، به‌ویژه توسعه سیاسی قرارداده است. از دیگر سو، جایگاه قانون اساسی و تفسیر آن از جانب شورای نگهبان، خود بُعدی دیگر از چالش و تأثیر آن بر توسعه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... کشور است.
رفتارهای انتخاباتی از سوی مردم و حاکمیت (به‌عنوان ایجاد کننده سازوکار برگزاری انتخابات)، در اوان برگزاری انتخابات در ایران، تجربه قابل‌تأمل و مشمول بازخوانی جامعه‌شناسانه می‌باشد؛ اما سؤال بحث‌برانگیز و اساسی در این وادی این است که برگزاری ده‌ها انتخابات از بعد از انقلاب تاکنون تا چه اندازه بر توسعه سیاسی کشور تأثیر گذاشته و اساساً برگزاری انتخابات با شیوه و شرایط موجود جوابگوی امر توسعه در ایران می‌باشد، یا اینکه قانون‌گذاران و کنشگران سیاسی و جامعه مدنی باید به فکر تصحیح شیوه و شرایط قانونی و اجرایی این رفتار بسیار مهم و سرنوشت‌ساز باشند.
بدیهی است حداقل شرایط برگزاری انتخابات آزاد و سالم؛ حضور احزاب، سازمان‌ها، تشکل‌ها، اتحادیه‌ها، سندیکاها و ... درصحنه می‌باشد تا بتوانند آزادانه و به‌دوراز هرگونه فشار و تبعیض و شانتاژ، اقشار و طبقات مختلف مردم را بر اساس پایگاه طبقاتی و اجتماعی و خواسته‌های آن‌ها سازمان داده و به‌مانند چشم‌وچراغ و راهنمای آن‌ها عمل نمایند.
اما اگرچه بر اساس قانون اساسی (اصل ۲۶، فصل سوم*) به این آزادی اشاره و بر اجرای آن تأکید صریح گشته است، ولی باگذشت ۳۸سال از انقلاب، اجرای این اصل همچنان معطل مانده‌است. اهمیت اجرای این اصل بر کسی پوشیده نیست، چون بیشتر مردم بدون وجود چراغ‌راهنما (حضور آزادانه و فعال احزاب و تشکل‌ها)، ممکن است نتوانند راه را از بیراهه تشخیص دهند. همچنان است در شرایط عدم اجرای این اصل، ۱۶۳۶ نفر داوطلب نشستن بر کرسی ریاست جمهوری شده و برای شهری ۱۵۰ هزارنفری، ۱۵۰ نفر داوطلب شورای شهر برای ۷ کرسی می‌گردند!
همچنین است نظر به انتقادی که از سوی ناظران و کارشناسان به شیوه کنونی برگزاری انتخابات در ایران واردشده است، آن‌گونه که شورای نگهبان به تفسیر نظارت بر آن پرداخته، عملاً راه حضور بیشتر گرایش‌های سیاسی سد گشته و علیرغم اینکه در اصل ۹۹ قانون اساسی** هیچ اشاره‌ای به‌گزینش و تائید صلاحیت داوطلبان از سوی این نهاد نشده است، به گونه استصوابی عمل کرده و آزادی موردنظر قانون اساسی برای حضور همه گرایش‌ها تأمین نمی‌شود.
کارشناسان همواره تأکید می‌کنند که مردم و فعالان عرصه انتخابات و مسئولین کشوری و منطقه‌ای باید به این مهم توجه کنند که برگزاری انتخابات با حضور حداکثری و ایجاد فضای پوپولیستی، برانگیختن احساس و هیجان و وعده‌های عوام‌فریبانه از سوی برخی از کاندیداها، ممکن است جوابگوی امر توسعه و حل مشکلات کشور نباشد و به‌احتمال‌زیاد از این طریق تنها غیر شایستگان و فریبکاران بتوانند به قدرت و کرسی برسند؛ اما می‌توان تا اندازه بسیار بالایی مطمئن بود که در صورت آزادی و حضور احزاب و سازمان‌های مستقل و تمام گرایش‌های سیاسی و نیز نظارت بی‌طرفانه و سلامت انتخابات، راه برون‌رفت از بن‌بست‌ها و معضلات عدیده کشور هموار شود.
* اصل۲۶ قانون اساسی: احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به این‌که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت دریکی از آن‌ها مجبور ساخت.
** اصل ۹۹ قانون اساسی: شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی را برعهده دارد.

شهر در تصرف داوطلبان شورا

■ امید رشیدی

یک هفته تمام خون‌دل خوردیم تا بالاخره زمان تبلیغات شورای شهر پایان یابد، هفته‌ای که زندگی را به کام خیلی‌ها تلخ کرد.
آثار مخرب این تبلیغات فله‌ای و طایفه‌ای ممکن است تا سال‌ها بر در و دیوار شهر باقی بماند. همه‌جا مملو از عکس کاندیداها شده بود، از کف پیاده‌رو و خیابان گرفته تا درودیوار منازل، مساجد و مدارس، جدول خیابان‌ها، صندوق کمیته امداد و سطل زباله و حتی گاهی شکستن و بریدن شاخه درختان برای بهتر دیده شدن بنرهایی که چهره بزک‌کرده کاندیداها را نشان دهد. کوبیدن پوستر با میخ به درختان و چسباندن با اسپری به درختان هم مشاهده می‌شد. "مختل" شاید کمترین واژه ایست که برای توصیف عبور و مرور سواره و پیاده در خیابان‌های شهر می‌توان به کار برد و از همه بدتر جای خالی و بی‌تفاوتی هیئت‌های نظارت بر انتخابات در برخورد با این متخلفان بود که قانون را شاید فدای شور انتخاباتی کرده بودند! به‌راستی این همه هیاهو و سروصدا برای چیست؟ این همه مصرف کاغذ و هزینه، چرا؟ ای‌کاش داوطلبانی که برای خدمت به جامعه خود گوی سبقت را از هم می‌ربودند، این همه هزینه‌های انتخاباتی را که جز برهم زدن سیمای شهر حاصلی دربر نداشت، صرف امور خیریه، کمک به سازمان‌های مردم‌نهاد و یا آسفالت بخشی از خیابان‌های شهر می‌کردند.
جنس خوب چه احتیاجی به تبلیغات دارد؟ "مشک آن است که خود ببوید، نه آنکه عطار بگوید". مگر خدمت به جامعه تنها از راه شورای شهر و روستا ممکن است؟ چرا بیشتر این داوطلبان تنها در زمان تبلیغات انتخاباتی انگیزه خدمت به همنوع و شهرشان را دارند؟ آن‌هم در حد شعار.
کسانی که در تمام طول عمرشان قدمی برای منافع عمومی جامعه برنداشته‌اند، در این ایام سینه‌چاک خدمت می‌شوند و ناگهان تا انتخابات بعدی همه‌چیز فراموش می‌شود! شاید بخشی از این نابسامانی ریشه در بی حافظگی فردی و جمعی ما دارد که تنها در یک مقطع زمانی نسبت به سرنوشت فردی و جمعی خود واکنش نشان می‌دهیم. به‌عبارتی‌دیگر ما مردمانی هستیم که به‌جای "کُنش" و برنامه هدفمند، زندگی‌مان بیشتر واکنش است به آنچه در پیرامونمان می‌گذرد و کار جمعی را بلد نیستیم و روابطمان اغلب بر اساس اصول عشیره‌ای و منافع شخصی، جناحی، خانوادگی و طایفه‌ای بنانهاده شده است، درحالی‌که نیروی جمعی توسط افراد مستقل به لحاظ فکری ایجاد می‌شود.
اگر نیروی جمعی جامعه‌ای حاصل مجموعه‌ای از افراد وابسته باشد، همچون سیلاب ویرانگر خواهد بود. مسئولیت در برابر سرنوشت جامعه و آینده‌ی فرزندانمان را تنها به انتخابات و آن‌هم یک هفته شعار دادن تقلیل ندهیم. ما همیشه و در همه حال بایستی به وظایف شهروندی خود عمل کنیم و نیز مدام حقوق شهروندی خود را مطالبه نماییم.
آن افرادی هم که در انتخابات برنده‌شده‌اند باید بدانند که تنها خط قرمز آن‌ها منافع عمومی جامعه باشد و برای دفاع از حقوق جمعی حوزه‌ی مسئولیت خود، شجاعت روبرو شدن با هر شخص، سازمان، اداره و ارگانی که قصد سو استفاده از منافع و منابع عمومی جامعه را دارند داشته باشند، حتی اگر لازم باشد استعفای خود را اعلام کنند اما پای هیچ سند و مدرکی را که برضد مصالح عمومی جامعه باشد امضا نکنند و اگر به هر دلیلی از منافع عمومی به نفع عده‌ای خاص چشم‌پوشی کنند حتی اگر از همه پنهان بماند بالاخره تاریخ آن‌ها را قضاوت خواهد کرد.
و اما کسانی که مردم را به رأی دادن به کاندیداهای موردنظرشان تشویق می‌کردند لازم است تا اتمام دوره چهارساله همچنان ناظر اعمال و رفتار شوراها باشند، چراکه هر خطایی از کاندید موردحمایتشان سر بزند آن‌ها نیز سهیم بوده‌اند و بهتر است به‌جای تقاضای شخصی و منافع خانوادگی و طایفه ای، آنان را برای انجام بهتر وظایف محوله یاری دهند.

نشست تشکل‌های زیست‌محیطی با معاون رئیس‌جمهور

درویش: هیچ پالایشگاهی در کنار زریبار احداث نخواهد شد

نشست انجمن‌های زیست‌محیطی استان کوردستان با رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، ظهر ۲۳ اردیبهشت در سالن شهدا استانداری برگزار شد.

نشست انجمن‌های زیست‌محیطی استان کوردستان با دکتر ابتکار، محمد درویش مدیرکل دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان، آقای زاهدی استاندار کوردستان، آقای ریاضی فر مدیرکل حفاظت محیط‌زیست کوردستان، آقای مرادی نماینده شهرهای مریوان و سروآباد، حول محور نقش NGO ها و مشکلات زیست‌محیطی استان در روز ۲۳ اردیبهشت و قبل از انتخابات ریاست جمهوری به‌دوراز اصحاب رسانه و دوربین‌های جراید برگزار شد.

در این نشست ۳ ساعته از اداره کل حفاظت محیط‌زیست دکتر نبی احسنی به گزارشی از انجمن‌های زیست‌محیطی استان پرداخته و بعد ایشان کلیپی در همین راستا از سوی شبکه سمن‌های زیست‌محیطی استان پخش شد. مبحث انجمن‌ها نیز با تقدیر از جنبش تفنگ سبز از این استان و گلایه در مورد مجوز تفنگ‌های شکاری وصف‌های پخش گلوله شروع شد که از سوی دولت و به صورتی کاملاً متناقض با شعارها، در میان صاحبان اسلحه پخش می‌شود. سپس موضوع سدها، حق آبه استان و تشدید ولع سدسازی در استان موردبحث قرار گرفت که به‌شدت از سوی حامیان محیط‌زیست مورد مواخذه قرارگرفته و در چرایی ایجاد چنین سدهایی با هزینه‌های گزاف و اهداف نامعلوم سوالاتی مطرح گردید. در این جلسه همچنین مسئله جنگل‌ها و سریال ویرانگر آتش‌سوزی عمدی آن‌ها، آفات و آسیب‌های سالیان اخیر به‌ویژه آفت جوانه خوار بلوط، مین و آسیب‌های آن و عدم اهتمام جدی رسانه‌ها و سیستم آموزشی به مسائل زیست‌محیطی موردبحث قرار گرفت اما آنچه به بحثی جدی و با توجه به حضور نماینده مریوان و هیئت استانداری تبدیل شد مسئله بسیار مهم و خطرناک ساخت مینی پالایشگاه در نزدیکی تالاب زریبار بود. آقای کاوه کوردستانی به‌عنوان مجری منتخب انجمن‌ها در طرح این موضوع به‌صراحت اعلام نمودند که مشکل بسیار حاد ما که درهرصورت نخواهیم گذاشت که اجرایی شود همین موضوع مینی پالایشگاه است.

در این جلسه سید محمد باختر نیز حضور داشتند که از ایشان نیز از سوی سازمان و شخص خانم ابتکار تقدیر به عمل آمد و دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته محیط‌زیست نیز از معضل اشتغال بسیار پایین این رشته سخن گفتند. در پایان سخنان انجمن‌ها آقای مرادی نماینده مریوان و سروآباد چند کلامی را گفته و رشته سخن را به استاندار دادند. استاندار با تقبل ضعف قوانین در رابطه با مسئله سلاح‌های شکاری ایراد داشتند که باید در سطح کلان چاره‌ای برای این موضوعات اندیشید و در رابطه با حق آبه سدها نیز نوید مدیریتی جامع‌تر در آینده را دادند و اینکه چندین سد موردقبول قرار نگرفته و من‌جمله سد بلبر قرار نیست که در این مکان به خاطر ملاحظات زیستی زده شود. در رابطه با پالایشگاه مریوان نیز توپ را به میدان سازمان محیط‌زیست انداختند و ایراد داشتند که در صورت عدم موافقت در ارزیابی زیست‌محیطی به‌هیچ‌وجه چنین پالایشگاهی در کنار زریبار ساخته نخواهد شد. درحالی‌که همه چشم‌ها به سخنان دکتر ابتکار بود اما ایشان با سخنانی از بالا به نقش انجمن‌ها و فواید آن پرداخته و سعی دولت را کمک و یاری و مشاوره با ایشان دانست و به نقش دولت یازدهم در ارتقای مبانی محیط‌زیست و حفظ آن پرداخت و بدون پاسخی روشن به درخواست‌های انجمن‌ها موضوعات را به استان واگذار نمودند که در زمان انتخابات سیمای فرمایشی بودن این نشست را بیشتر از هر مسئله دیگری تداعی می‌نمود؛ اما در برابر مسئله پالایشگاه تأکید نمودند که مطالبات چیا و مردم مریوان قطعاً در این زمینه موردنظر قرار خواهد گرفت.

بعد از پایان این نشست و در حاشیه افتتاح مدرسه طبیعت وی ول» سنندج، آقای محمد درویش مدیرکل دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط‌زیست در گفتگو با اعضای چیا به‌صراحت اعلام داشتند که: هیچ پالایشگاهی در کنار زریبار احداث نخواهد شد.

دیدار هیئت انجمن سبز چیا با استاندار کوردستان

با گذشت نزدیک به دو سال از درخواست انجمن سبز چیا برای دیدار با استاندار کوردستان، بالاخره در آستانه انتخابات از طرف استانداری کوردستان از انجمن سبز چیا برای نشستی صمیمی با استاندار دعوت به عمل آمد.

این نشست عصر روز چهارشنبه به تاریخ ... اردیبهشت‌ماه سال جاری در استانداری کوردستان با حضور استاندار کوردستان جناب آقای زاهدی، مدیرکل حفاظت از محیط‌زیست استان آقای ریاضی فر و مشاور زیست‌محیطی استاندار سرکار خانم رضایی در دفتر استاندار برگزار شد.

مهم‌ترین مواردی که در این نشست مطرح گردید، عبارت بود از: بررسی وضعیت و معضلات زیست‌محیطی استان به‌ویژه شهرستان مریوان با تأکید بر معضلات تالاب زریبار، مطرح کردن مشکلات جنگل به‌ویژه بحران آتش‌سوزی جنگل‌ها و جولان آفات که متأسفانه به دلیل عدم کنترل در زمان مناسب به بحران تبدیل‌شده است.

بیشترین زمان این نشست به دلایل مخالفت انجمن سبز چیا با ساخت مینی پالایشگاه در دشت بیلو براساس مستندات علمی و بررسی‌های میدانی تعلق گرفت که در پایان استاندار کوردستان بیان نمودند که در صورت اعلام مخالفت سازمان حفاظت از محیط‌زیست بر اساس ارزیابی زیست‌محیطی، مجموعه استانداری و ارگان‌های مربوطه موظف خواهند بود که از ایجاد و احداث این پالایشگاه جلوگیری به عمل آورند و تأکید نمودند؛ که خود به‌عنوان فردی که علاقه‌مند به طبیعت و زریبار هستم اگر بدانم این پروژه برای تالاب ضررمند خواهد بود هیچ‌گاه خود را در مقابل مردم شریف مریوان قرار نخواهم داد چراکه اگر این پروژه حتی ۵۰۰ سال دیگر هم اگر تبعات منفی آن برای تالاب ظاهر شود باز نباید اجرایی شود.

کۆنفراسی پاراستنی ئاسەوارە مێژوویيەکان لە مەریوان

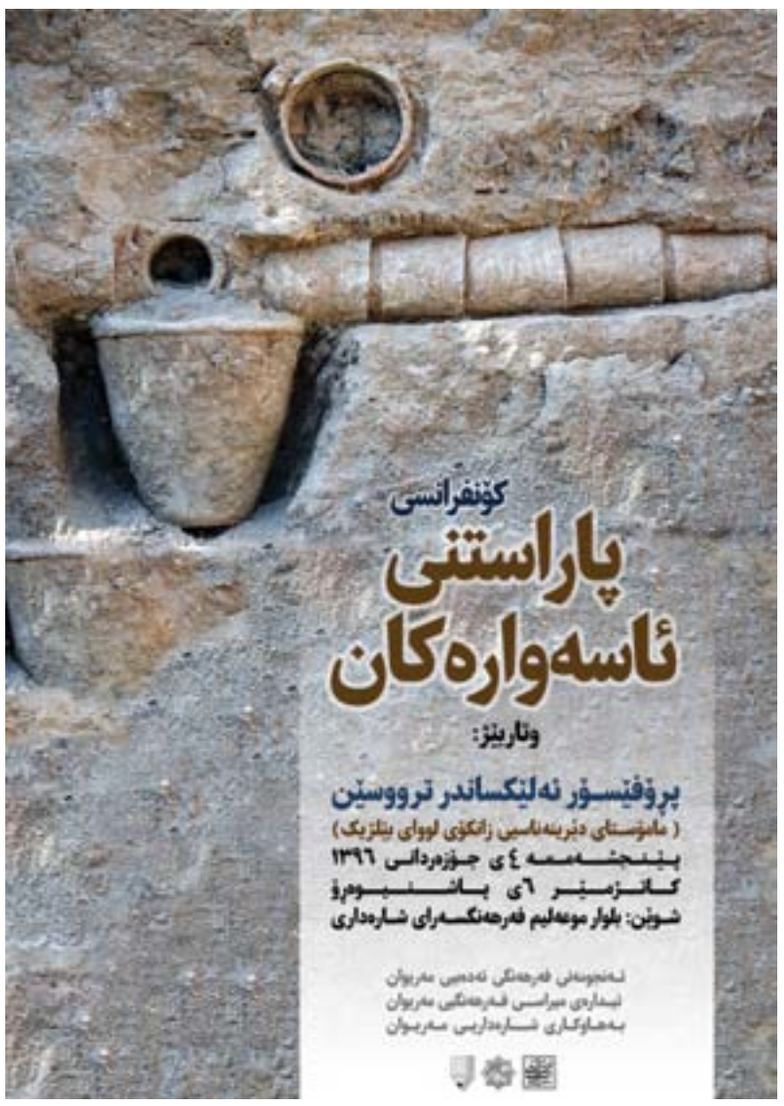

لە ڕێکەوتی ٤ی جۆزەردانی ٢٧١٧ کۆنفرانسێک لە هۆڵی فەرهەنگسەرای مەریواندا بە بەشداریی شوێنەوارناسی بیانی، ئەلێکساندر تروسێن و دوکتور یەعقووب موحەممەدی فەڕ، ئاسەوارناسی پسپۆڕ و شارەزای ئێرانی و بەشداریی بەشێک لە دڵسۆزانی پاراستنی شوێنەوارە مێژوویيەکانی ناوچەی مەریوان و کوردستان، لە لایەن ئەنجومەنی فەرهەنگی - ئەدەبیی مەریوان و ئیدارەی شوێنەوارەکانی مەریوان(میراث فرهنگی) وە هەروەها بە هاوکاریی شارەداریی مەریوان، بەڕێوە چوو. پێشکەشکاری کۆنفرانسەکە بەڕێز کاوە کوردستانی، ئەندامی چالاکی ئەنجومەنی سەوزی چیا بوو.

لە سەرتادا ئەنجومەنی فەرهەنگی ـ ئەدەبیی مەریوان بە پێشکەش کردنی پەیامێک بە پێشوازی کونفرانسەکەوە چوو. لە بەشێکی پەیامەکەی ئەنجومەندا هاتووە کە: "ئێمەی کورد وەک نەتەوەیەکی دێرین، هەزاران ساڵە لە سەر خاکی کوردستان دەژین و زمان و جلوبەرگ و دابونەریتمان وەک ناسنامەیەکی دەوڵەمەند پیشانی دەدات کە خاوەن شارستانییەتێکی تایبەت بە خۆمانین. هەر ئەم ناسنامەیە سەلماندوویەتی کە کورد هەرچەن وڵاتێکی سەربەخۆی نییە و لە چوارچێوەی سنووردێکدا ناژی، بەڵام پاشکۆی هیچ نەتەوەیەکی تر نەبووە و نییە و خاوەن تایبەتمەندیی کوردانەی خۆیەتی."

ئەنجومەنی فەرهەنگی ــ ئەدەبیی مەریوان لە بەشێکی دیکەی پەیامەکەیدا بە توندی بە گژی تاڵانکەرانی ناونیسان و ئاسەوارە مێژوویيەکانی ناوچەکەدا چووەوە و ڕایگەیاند: " لایەنی تاڵتری ئەو کارەساتە ناشارەزایی و خۆ لێ گێلکردن و چاوچنۆکیی بەشێک لە کوردانە لە بەرانبەر ئەو شوێنەوارانەدا، کە وەهای کردووە وەک سوون و کوللە بکەونە گیانی ئەو شوێنەوارانە و داریان بە سەر بەردەوە نەهێڵن و بە دەستی خۆیان پێناسەی بوونی نەتەوەیی خۆیان لە سەر لاپەڕەکانی مێژوو بسڕنەوە. ئەمە داخی زۆر گرانترە لەو بەڵایەی کە دوژمنانی زاڵ و دەسەڵاتدار هێناویانە بە سەر ئەو کەلەپوورانەدا."

پاشان بەڕێز دوکتور یەعقووب موحەممەدی فەڕ ئاسەوارناسی بەڕەگەز کوردی هەمەدان، لە باسی گرنگی ناوچەی مەریواندا بە نیشاندانی وێنەی شوێنگەی ژیان و نموونەی ئاسەوارەکان ئاماژەیان دا کە ئەم ناوچە ناونیشانێکی تایبەتی بۆ ناسینەوەی مێژووی کوردستان هەیە و نیشانەکانی ژیان لەم ناوچەیە لە ١٣٠٠٠ سال پێش ئێستادا دەرکەوتوون و گەلێک ئاسەوارەی کۆن لەم ناوچەدا دۆزراونەتەوە کە بایەخی مێژوویيان هەیە.

لە کۆتابەشی کۆنفرانسەکەدا ئاسەوارناسی بلژیکی، ئەلێکساندر تروسێن بە زمانی ئینگلیزی و هاوکات نیشاندانی خەریتە و شوێن و بابەتە دۆزراوەکان لە سایتی زەردوویان لە نزیک ئاوایی دەرەتفێی مەریوان کە لە لایەن ئیدارەی میراتی فەرهەنگیی مەریوانەوە و بە هاوکاری و دڵسۆزیی ئاسەوارناسی چالاکی مەریوانی بەڕێز دوکتور موحەممەد مەعسوومیان، دۆزراوەتەوە و کاری لە سەر کراوە، باسێکی تێروتەسەلی لە سەر گرنگیی ئەو سایتە و ناوچەی مێژوویی مەریوان کرد و ئاماژەی دا کە مێژووی ئەو کەلوپەل و ئاسەوارانە کە لە سایتی زەردوویان دەرکەوتوون دەگەڕێنەوە بۆ سەردەمی ئەشکانیان و گەلێک نیشانەی بەکەڵکیان پێوە دیارە کە بۆ ناساندنی مێژوو و ژیانی ئەو سەردەمە بایەخی تایبەتیان هەیە. ئەلێکساندر، ئاماژەیان دا کە بەداخەوە نەمانتوانیوە هیچ نیشانەیەک لە شوێنی نیشتەجێ بوونی ئەو شارستانییەتە لە دەوروبەری سایتەکە بدۆزینەوە.

ئەلێکساندر تروسێن، وەک کەسایەتییەکی زۆر خوێنگەرم و دڵسۆز و شێلگیر لەم کۆنفرانسەدا دەرکەوت، کە گەرچی تەمەنی لە ژوور ٧٠ ساڵەوە بوو بە بێ ماندووبوون وڵامی پرسیارەکانی بەشداربووانی ئەدایەوە و دڵسۆزییەکی تایبەتی بۆ مێژوو و ئاسەوارەکانی ناوچەکەمان نواند.

دیارە بەدواداچوون بۆ ناسینەوەی شوێنەوار و ئاسەوارە مێژوویيەکان، یارمەتیی مالّی و هاوکاری لایەنی ئیداری و دەسەڵاتی ئەوێ کە بەداخەوە بچووکترین ئیرادەیەک بۆ ئەم مەبەستە لە ئارادا نییە و لایەنی بەرپرس ئامادە نییە بۆ ناسینەوە و پاراستنی شوێنەوارەکانی ئەم ناوچەیە هەزینە بکات، کە ئەمە بوو بە جێی ڕەخنەی توندی بەڕیز دوکتور مەعسوومیان و بەرپرسی ئیدارەی میراتی فەرهەنگیی مەریوان و ئەنجومەنی فەرهەنگی ــ ئەدەبی و سەرجەم بەشداربووانی کۆنفرانسەکە.

زاگروس در بهار، رنگ خزان به خود گرفت

واقع‌شدن جنگل‌ها زاگروس، این زیست‌بوم بی‌مانند بر روی کمربند خشک زمین، یک استثناست و تنها راه ماندگاری آن برای آیندگان، بهره‌برداری پایدار در کنار حفاظت صحیح و مناسب است.

زیستگاه هزاران ساله بشریت و چند هزار گونه گیاهی و جانوری، این روزها بیشتر از همیشه در معرض نابودی قرارگرفته است. جولان آفات و بیماری در جنگل، آتش‌سوزی‌های عمدی، سدسازی، نظاره‌گر بودن مدعیان حفاظت از جنگل‌ها در مقابل تخریب جنگل به‌منظور ایجاد باغ و زغال گیری، تصرفات سازمانی و ... سبب شده است، مرگ تدریجی زاگروس سرعتی بیشتر از همیشه داشته باشد و دراین‌بین تبسم رضایت‌بخش مسئولان از عملکردشان در مدیریت جنگل در کنار نابودی جنگل و تنوع زیستی زاگروس تناقضی است که مردمان این دیار به درک آن رسیده‌اند و دیگر امیدی به ایشان نیست که اندیشه حفاظت در خود بپروراند.

هجوم و ظاهر شدن آفت جوانه خوار بلوط در دهه گذشته در جنگل‌های مریوان و بخش‌های عظیم دیگری از این جنگل‌ها به دلیل مدیریت نادرست در کنترل آن، سبب شده که امروز به بحران جدی و غیرقابل‌مهار برای این جنگل‌های تبدیل شود و مانند زخمی عمیق بر پیکره زاگروس بیفتد.

گویا در این کشور قوانین به شکلی وضع‌شده که درواقع باید انکار کرد و چشمها را بر واقعیات نابودی جنگل ببندند تا برخی مسئولان بتوانند از عملکردشان دفاع و تقدیر کنند.

نبود سیستم قضایی با تفکر و قوانین زیست‌محیطی در جهت برخورد شایسته با مخربان و متصرفان عرصه جنگلی سبب شده تا آنان که جنگل و مناطق حفاظت‌شده را محیط ایست و مانع توسعه می‌دانند بیشتر از همیشه در طمع تخریب و تصرف زمین‌های حاصلخیز و مرغوب جنگلی باشند چراکه آنان درکی از جنگل و درخت و نعمات پروردگار زیبایی‌ها ندارند.

زاگروس در بهار رنگ خزان به خود گرفته و باغ بی‌برگی ست که در اثر هجوم آفت جوانه خوار بلوط و آتش‌سوزی‌ها دچار بحران جدی شده و رشد و بقایش درخطر است.

مسئولان وظیفه دارند هرچه سریع‌تر راهکار علمی و عملی در کنترل این آفت را با بهترین ابزار ممکن به کاربندند.

تا دیر نشده تلاش کنید؛ آیندگان، سیاست و عملکرد امروزتان را در حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست هیچ‌گاه نخواهند بخشید.

بالاخره اعتراضات انجمن ژینگه پاریزی ولات بوکان نتیجه داد

دادستان محترم شهرستان بوکان دستور توقف تعرض و تخریب پارک قله را صادر نمود و بالاخره اعتراضات انجمن ژینگه پاریزی ولات بوکان نتیجه داد

در جریان تعرض و قلع و قمع درختان و تخریب غیرقانونی و خودسرانه توسط شبکه بهداشت و درمان بوکان که بدون اخذ هرگونه مجوز و هماهنگی با شهرداری انجام‌شده است، ما فعالین انجمن مردم‌نهاد ولات بوکان در ساعات اولیه وقوع تخلف، وارد عمل شده و طی مذاکرات مکرر و اعتراضات کتبی و شفاهی چندین‌باره خود به اعضای شورا فعلی به ریاست آقای امیر نصری، شهرداری و فرمانداری بوکان متأسفانه نتوانستیم از راه گفتمان و مذاکره موجبات توقف این تعرض و تخریب شبکه بهداشت و درمان را فراهم نماییم.

لاجرم فعالین انجمن ولات طی آخرین درخواست کتبی خود به تاریخ ۲۴/۲/۱۳۹۶ (نامه شماره ۳/۸۸۱) آخرین هشدار خود را به شهرداری تسلیم نموده و هشدار دادیم که در صورت تداوم تخریب و تعرض به پارک قله و عدم توقف این روند، درخواست قانونی خود را از طریق دادستانی محترم شهرستان بوکان پیگیری خواهیم نمود که شوربختانه بازهم شهرداری در موضع انفعالی خود باقی ماند و به خواسته قانونی ما تمکین ننموده و تنها به نوشتن یک نامه به فرمانداری بسنده نمود و شهرداری بنا به هر دلیل از ظرفیت‌های قانونی خود استفاده ننمود و نهایتاً ما علی‌رغم میل باطنی خود مجبور شدیم درخواست و اعتراض خود را تقدیم دادستان محترم شهرستان بوکان نموده و تقاضای صدور دستور توقف عملیات ساختمانی در محل پارک قله را از دادستان محترم کردیم و خوشبختانه دادستان محترم بوکان با مشاهده مدارک و اسناد مستدل این‌جانبان با صراحت و قاطعیت، دستور توقف فوری این تعرض و تخریب را صادر نمودند و دستور دادستانی از طریق کلانتری با همراهی وکلای انجمن ژینگه پاریزی ولات، برای پیمانکار خاطی طرف قرارداد شبکه بهداشت و درمان ارجاع شد و پیمانکار خاطی با مطلع شدن از حکم صادر شده و با مشاهده ما فعالان محیط‌زیست از دور، در کمال تعجب قبل از سر رسیدن مأمورین کلانتری و ابلاغ حکم دادستان، فوراً از محل عملیات در پارک متواری و فرار کردند.

ما فعالین و انجمن‌های مردم‌نهاد بوکان کمال تشکر و قدردانی را از دادستانی محترم شهرستان بوکان داریم به خاطر حسن نیت و قاطعیت ایشان برای پشتیبانی و همکاری با خواسته قانونی و برحق ما. ضمناً از عموم مردم فهیم و آینده‌نگر شهر بوکان و از ساکنان منطقه قله تقاضا داریم که نسبت به نیازها و اولویت‌های زندگی سالم شهری و توسعه فضاهای سبز و آموزشی و بهداشتی که همگی لازم و ملزوم یکدیگرند و نه در تعارض و تضاد باهم، هوشیاری لازم را داشته باشند. ضمناً ما از توسعه فضاهای بهداشتی و آموزشی حمایت می‌کنیم البته در قالب قانون و نه در قالب قانون‌شکنی و غصب و تصرف و تعرض به اموال عمومی و نابودی فضاهای سبز شهری به‌مانند مورد پارک قله، چراکه قطعاً اولویت اول و اساس سلامت و بهداشت روانی عمومی جامعه وجود پارک‌ها و فضاهای سبز می‌باشد و فضاهای سبز نیازی غیرقابل‌انکار و غیرقابل حذف شدن از بدنه شهری می‌باشد.

بنابراین بر اساس مصوبه غیرعلمی و ضد توسعه‌ای اعضای شورای کنونی (دوره چهارم) و تأیید نابجا از طرف شهردار قبل رسول معروفی و موضع تأمل‌برانگیز شهردار کنونی جناب آقای رادمنش که گویا زیر فشار و به اصرار اعضای شورای کنونی تن به اجرای چنین مصوبات اشتباه و غیرقانونی داده‌اند و همه این کارها احتمالاً برای تأمین هزینه‌های جاری شهرداری و دادن بدهی‌های معوقه ده‌ها میلیاردی نهاد شهرداری بوده و شورای شهر و شهرداری عملاً درصدد واگذاری و تغییر کاربری فضاهای سبز می‌باشند که امری غیرقابل‌قبول و باعث نابودی هر چه بیشتر کالبد شهری بوکان می‌شود.

شایان ذکر است که اعتراض و پیگیری ما تنها محدود به پارک قله نبوده و نیست، بلکه زنجیره تخریب‌ها و تعرضات خصوصاً دو سال اخیر به پارک ملت و درختان فلکه فرمانداری و سه‌راهی شهامت و میدان معلم و... را نیز بیش از این برنمی‌تابیم.

همچنین در این مقطع زمانی بسیار لازم و واجب میدانیم که با هوشیاری شهروندان و فعالین محیط‌زیستی مانند انجمن ژینگه پاریزی ولات، ادارات متخلف و قانون‌گریزی چون شبکه بهداشت و درمان بوکان به‌واسطه تعرضات و تخلفاتشان به اموال عمومی شهروندان، با اعمال جریمه‌های سنگین تنبیه‌شده و درس عبرتی برای سایرین شوند تا دیگر هرگز شهر بوکان را شهری بی در و پیکر تصور ننمایند؛ بنابراین با هوشیاری بیشتر افراد و نهادهای مردمی دلسوز فعال در شهرمان و با برخورد قاطع و قانونی با ادارات و نهادهای متخلف، قطعاً ادارات و نهادها هم ازاین‌پس با احتیاط بیشتر، قانونمندتر و باانضباط‌تر عمل خواهند کرد.

نفتی نشی

متن سخنرانی مراسم افتتاحیه‌ی پالایشگاه مریوان

▪ مدرک کریمی

خانم‌ها آقایان!
سلاااام، بنده در این روز فرخنده مفتخرم که پس از ایراد سخنان خود در حضور شما اساتید عظام و ملت نفتکش دوست مریوان و حومه، کلنگ احداث این پروژه‌ی مخوف را بر تن بینوای دشت بیلو بکوبم.
دوستان گرامی! همان‌طور که بهتر از من میدانید در بسیاری از استان‌های محروم کشور از قبیل اصفهان و تهران و ... که اکثر قریب به‌اتفاق جوانانشان با داشتن مدارک بالای علمی، مشغول مسافرکشی یا کولبری و یا شاگرد شوفری در دیگر استان‌های هم‌جوار یا دوردست می‌باشند، چنان از دیدن نفتکش‌های در حال تردد در مضیقه‌اند که استانداران این اساتین (جمع مکسر استان) فیلم‌بردارهای خبره‌ای اجیر کرده و با پای پیاده به جاده‌ی سنندج – مریوان فرستاده‌اند تا لااقل باکیفیت HD چند ساعت فیلم برای این هواداران محروم، به تصویر کشیده و با رایت آن‌ها بر روی DVD پرینکو، در راستای طرح ملی تکریم از ایتام، از این بینواها دلجوئی مناسبی به‌عمل‌آمده باشد. اخیراً در سایت خبرگزاری قپ بی سی نیز گله گذاری‌های یکی از راننده‌های محترم عرب‌زبان یکی از این تانکرها را با فونت B NAZANIN مطالعه کردم که واقعاً دلم کباب شد. این راننده‌ی فلک‌زده از اینکه مردم روستاهای اطراف مرز و مسیر مریوان- سنندج در حین تردد برای وی دست تکان نمی‌دهند به‌شدت و با زبان فصیح عربی گلایه کرده و در ادامه افزوده بود: " لماذا لا یطربطوننا بالمأء و اللحم؟ یا لااقل یبرژون ثلاثین کباب؟ " که بنده در ابتدا از فحوای گله‌ی ایشان چیزی دستگیرم نشد تا اینکه به دوست و همکار گرامیم دکتر رئووف میکروفون پور که دستی در شعر و ادب عرب دارند، عین پیام را مسج زدم و درخواست عاجل کردم برایم " وه رگیران " کنند که ایشان فی‌الفور ترجمه فرموده و برایم ارسالیدند: " بۆ چی ئاوو گۆشتم بۆ تریت ناکەن؟ یا لانی کەم سێ سیخ کەبابمان بۆ برژێنن، ها؟ " بنده در اینجا با تحکم هر چه تمامتر به مردم روستاهای اطراف و رانندەهای در حال تردد این جاده اعلام می‌کنم لطفاً با زبان خوش به هوش باشید که در قبال وظایف خود قصور نکرده و هر درخواست شرعی و احیاناً غیرشرعی که از جانب مخصوصاً این تریلی رانهای عرب عزیز از آنان می‌شود با دیده منت پذیرفته و سریعاً اجابت نمایند از قدیم و ندیم به شما گفته‌اند مهمان حبیب خداست، اگر هم گاه‌گداری یکی از این شوفرهای غریب دچار سانحه و واژگونی تانکرش شد، ابتدا به دهات مجاور رفته و با مینی‌بوس یا تراکتور، مردان جوان روستاهای اطراف را جمع کرده و اگر لازم شد از باشگاه‌های بدن‌سازی شهر مریوان شصت، هفتاد ورزشکار زبده را سوار اتوبوس کرده و به‌سرعت به محل حادثه بشتابند، لازم به یادآوری است ورزشکاران محترم می‌توانند از دفتر ترخیص کالای مرز باشماخ شماره ی موبایل راننده ی تانکر را پیداکرده و فی‌الفور به وی زنگ بزنند و پس از معرفی خود، با اجرای یکی از ترانه‌های شاد کردی از قبیل: " زلێخام زەردە " یا " وەی شەمامەو شلێرە، شلێرە، شەمام شلێکی "
اوقات شادی برای وی فراهم ببینند، به محل حادثه که رسیدند به‌اتفاق هم با دستان پرتوان خود ابتدا با گفتن دسته‌جمعی رمز " یاااااا غوث " و سپس فریاد: یک، دو، سه، تانکر واژگون شده را سرپا نگهدارند، در مرحله ی بعد با کاسه و آفتابه، نفت ریخته شده را سریعاً با دست‌به‌دست گرداندن آفتابه‌ها به داخل مخزن اصلی بریزند، آخرسر هم می‌توانند هیزم جمع کرده، با نفت ریخته شده روی خاک‌های اطراف، آتش مهیا کنند و لباس‌های خیس راننده را سریعاً خشک نمایند. حتی می‌توانند با خریدن چند کیلو سیب‌زمینی برای ایشان " سیف زمینی پیشاو"درست کنند.
در جای دیگری شنیدم که عده‌ای خائن به این مملکت شایع کرده‌اند که با درآمد حاصل از مرز باشماخ در یک جای پرت " وطن اسلامی " و دور از استان‌های کوردنشین، اتوبانی چند بانده احداث نموده‌اند و گویا مردم محروم و حسود استان‌های قزوین و اصفهان باز نالیده‌اند که دست‌کم، این‌یکی را دیگر از پول خیرین ما می‌گرفتید تا لااقل در ثواب اخروی از مردم مریوان کم نیاوریم! که بنده در اینجا از پشت این میز خطابه به مردم استان‌های مذکور اعلام می‌کنم که ملت مریوان در دوران جنگ هشت‌ساله با دادن خون صدها جوان و ویران شدن خانه و کاشانه‌شان، چنان ساعات و لحظات تراژیک و پرادباری را تحمل کرده‌اند که جا دارد علیرغم میل باطنی آن‌ها و فریادهای مکرر دوستان فعال محیط‌زیست مبنی بر تعطیلی هر چه زودتر این پروژه، به‌پاس باشکوه بودنشان در حفاظت از مرزوبوم و دارودرخت این کیان، با لجاجت هرچه‌تمام‌تر این مینی پالایشگاه را افتتاح کنم که این کمترین ادای دینی است که بر دوش ماهاست. گفتنی است ما مسئولین باسواد و آپدیت با اینکه میدانیم و شنیده‌ایم در اکثر کشورهای پیشرفته چندین سال است پروژه هایی همچون سدسازی و احداث پالایشگاه از موارد بسیار پرخطر و آسیب‌رسان به محیط‌زیست قلمداد شده‌اند و در غالب موارد نه‌تنها دیگر هیچ سدی احداث نمی‌کنند که مثلاً در سال ۲۰۰۸ در آمریکا چندین سد عظیم را تخریب کرده‌اند ولی باز چون ما اصولاً از راه رابطه و پارتی، بدون هیچ سواد و تخصصی به شغل شریف خود نائل شده‌ایم این حرف‌ها، برایمان بیشتر به ویزویز مگس تسه تسه شبیه است تا رهنمودهائی برای اجرای بهتر کارها، مفتخریم که در بیشتر موارد معتقدیم‌مرغ‌یک‌قاچ‌دارد.
ما مسئولین که در اوقات طویل فراغت خود در ادارات تحت امر خود به بهانه‌ی حضور در جلسه از پذیرش ارباب‌رجوع امتناع می‌کنیم و بسیاری اوقات با بازی مهیج انگری بیرد (ANGRY BIRD) لحظات فرح‌بخشی برای خود می فراهمیم، چنان درگیر حل مشکلات و معضلات مردم بیچاره‌ی این خطه‌ایم که وااااقعا زن و بچه‌هایمان چند سالی است به حالت ستند بای، در تعجب کامل‌اند، همین چند سال پیش بود که رودخانه‌ی الکی سیروان، بیخود و بی‌جهت جاری بود و چشمه‌ی بل و چندین دهنه چشمه‌ی عظیم دیگر در آن اطراف، یله و رها، ول بودند تا ما در سایت رسمی خود زیر عکس پرسنلی دخترکش خود علیرغم اعتراضات جمیع اهالی منطقه اعلام کردیم که مرغ یک لاق دارد و یک سد احداثیدیم
که هم می‌تواند برق تولید کند و هم اهالی منطقه در روستاهای ژیوار و سلین و ... در ساعات فراغت خود، حول‌وحوش سه نصف شب با تکان‌های شدید منازل خود، از زیر پتو به سمت کوچه پا به فرار بگذارند و پس از تجربه کردن زمین‌لرزه‌ای چند ریشتری، با روشن کردن و ایفای برای هم استیکر ارسال کنند...پیرارسال که به همراه یکی از رفقای سابق قصد بازی گل‌کوچک داشتیم، پس از اختلاس مختصری که دست داد توانستیم علاوه بر معامله‌ی یک باب منزل مسکونی در ساحل خزر، یک دستگاه آی پد برای همسر قانونی خود بخریم چون چند روزی بود بالکل ما را از شام و نهار و دیگر تسهیلات زناشویی محروم کرده بود، امروز هم عاجزانه از مردم و فعالان سبزاندیش تمنا دارم به بهانه‌ی دریاچه‌ی بیخود زریبار ما را از نان و نوا نیندازند، اوضاع جیبمان ناجور کساد است، قرار گذاشته‌ایم نوباوه‌ی چلمن و بی‌غیرت خود را به دانشگاه آزاد بفرستیم شهریه‌اش سرسام‌آور و ماشین و منزلی که قرار است برایش تهیه کنیم تا فیها خالدون یکی از حساب‌های بانکی‌مان را زیارت می‌کند، مسئولیت و پست خطیری که از هم‌اکنون برای ایشان کنار گذاشته‌شده، بدون داشتن مدرک لیسانس روی زمین می‌ماند، مردم کردستان هم که به داشتن مسئولین عجم و دارای مدارک بالا و خوش‌پوش، عادت دارند این است که حتم دارم مجبورند روی ما را زمین نیندازند. کلنگ لطفاً! با ذکر صلوات بر محمدوآل‌محمد.

جمعیت ساکت و ماااات، نه صدایی از کسی برخاست و نه حتی پچ‌پچی زمزمه شد، از کرانه‌های دور زریبار جیغ وداع گونه‌ی مرغ خوش‌رنگ مهاجری سکوت را مهمان آوای خود کرد! پرنده‌ای دیگر بی‌صدا پر زد! ناگهان از دل بهت و سرسام جمعیت، خالو رحیم نامی با گام‌های استوار صفوف جمعیت را کنار زد و جلوی مسئول قد برافراشت، کلنگ را از دستان لرزان وی گرفت و خطاب به وی چنین گفت: ما از پدرانمان یاد گرفتیم که کلنگ را برای آبادانی به زمین بزنیم نه برای ویرانی، زریباری که بی‌سوادی جنابتان به دامن شکوهش، زباله و وهن و تحقیر رها می‌کند چنان با خاطرات و رؤیاهای جمعی ما آمیخته که همگان خود را در زلال آینه‌ی آسمان سایش دیده‌ایم! شکسته باد کلنگی که تیشه‌ی جانش می‌شود! اگر لیاقت گرفتن جان ما راداری خون زریبار بر گردنت حلاااال! با فریاد پیرمرد جمعیت به خروش افتاد ... مسئول که زبانش بندآمده بود لیوانی آب خواست و سگرمه های درهمش را با تقلای فراوان باز کرد عرق پیشانی و صورت برافروخته‌ی خود را پاک کرد و دستان مرد پاک‌نهاد را بوسید و قول داد به‌جای این مستراح صنعتی که نام بی‌مسمایش پالایشگاه بود، به فکر ایجاد یک مرکز آموزشی - تولیدی جهت استفاده‌ی هرچه علمی‌تر و کاراتر از دشت بیلو و پتانسیل‌های فراوان زریبار بیفتند تا این بار، کلنگ به پیشواز آبادانی دل‌ها برود نه ویرانی آینه‌ها...

پشووی هاوین و کاتی بەتاڵی منداڵان

▪ خەلیل خاوەریان

لە دوای تەواو بوونی وەرزی خوێندن و خوێندنگا، کە زۆبەی ساڵەکان پشووی هاوینە لە نیوەی مانگی جۆزەردانەوە دەست پێ ئەکات زۆربەی منداڵان لە ئاستێکی باش لە تاقی کردنەوەی وانە و خوێندنگاکانیان سەر ئەکەون و کاتی بەتاڵیان زۆر دەبێ.
هەنووکە لە کۆمەڵگای ئێمەدا زۆربەی دایکان و باوکان بۆ پڕ کردنەوەی کاتی بەتاڵی پشووی هاوینی منداڵانیان، پلان و ڕێگای زۆر ئەدۆزنەوە کە لەوانەیە لەگەڵ هەست و توانای منداڵان گونجاو نەبێت و منداڵان لە باتی فێر بوون و چێژ وەرگرتن لەو پلانانە ماندوو بن و کاتی بەتاڵیان هەر بە فێرۆ بروات و زۆر جار منداڵان ڕووبەڕووی کاری زیاتر لە ئاستی خۆیان وەک دەسفرۆشی و کاری ناو کارگەکان و شاگردی فیتەر و پێڵاو بۆیاخ کردن و فرۆشتنی سارەمەنی وەک بەستنی و ... دەبنەوە، بۆیە پێویستە دایکان و باوکان زۆر خاڵ هەیە ڕەچاوی بکەن و منداڵانیان بەو پلانانە نەڕەنجێنن و بە ڕاوێژ کردن لەگەڵ منداڵان و لە بەرچاو گرتنی ئاستی توانایی و هەستی ئەوان پلان بۆ پڕ کردنەوەی کاتی بەتاڵی پشووی هاوینیان دابنێن.
کاتی پشووی هاوین تایبەت بە منداڵانە بۆیە پێویستە منداڵان بەو کار و پرۆگرامانە سەرقاڵ ببن کە حەزیان لێیەتی، بەڵام پێویستە کە بزانین سەرقاڵ بوون و پڕ کردنەوەی کاتی بەتاڵی منداڵانیش بە بێ چاودێری گەورەکان، ئیشێکی هەڵەیە.
هەندێ لە دایکان و باوکان پارەیەکی زۆر ئەدەن بە ناوەندە وەرزشی و فێرکارییەکانِ بەبێ ئەوەی هەست و توانای منداڵانەکانیان لە بەر چاو بگرن، تا کاتی پشووی هاوینیان بۆ پڕ بکەنەوە و لە لایەکی دیکەوە زۆرن دایکان و باوکانێک کە لە بەر دەس کورتی و نەبوونیی، توانای ناردنی منداڵەکانیان نییە بۆ ئەوە ناوەندە فێرکارییە هونەری و زانستی و وەرزشییانە و منداڵانیان دەنێرن بە دوای کار و دەسفرۆشی و زۆر ئیشی تردا، کە منداڵان لە دونیای منداڵانەیان دائەبڕێ.
زۆر کات بردنە دەرەوەی منداڵ بۆ ناو پارک و یاری کردنێکی ساکار لە دەرەوە زۆرتر یارمەتیدەرەی شادی و گەشاوەیی منداڵە، تا ئەو بڕیارانەی گەورەکان بەبێ لە بەر چاو گرتنی هەستی منداڵان دەری ئەبڕن.
پێویست نییە کە گەورەکان بڕیاردەر بن لەوەی منداڵان چۆن کاتی بەتاڵیان پڕ بکەنەوە؛ بەڵکوو پێویستە گەورەکان تەنیا وەک یارمەتیدەر و چاودێر، منداڵان ڕێنوێنی بکەن کە چۆن سەرکەوتن بەدەست بێنن لە چوون بۆ ئەو خولە فێرکارییانە. منداڵ لە ساڵدا کە خەریکی خوێندن و ڕۆشتن بۆ خوێندنگا بووە زۆر بە پەرۆشە کە هاوین پشوو بدات و وزە بگرێ و ماندوویەتی خۆی دەر بکات. پێویستە گەورەکان بە بڕیاری نابەجێ و بەبێ لە بەرچاو گرتنی هەست و توانای منداڵان ئەوەندەی تر ئەوان ماندوو نەکەن لە فێر بوون.
بە بێ لە بەرچاو گرتنی لایەنی نێگاتیڤی خولی فێرکاری بۆ پشووی هاوینی منداڵان، ئەو ناوەندە فێرکارییانە لایەنی پۆزەتیڤی زۆرپشی هەیە وەکوو دوور خستنەوەی منداڵ لە چوارچێوەی ماڵ و تیڤی و کامپیوتەر و تەبلت و... کە دەبنە هۆی ئەوە کە منداڵان کەمتر جوواڵە و هەستانیان ببێ و دابڕانی کۆمەڵایەتی و تەمبەڵی و تاکگەرایی ... لە خۆیاندا بونیاد بنێن. بەشداری کردنی لە خولە فێرکاری و وەرزشییەکان دەبێتە هۆی باوەڕ بە خۆ بوون و بەهێز کردنی پێوەندییە کۆمەڵایەتییەکان لە کەسایەتیی منداڵدا. لە لایەکی دیکەوە ئەگەر ئەو خولە فێرکارییانە بە شێوازێکی دروست و لە سەر ئەساسی هەستی حەز کردنی منداڵان بەڕێوە بچێ دەبێتە هۆی گەشە کردنی بەهرە و لێهاتوویی و ڕێنوێنیی باش بۆ توانایی منداڵان لە ئەنجامدانی ئیش و کاری ژیانی خۆیان و داهاتوویاندا.
کێشەیەکی دیکە کە لە وەرزی پشووی قوتابخانەکاندا ڕووبەڕووی منداڵانی دەرەوەی شار دەبێتەوە ئەوەیە کە زۆربەی دێهاتەکانمان بێبەشن لە ناوەندی فێرکاری و وەرزشی و منداڵان ناتوانن کاتی بێکارییان پڕ بکەنەوە، هەر چەند منداڵانی گوندەکان زۆربەیان سەرقاڵی کاری کشتوکاڵ و ئاژەڵدارین؛ بەڵام پێویستە کە بەرپرسان هەوڵ بدەن ناوەندی فێرکاری و وەرزشی لە دێهاتەکان بکەنەوە و دایبمەزرێنن تا منداڵانی دێهاتیش بێبەش نەبن لە گەشە کردن.
بەداخەوە هەندێ لە دایک و باوکان لە دوای تەواو بوونی قوتابخانە، منداڵانیان بە تایبەت تازەلاوانی کوڕ دەنێرنە دەرەوەی ماڵ بۆ کار کردن و دەسفرۆشی، لێرەدا نەک تەنیا منداڵان دائەبڕێنن لە دونیای منداڵیی خۆیان، وا ئەزانن دڵسۆزی ئەکەن کە منداڵەکانیان بە کار کردنی وەک دەسفرۆشی و بۆیاخکردنی پێڵاو و بەستەنی فرۆشی و کار لە کارگەکان و ... سەرقاڵ ئەکەن، ئیتر ناچن بە دوای کاری خراپ و فێری کار کردن و پارە پەیدا کردن ئەبن.
پێویستە بیزانین کە لە هیچ یاسایەکدا کار کردن بۆ مرۆڤی ژێر ١٨ ساڵ ڕەوا نییە و منداڵ ناپاریزێ لەوەی کە لە دەرەوەی ماڵدا، نەچێت بەدوای کاری هەڵە و چەوتدا، بەداخەوە منداڵێک کە مافی خویەتی کە بەشداری وەرزش و یاری یان فێری زمان و هونەر و خوێندنەوە و زۆر شتی باشی تر ببێ، ئیتر ئەچێتە ناو دونیایەک کە زۆر لە تەمەنی خۆی گەورەترە و بۆ پەیدا کردنی پارە هەندێ جار مەجبوور بە زۆر کار دەکرێ کە لە ئاست و توانای ئەودا نییە. زۆربەی ئەو منداڵانەی کۆمەڵگا کە دەسدرێژیی جنسی ئەکرێتە سەریان گەر لێکۆڵینەوەیان لە سەر بکرێ، زۆربەیان منداڵانی کارن و هەندێ جار لە بەر پارە مەجبوور کراون قەبوواڵی بکەن دەسدرێژی بکرێتە سەریان.
هەر چەندە لە ڕۆژگاری ئەمڕۆمان هەندێ لە دایکان و باوکان لە بەر دەسکورتی یان نەبوونی، ناتوانن منداڵەکانیان بنێرن بۆ خولە فێرکاری، هونەری و وەرزشییەکان، بەڵام ئەتوانن هەر هیچ نەبێ منداڵانیان ببەنە دەرەوە و لە پارک و گەشت و سەیراندا لەگەڵیان بن و لێرەدا ئەرکی بەرپرسان و وەزارەتی پەروەردە و ڕاهێنانە کە بیر لەم چینەیش بکاتەوە هەر هیچ نەبێ لە خوێندنگەکاندا خولی فێرکاریی هونەری و وەرزشی بۆ منداڵە هەژارەکان بکاتەوە تا ئەوانیش بێبەش نەبن لە خۆشی و گەشە کردنی دونیای منداڵانەیان.
بە خۆشحاڵیەوە ئێستا لە زۆربەی شارەکانی کوردستان لە ناوەندە فەرهەنگی و ئەدەبییەکاندا خولی فێرکاریی زمانی کوردی بە زۆرێک لە شێوەزارەکان دائەنرێت؛ لێرەدا گەورەکان ئەتوانن منداڵەکانیان بنێرنە ئەو ناوەندانە تا چیتر منداڵەکانیان بێبەش نەبن لە خوێندن و نووسینی زمانی دایکییان. چون بە پێی لێکۆڵینەوە زانستی و دەروونناسییەکان ئەو منداڵانەی کە زیاتر زاڵن بەسەر زمانی دایکییان، سەرکەوتنی زیاتر بە دەست دێنن لەوانەی کە توانای بە کار هێنانی زمانی دایکییان نییە.
لە وەرزی پشووی وانە و خوێندنگەکاندا گەورەکان ئەتوانن بە بێ ئەوەی منداڵەکانیان ماندوو بکەن وەک دەرفەتێک هەوڵ بدەن کە کەموکورتیی منداڵەکانیان لە هەر وانەیەک کە لە ماوەی خوێندن لە خوێندنگە هەیبووە قەرەبوو بکەنەوە و منداڵەکەیان ئامادە بکەن کە بۆ ساڵی داهاتووی خوێندن کێشەی نەبێت.

زمانی کوردی دوو ڕەگەزە بکەین (بەشی دووهەم و کۆتایی)

▪ فەرەیدوون پەروازە

بەر لە هاتنی مادەکان، کوردستان مەکۆی شارستانییەت و دەسەڵاتداریتیی ناوچەیی بووە. تێکەڵبوون و توانەوەی میوان و خانەخوێ لەیەکترِدا، گەورە دەسەڵاتی مادی لێکەوتۆتەوە. ئەڵبەت وا دیارە کە کۆچی ئاریایەکان لە دوو زەمەندا ڕووی دابێ و میوان و خانەخوێ، خزمایەتیی زمانی، فەرهەنگی، دینی و خوێنیی کۆنیان پێکەوە هەبووبێت. بە هەرحاڵ کورد لە دوای هاتنی ئاریایەکان، یەکەمین دەسەڵات بوون کە دەسەڵاتی بە سەر بانەگای ئێران(فلات ایران) و دووچەمانەکەی دیجلە و فوراتدا گرتووە. زمانی کوردی لە ئێراندا یەکەمین زمان بوو کە بوو بە زمانی دەسەڵات، دیوەخان، نووسین، مەزهەب و زمانی فەرمی؛ تەنانەت دواتر فارسەکانیش ئەو ئەزموونگەلەیان لە کوردەکان وەرگرت. زمانی کوردی لە دوای مادەکان گۆڕانکاریی بەرباڵاوی بە خۆوە دیوە. بۆ ڕیزبەندی کردنی قۆناغەکانی زمانی کوردی، خوێندنەوە و شرۆڤەکردنی هەموو بڕگە مێژوونووسییەکانی کورد و زمانەکەی پێویستییەکی بەرچاوە. زمانی کوردی لە حاڵی حازردا زمانێکی زیندووە و لە یەکێک لە ستراتیژیکترین ناوچەکانی جیهاندا شەڕ بۆ شوناس و دەسەڵاتی خۆی ئەکات. ئەو زمانە خاوەن چەندین زاراوەی جیاوازە؛ کە هەر زاراوەیەک بۆ خۆی بە میلیۆنان کەس ئاخاوتنی پێدەکات و ژیانی ڕۆژانەی پێ دەخەملێنێت.

ئەو زمانە دەکرێ بە سەر چەند دەورەی زمەنیدا دابەش بکەین. ئەڵبەت هەرچەن سەرچاوە و دەقێکی باوەڕپێکراومان لە بەردەستدا نییە، بەڵام ئەتوانین پێوەری دیکە پەیدا بکەین. بۆ نموونە وردە زاراوەکانی وەک ئەردەڵانی، گەڕووس، موکریانی، سلێمانیەیی و... هتد لە جوغرافیای کرمانجیی ناوەڕاستدا هەڵکەوتووە. یان هەندێک زاراوەی کرمانجیی خوارووی وەک: لەکی، کەلهوڕی، لوڕی(بەختیاری، مومسنی، فەیلی،...) لە زاراوە دێرین و سەرەکییەکانی کوردستانە، بەڵام بە هۆکارگەلی فەرهەنگی، سیاسی و مەزهەبی هۆگرییان بەلای دەوڵەتی ناوەندیدا پەیدا کردووە و بەزۆری لە شوناسی دێرینەی خۆیان دوورکەوتوونەتەوە. باسێک کە لێرەدا جێی ئاماژەیە ئەوەیە کە لوڕەکان لە باری زمانەوانی، فەرهەنگی، مێژوویی و... هتدەوە لە سەر کورد دەبێ حیسابیان بۆ بکرێ چونکا خزمایەتی و هاوخوێنیی زاگرۆسنشینەکان یا بازنەی زاگرۆس دێرین و حاشا هەڵنەگرە و زۆر خاڵی هاوبەش و لێکچوویان هەیە کە لە نێو ئێمە و فارسەکانیشدا نییە.

هەر بۆیە لێکۆڵەران دەبێ دابەشکارییە ئیداری و ئوستانییەکان(پارێزگا) لە بەرچاو نەگرن بەڵکوو فاکتە فەرهەنگی، سیاسی، مێژوویی، زمانەوانی، ژینگەناسی، ئابووری،... هتد دەتوانن ببنە پێوەر.

زمانی کوردی بە گشت زاراوەکانیەوە، زمانێکە کە بە درێژاییی مێژوو هەم تاخێوەرانی زیادی کردووە و هەم لە باری دەستووری و گشت ڕەهەند و جوانیناسییەکانی زمانەوە گەشەی کردووە؛ ئەو زمانە هەر لە سەرتاوە هەتا ئێستا لەگەڵ سروشتدا ژیاوە. باری سروشتی و کەشوهەوایی کوردستان بە جۆرێکە کە خەڵک بە درێژایی دەیان سەدە تەنیا پیشەیان وەرزێڕی، ئاژەڵداری، باخداری، ڕستن و چنین و پیشەگەلی پێوەندیدار بە سروشتەوە بووە. خاڵی جێگای سەرنج ئەوەیە کە لە ژیانی کۆمەڵایەتیی کورددا ژنان وەک پیاوان بەشداری کاروبارەکان بوون. ژیانی جافایەتی و خوار و ژوور کردنی هۆز و خێڵەکان کە ئێستاش لە بڕێک ناوچەدا باوی ماوە، بەڵگە و سەلمێنەری ئەو گفتەیە؛ بێجگە لەوە، پیشەگەلی گۆزەگەری، ڕستن و چنین، دەرمانگەری و ... هتد کە کاری خەڵکانی یەکجارنشین(دێهات یا شاری) بووە، بە زۆری لە ئەستۆی ژنان بووە. تێکەڵیی ژیان لە گەڵ سروشت لە ئاستێکدا بووە کە کوردەکان ڕێیان بردووە بە خاسیەت و باری دەرمانگەریی هەموو گژوگیاکانی ناوچەکە. ئیبنەسیناباوکی توب(طب) کاتێ لە بوخاراوە بە شوێن عیلم و زانستدا شار بە شار و گوند بە گوند دەگەڕێ، کاتێ دەگاتە هەمەدان هەتا مردن لەوێ دەمێنێتەوە. هۆکاری مانەوەی دە ساڵ لە ئاخری تەمەنی ئیبنەسینا لە هەمەدان ئەوەیە کە ئەو شارە لەو کاتەدا یەکێک لە گەورەترین نەخۆشخانەکانی ئێران و تەنانەت ڕۆژهەڵاتی ناوینی تێدا بووە. ئیبنەسینا بێجگە لەوەی کە وەک حەکیمێک دێتە ئەوێ، تەنانەت بەشی زۆری ئەزموونەکانی ژیانی و نووسینەکانی هەر لەوێ دەبێ. ئەوکاتە هەمەدان ناوەند و تاقیگایەک بووە بۆ ناسین و دروست کردنی شەربەتی هەموو گژوگیا دەرمانییەکان. زۆربەی زۆری گژوگیا دەرمانییەکان، دانیشتوانی بناری زاگرۆس دابینیان کردووە. نەخۆشەکان، مشتەرییەکان و زۆربەی ئەوانەی ئاوەن و ڕەوەنی ئیبنەسینایان کردووە و تەنانەت خەڵکی هەمەدان و دەوروبەریشی هەتا هاتنی تورکەکان بۆ ئەوێ هەر کورد بوون. ڕەنگدانەوەی دۆخی دەرمانگەری و گیادەرمانیی ئەو سەردەمەی کوردستان و ئاستی ڕۆشنبیریی زانستی پزشکی بەڕاستی لە کتێبە بە ناوبانگەکەی ئیبنەسینا(یاسا لە توب)دا بەدی ئەکرێت.(ئێستەش مەسەلەی گیادەرمانی لە کوردستان هەروا بەردەوامە و گژوگیا و بەروبومی دار و درەخت پیشەی بڕێک لە خەڵکە).

یەکێک لە هۆکارە سەرەکییەکانی مانەوەی زمانی کوردی بە درێژاییی مێژوو ئەوە بووە کە ژنان لە پێکهاتەی زماندا زیاتر لە پیاوان خاوەن بەش بوون؛ تەنانەت ئەگەر خەسارێکیش لە زمان کەوتبێ لە لایەن پیاوانەوە بووە. سەبارەت بەو بابەتە دەبێ بوترێت کە ڕاستە ڕوانگەی پیاوانە بە سەر کەشوهەوای کۆمەڵدا زاڵ بووە، بەڵام زیاتر ژنان دەمڕاس و وتەبێژ و گەشەپێدەری زمان بوون.

تەوەری دین و تەشەنەکردنی بڕێک لەو دینگەلە بۆ کوردستان و شوێنەواری ڕاستەوخۆیان لە سەر زمان، باسێکە کە نابێ بە ئاسانی خۆمانی لێ دەربازکەین. کوردستان هەر وەک ئوسکارمان دەڵێ وەک شانە مێرووڵە دینی تێدا بووە و بە کورتی وڵاتی دین بووە. سەرهەڵدانی ئایینی ئیسلام لە چوارەدە سەدە لەوە پێشەوە و تەشەنەکردنی بەرەو ڕۆژهەڵات بە تایبەت کوردستان، ئاڵوگۆڕی بەرچاوی لە زمانی کوردیدا پێک هێنا. دینێکی تازە بە ڕوانگە و جیهانبینییەکی نوێوە و لە هەمووی گرنگتر زمانێکی جیاواز کە تەنانەت سەر بە بنەماڵەی ئاری نییە، ئاخۆ چ شوێنەوارێک لە سەر زمانەکانی دیکە دابنێت. ستراتیژیی دین لە سەرەتادا سڕینەوەی دینە پێشووەکان و نووسیاری کردنی بەرنامە و ئایدیای خۆی بووە. یەکێک لە کێشەکانی زمانی کوردی ئەوە بووە کە ئەو زمانە بە شێوەی زارەکی بووە و کەمتر ئاوڕی لە باری نووسیاری داوەتەوە. لەو سەردەمە بەدواوە بەرەبەرە خەتی کووفی لە کوردستان و تەنانەت ناوچەکەدا بوو بە خەتی فەرمیی دین و دیوەخان. هزروانان و قەڵەمبەدەستانی کورد وەک دیاردەیەکی مودێرن ڕوویان کردە ڕەوتی تازە و زمان و خەتی کوردی کەوتە پەراوێزەوە. ئەو دیاردەیەش تا ڕادەیەک لە زمانی فارسیدا ئەبینرێ. قەڵەمبەدەستانی کورد و فارس، باس و بابەتەکانیان(جگە شێعر) بە عەرەبی نووسیی و خزمەتی بەرچاویان بە زمانی عەرەبی کرد. خزمەتی کوردزمانان بە دینی ئیسلام گەییوە بە ئاستێک کە ئیمام غەزاڵی دەڵێت: دین لە سەر دەستی شارەزوورییەکان، ئامێدییەکان و سورەبەردییەکان ماوەتەوە. بە بڕوای فێمێنیستەکان دینە دواییەکان هەر هەموویان نێرینەسالارن و یارمەتیدەرێک بوون بۆ پەراوێز خستن و بچووک کردنەوەی جیهانبینیی ژنانە. گەر بەو پێیە بێ بەڕەگەزایەتی کردنی زمان وێدەچی لە دوای سەرهەڵدانی چوار دینی گەورەی جیهان واتە: بوودا، زەردەشت، مەسیح و ئیسلام بە شێوەی بەرنامەدارێژاو گەشەی کردبێ. تێکەڕای زمانەکان لە سەرەتادا زۆر ساکار و ئاسایی بوون؛ بەڵام دواتر بەرەبەرە ئەو دیاردەیە لە باری دەستوورییەوە لە زماندا خۆی دەرخست. بۆ نموونە بە ڕەگەزایەتی بوونی زمان لە زمانگەلی ئینگلیزیدا'He,she' لە عەرەبیدا "هو" و "هی" و لە کوردیدا(هەورامی) "ئاد"و"ئادە" هەر ئێستاش بەدی ئەکرێت. تەنانەت لە زمانێکی پێشکەوتووتری وەک ئینگلیزیدا وشەی ژن"woman" ڕێکوندێکە لە پیاو"man". واتە وشەی ژن لە ئینگلیزیدا واتای نییە و بە ناوی پیاوەوە بووە بە خاوەن شوناس؛ یان لە عەرەبیدا وشەی عەورەت بە مانای دەزگای زاوزێیە، واتە ئەوندە بە چاوی شەهوانی و سووکەوە ڕوانیویانەتە ژن کە بۆ پێناسەی مرۆڤێک دەزگای زاوزێ وەکار دێنن(ئەگەر لە ئافرۆدیتی یۆنانییەوە وەرنەگیرابێ). ئەڵبەت لە بڕێک ناوچەدا تا ڕادەیەک ڕوانگەکان سەبارەت بە ژن کراوەتر و لەبارتر بووە.

بێجگە لە دینی ئیسلام دینەکانی دیکە وەک جوولەکە و مەسیح جێپەنجە و شوێنەواریان لە کوردستاندا دیارە. هەرچەک لەو دینگەلە بێجگە لەوەی کە بڕێک دەستوور و یاسای بە زمانی خۆی لە ناو زمانی کوردیدا پەرە پێداوە، سەبارەت بە ژنانیش، ڕوانگە و ئەندیشەی خۆیان هێناوەتە ئاراوە. لە زۆر بوارەوە بۆمان ئەسەلمێت کە دینی ئیسلام بەوتوندوتۆلییەوە کاتێ دەگاتە کوردستان کوردیزە ئەبێ. هەرچەن جەماوەرێکی زۆر لە کوردەکان ئیسلام قەبووڵ ئەکەن و باوەڕیان پێی هەیە، بەڵام لە بواری کۆمەڵایەتییەوە وەک ژنانی عەرەب لە مالەوە نیشتەجێ ناکرێن و هەڵسوکەوتی یەک-لایەنەیان لە گەڵ ناکرێ. ژنانی کورد وەک پێشتر بەشداریی کاروبارە کۆمەڵایەتی و ئابووریییەکانیان کردووە و دیندارییش بەو شێوەیە بووە کە ژنان لە پێکهاتەی زماندا زیاتر لە پیاوان خاوەن بەش بوون؛ تەنانەت ئەگەر خەسارێکیش لە زمان کەوتبێ لە لایەن پیاوانەوە بووە. سەبارەت بەو بابەتە دەبێ بوترێت کە ڕاستە ڕوانگەی پیاوانە بە سەر کەشوهەوای کۆمەڵدا زاڵ بووە، بەڵام زیاتر ژنان دەمڕاس و وتەبێژ و گەشەپێدەری زمان بوون.

تەوەری دین و تەشەنەکردنی بڕێک لەو دینگەلە بۆ کوردستان و شوێنەواری ڕاستەوخۆیان لە سەر زمان، باسێکە کە نابێ بە ئاسانی خۆمانی لێ دەربازکەین. کوردستان هەر وەک ئوسکارمان دەڵێ وەک شانە مێرووڵە دینی تێدا بووە و بە کورتی وڵاتی دین بووە. سەرهەڵدانی ئایینی ئیسلام لە چوارەدە سەدە لەوە پێشەوە و تەشەنەکردنی بەرەو ڕۆژهەڵات بە تایبەت کوردستان، ئاڵوگۆڕی بەرچاوی لە زمانی کوردیدا پێک هێنا. دینێکی تازە بە ڕوانگە و جیهانبینییەکی نوێوە و لە هەمووی گرنگتر زمانێکی جیاواز کە تەنانەت سەر بە بنەماڵەی ئاری نییە، ئاخۆ چ شوێنەوارێک لە سەر زمانەکانی دیکە دابنێت. ستراتیژیی دین لە سەرەتادا سڕینەوەی دینە پێشووەکان و نووسیاری کردنی بەرنامە و ئایدیای خۆی بووە. یەکێک لە کێشەکانی زمانی کوردی ئەوە بووە کە ئەو زمانە بە شێوەی زارەکی بووە و کەمتر ئاوڕی لە باری نووسیاری داوەتەوە. لەو سەردەمە بەدواوە بەرەبەرە خەتی کووفی لە کوردستان و تەنانەت ناوچەکەدا بوو بە خەتی فەرمیی دین و دیوەخان. هزروانان و قەڵەمبەدەستانی کورد وەک دیاردەیەکی مودێرن ڕوویان کردە ڕەوتی تازە و زمان و خەتی کوردی کەوتە پەراوێزەوە. ئەو دیاردەیەش تا ڕادەیەک لە زمانی فارسیدا ئەبینرێ. قەڵەمبەدەستانی کورد و فارس، باس و بابەتەکانیان(جگە شێعر) بە عەرەبی نووسیی و خزمەتی بەرچاویان بە زمانی عەرەبی کرد. خزمەتی کوردزمانان بە دینی ئیسلام گەییوە بە ئاستێک کە ئیمام غەزاڵی دەڵێت: دین لە سەر دەستی شارەزوورییەکان، ئامێدییەکان و سورەبەردییەکان ماوەتەوە. بە بڕوای فێمێنیستەکان دینە دواییەکان هەر هەموویان نێرینەسالارن و یارمەتیدەرێک بوون بۆ پەراوێز خستن و بچووک کردنەوەی جیهانبینیی ژنانە. گەر بەو پێیە بێ بەڕەگەزایەتی کردنی زمان وێدەچی لە دوای سەرهەڵدانی چوار دینی گەورەی جیهان واتە: بوودا، زەردەشت، مەسیح و ئیسلام بە شێوەی بەرنامەدارێژاو گەشەی کردبێ. تێکەڕای زمانەکان لە سەرەتادا زۆر ساکار و ئاسایی بوون؛ بەڵام دواتر بەرەبەرە ئەو دیاردەیە لە باری دەستوورییەوە لە زماندا خۆی دەرخست. بۆ نموونە بە ڕەگەزایەتی بوونی زمان لە زمانگەلی ئینگلیزیدا'He,she' لە عەرەبیدا "هو" و "هی" و لە کوردیدا(هەورامی) "ئاد"و"ئادە" هەر ئێستاش بەدی ئەکرێت. تەنانەت لە زمانێکی پێشکەوتووتری وەک ئینگلیزیدا وشەی ژن"woman" ڕێکوندێکە لە پیاو"man". واتە وشەی ژن لە ئینگلیزیدا واتای نییە و بە ناوی پیاوەوە بووە بە خاوەن شوناس؛ یان لە عەرەبیدا وشەی عەورەت بە مانای دەزگای زاوزێیە، واتە ئەوندە بە چاوی شەهوانی و سووکەوە ڕوانیویانەتە ژن کە بۆ پێناسەی مرۆڤێک دەزگای زاوزێ وەکار دێنن(ئەگەر لە ئافرۆدیتی یۆنانییەوە وەرنەگیرابێ). ئەڵبەت لە بڕێک ناوچەدا تا ڕادەیەک ڕوانگەکان سەبارەت بە ژن کراوەتر و لەبارتر بووە.

بێجگە لە دینی ئیسلام دینەکانی دیکە وەک جوولەکە و مەسیح جێپەنجە و شوێنەواریان لە کوردستاندا دیارە. هەرچەک لەو دینگەلە بێجگە لەوەی کە بڕێک دەستوور و یاسای بە زمانی خۆی لە ناو زمانی کوردیدا پەرە پێداوە، سەبارەت بە ژنانیش، ڕوانگە و ئەندیشەی خۆیان هێناوەتە ئاراوە. لە زۆر بوارەوە بۆمان ئەسەلمێت کە دینی ئیسلام بەوتوندوتۆلییەوە کاتێ دەگاتە کوردستان کوردیزە ئەبێ. هەرچەن جەماوەرێکی زۆر لە کوردەکان ئیسلام قەبووڵ ئەکەن و باوەڕیان پێی هەیە، بەڵام لە بواری کۆمەڵایەتییەوە وەک ژنانی عەرەب لە مالەوە نیشتەجێ ناکرێن و هەڵسوکەوتی یەک-لایەنەیان لە گەڵ ناکرێ. ژنانی کورد وەک پێشتر بەشداریی کاروبارە کۆمەڵایەتی و ئابووریییەکانیان کردووە و دینداریش بەو شێوەیە بووە کە ژنان لە پێکهاتەی زماندا زیاتر لە پیاوان خاوەن بەش بوون؛ تەنانەت ئەگەر خەسارێکیش لە زمان کەوتبێ لە لایەن پیاوانەوە بووە. سەبارەت بەو بابەتە دەبێ بوترێت کە ڕاستە ڕوانگەی پیاوانە بە سەر کەشوهەوای کۆمەڵدا زاڵ بووە، بەڵام زیاتر ژنان دەمڕاس و وتەبێژ و گەشەپێدەری زمان بوون.

تەوەری دین و تەشەنەکردنی بڕێک لەو دینگەلە بۆ کوردستان و شوێنەواری ڕاستەوخۆیان لە سەر زمان، باسێکە کە نابێ بە ئاسانی خۆمانی لێ دەربازکەین. کوردستان هەر وەک ئوسکارمان دەڵێ وەک شانە مێرووڵە دینی تێدا بووە و بە کورتی وڵاتی دین بووە. سەرهەڵدانی ئایینی ئیسلام لە چوارەدە سەدە لەوە پێشەوە و تەشەنەکردنی بەرەو ڕۆژهەڵات بە تایبەت کوردستان، ئاڵوگۆڕی بەرچاوی لە زمانی کوردیدا پێک هێنا. دینێکی تازە بە ڕوانگە و جیهانبینییەکی نوێوە و لە هەمووی گرنگتر زمانێکی جیاواز کە تەنانەت سەر بە بنەماڵەی ئاری نییە، ئاخۆ چ شوێنەوارێک لە سەر زمانەکانی دیکە دابنێت. ستراتیژیی دین لە سەرەتادا سڕینەوەی دینە پێشووەکان و نووسیاری کردنی بەرنامە و ئایدیای خۆی بووە. یەکێک لە کێشەکانی زمانی کوردی ئەوە بووە کە ئەو زمانە بە شێوەی زارەکی بووە و کەمتر ئاوڕی لە باری نووسیاری داوەتەوە. لەو سەردەمە بەدواوە بەرەبەرە خەتی کووفی لە کوردستان و تەنانەت ناوچەکەدا بوو بە خەتی فەرمیی دین و دیوەخان. هزروانان و قەڵەمبەدەستانی کورد وەک دیاردەیەکی مودێرن ڕوویان کردە ڕەوتی تازە و زمان و خەتی کوردی کەوتە پەراوێزەوە. ئەو دیاردەیەش تا ڕادەیەک لە زمانی فارسیدا ئەبینرێ. قەڵەمبەدەستانی کورد و فارس، باس و بابەتەکانیان(جگە شێعر) بە عەرەبی نووسیی و خزمەتی بەرچاویان بە زمانی عەرەبی کرد. خزمەتی کوردزمانان بە دینی ئیسلام گەییوە بە ئاستێک کە ئیمام غەزاڵی دەڵێت: دین لە سەر دەستی شارەزوورییەکان، ئامێدییەکان و سورەبەردییەکان ماوەتەوە. بە بڕوای فێمێنیستەکان دینە دواییەکان هەر هەموویان نێرینەسالارن و یارمەتیدەرێک بوون بۆ پەراوێز خستن و بچووک کردنەوەی جیهانبینیی ژنانە. گەر بەو پێیە بێ بەڕەگەزایەتی کردنی زمان وێدەچی لە دوای

خاڵێکی جێی سەرەنج لێرەدا ئەوەیە کە فەلسەفە و دینەکانی کۆنی زەوی بە زۆری پیاوان ئاوڕیان لێ داوەتەوە و ژن کەمتر خۆیان لە بابەتە دینی و ئەخلاقی و فەلسەفییەکان داوە. دینی ئیسلام وەک دواییین دین بە وتەی فێمێنیستەکان تەواو پیاوسالارە، کاتێ ئەو دینە بە هۆی پیاوانەوە بە زەبری "شمشێر" و "ئامۆژگاری"یەوە دەگاتە ئەو ولاتە، دیسانەوە لە لایەن پیاوانەوە قەبووڵ ئەکرێ و تەنانەت پیاوانیش دەچن بە پێشوازییەوە. ژنان لە ژێر سێبەر و دەستووری پیاواندا دینی ئیسلام قەبووڵ دەکەن. بە دریژاییی میژووی ئیسلام، زانا و قەڵەمبەدەستی ژن بەدی ناکرێ کە وەک پیاوان سەبارەت بە دین نووسیبێتیان؛ ئەڵبەت لە باری مەعنەوپاتەوە بە دەیان ژنی گەورە لە ئیسلامدا هەڵکەوتووە کە پلەی دینداری و خواپەرستییان بگرە لە پیاوانی سەردەمی خۆیان بەرزتر بووە. نموونەی ئەو ژنانە ڕابیعەی عەدەوییە و ڕابیعەی شامی و... هتدە. سەبارەت بە مەزهەبی تەشەیوع و سەرهەڵدانی لە کوردستاندا، دەبێ بگوترێ کە ئەو مەزهەبە لە سەر کارتێکەریی نەتەوە و دەوڵەتانی زاڵ لە کوردستاندا ڕەگی داکوتا و گەشەی کرد. بێجگە لەوەی لە باری زمانییەوە بۆشایی و دوورکەوتنەوەیەکی لە نێوان کرمانجیی ناوەڕاست و خواروودا دروست کرد، لە بوارگەلی وەک تەنگ و بەرتەسک کردنەوەی ڕوانگەی کوردی سەبارەت بە ژن، تا ڕادەیەک شوێنی لە سەر کۆمەڵگای کوردی داناوە. کورەد شیعەکان هەرچەن بەزۆری کۆمەڵگایەکی شوانکارە و ناشاری بوون، بەڵام بە هۆی ئاوڕدانەوەی دەوڵەتانی ناوەندی، هەم وەکوو هێز هەم وەکوو خاک(ژیئۆ مەزهەبی، بەردەبازێک لە نێوان کەربەلا و قوم و مەشهەددا) لە خزمەت ناوەندا بوون. شیعەگەری لە کوردستاندا بە زۆری شوێنەواری لە سەر شارییەکان دانا. فەرهەنگی عاشوورا و هەندێک دەستوورانی وەک سیغە(تا ڕادەیەکی کەم) لە نێوان کوردانی ئەو بەشەدا کاردانەوەی هەبوو. گوندنشینان و دەوارنشینانی شیعە کەمتر بۆیان لواوە ئاوڕ لە چەمکگەلی مەزهەب بدەنەوە؛ هەر بۆیە مۆرکی نەتەوەیی -بوون هەتا ئەو سەردەمەی ئێمەش لە نێوان ئەواندا زەق و بەرجەستەترە.

بیرۆکەی چەپ وسوسیالیستی لە کوردستاندا تا ڕادەیەک ژنی کێشایە نێو گۆڕەپانە ئابووری، کۆمەڵایەتی و سیاسییەکان. بە هۆی لاوازی و هەژاریی باری هەرزی و هەروەها پرژوبلاویی بیرۆکەی چەپ، ئێمە ناتوانین بەراوردکاری و هەڵسەنگاندنێکی ئەوتۆ لە نێوان چەپی کوردی و نەتەوەکانی دراوسێ بکەین. چەپی ئێرانی، شۆڕشێکی بەربڵاوی فەرهەنگی و ڕۆشنبیری ڕێخست کە مێژووی ئێران سەردەمی زێڕینی وای بە خۆوە نەدیوە. چەپی ئێرانی بێجگە لە ڕێخستنی جەماوەر و شکاندنی تابۆ کۆمەڵایەتی و دینییەکان، مەزنترین کارێکی گەورە کە ئەنجامیان دا، وەرگێڕان و گواستنەوەی هزر و فەلسەفەی ڕۆژئاوا بوو بۆ سەر زمانی فارسی. ئەو زمانە هەتا ئەو سەردەمە لە نێو بازنەیەکی کۆنکرێتی و ئێرانگەرییەکی خەستدا مابوویەوە، بەڵام ئەو شۆڕشە فیکرییە زەینیەت و جیهانبینیی فارسەکانی دەرحەق بە دنیای دەرەوە گۆڕی و تابۆی ڕووبەڕووبوونەوەی لەگەڵ دنیای نامۆدا شکاند. (ئەڵبەت چەپی ئێرانی لە زۆر بوارەوە بە تایبەت لە بواری کێشەی ژنان و کێشەی نەتەوایەتی لە ئێراندا، جێگای ڕەخنەیە). چەپی کوردی لە هەر چواربەشی کوردستاندا لە ژێر سێبەر و هێژمۆنیی چەپەکانی ناوەنددا دەستیان دایە خوێندنەوەی ئەو بیرۆکەیە و بە زمان و دەستووری ئەوان بیرۆکەکەیان گواستەوە بۆ کوردستان. دیسانەوە چەپی کوردی لە دوای دابڕان و سەربەخۆبوونەوە لەگەل ناوەند بە جۆرێک هاتنە گۆڕەپان کە جێگای ڕەخنە و تێبینییە. بۆ نموونە چەپی کوردی زمانی خۆی نەبوو، بەڵکوو بە زمانەکانی فارسی، تورکی و عەرەبی ئەو بیرۆکەیەیان ئاراستەی نەتەوەی خۆیان کردەوە. دووهەم خاڵی لاواز ئەوە بوو کە دەستیان دایە چەک و بە زمانی توندئاژۆ و ڕادیکاڵ بیرۆکەکەیان دەسەپاند. سێیەهم: نە لە بواری زمانەوانی نە لە باری گۆڕینی زەینییەتی کوردی و بە تایبەت کێشەی ژنان، هیچ ئاڵوگۆڕێکی بەرچاویان پێک نەهێنا. ڕاستە بە سەدان و هەزاران ئەندامی ژنیان هەبووە و هەیە، بەڵام کەمتر وەکوو بیرۆکە لە گۆڕەپاندا بوون. سەرەڕای ئەوە کە ساڵیانی ساڵ بە سەدان ژن لە گۆڕەپانی سیاسیدا بوون و تەنانەت ئێستاش خەریکی کاری چەکداری و شەڕوانین، بەڵام نەیانتوانی ژنێکی فێمێنیست پەروەردە کەن کە بە ناخی بیرۆکەکەیاندا شۆڕ ببێتەوە و شرۆڤەی فیکری و ئایدۆلۆژیکی بکا. ئەو پێشەکییە بۆ ئەوە بوو بڵێین کە ئەگەر بیرۆکەی چەپ بە زمانی دایکییەوە گرێی خواردبا، ئێستا ڕەوتەکان لە پێشتروە ئەبوون. هەر ئێستاش کە تا ڕادەیەک دەڕەتان بۆ چالاکی هەیە هێشتا کتێب و نووسراوە سەرەکییەکانی مارکسیزم وەرنەگێڕدراونەتە سەر زمانی کوردی و بۆشاییی کتێبخانەی کوردی بە بیری چەپ بەدی ئەکرێت.

ئاکام و کۆی ئەو باسە دێتە سەر ئەو پرسیارە کە ئایا بۆ ئاندرۆژن کردنی زمانی دەبێ پێکهاتەی زمان هەڵوەشێتەوە و سەر لە نوێ زمانێکی دیکە دابڕێژرێتەوە یا ئەوەی کە چاکسازییەکی بەربڵاو لە پێکهاتەی زماندا پێک بێت، بە جۆرێک کە هەموو چینوتوێژەکان بە تایبەت ژنان بەشی خۆیانی تێدا ببینەوە؟ لایەنی سەرەکیی خەسارناسیی زمان دووکەوتنەوە و دابڕانی ژنانە لە زمانی خۆمالی؛ کاتێک زمانێک بە هەزاران ساڵ لە لایەن ژنانەوە پارێزراوە و چین-بۆ چین دووپات بووەتەوە، لە سەردەمەی مۆدێرنیتەدا نامۆ بوون و غەریب کەوتنی ژنان لە زمان نیشانەی تەشقی نێرینە تەوەرییە. سەبارەت بە زمانی کوردی دەبێ بگوترێ کە ئەو زمانە بە هۆی دابەش بوون بە سەر چەن دەوڵەتی ناوچە و گۆڕینی خەت و زمان و سەپاندنی زمانی لاوەکی بە سەریاندا و هەروەها نەبوونی دەزگایەکی پشتیوان بۆ زمانی کوردی، شرۆڤە و تەئەلەی ئەو باسەی ئەستەم و دژوار کردووە. باسێکی گشتی کە سەبارەت بە هەموو زمانەکان ئەتوانێ ببێتە پێوەر ئەوەیە کە دەبێ زمان دیموکراتیک بکرێت. ڕەچاوکردنی ئەو پێوەرە یانێ دەڕبڕینی گوتاری خۆیان. لەو کاتەدا هەموو دەنگ و لایەنەکان ئەبووژێنەوە و بەرگری ئەکرێ لە زاڵ بوونی تاکە وتاریک بە سەر کۆمەڵدا. ئەگەر زمان دیموکراتیک نەکرێت تەنانەت ئەگەر بە دەیان دەزگای ڕاهێنان و بارهێنان و چاپەمەنیی بەرفراوان لە کۆمەڵگادا چالاکی ببێ زمانەکەیان گەشەی بەرچاو ناکات. بەکورتی بێجگە لەوەی کە دەبێ زمان هەمەلایەنە و فرەڕەهەند بکرێ، ئەبێ ئەو دابڕان و بۆشاییەی کە لە نێوان زمان و ژناندا دروست بووە نەمێنێ و بیرۆکەی فێمێنیستی وەک بنەمایەک سەبارەت بە زمان، لە بەرچاو بگیردرێ و بەگشتی ژنان لە پرۆسەی زماندا وەکوو پیاوان بەشداربن.

تشکل‌های مردم‌نهاد و آسیب دوری از سیاست

▪ امید باتو

بسیاری از فعالان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، قلم‌به‌دستان و ... بر این عقیده هستند که تشکل‌ها و سمن‌ها نباید در امورات و مسائل سیاسی دخالت کنند. این موضوع حتی در کلام و گفتار اعضای بسیاری از سمن‌ها هم به‌صراحت بیان‌شده و به‌نوعی باور برای آنان تبدیل‌شده است. گویی آنکه عدم دخالت در سیاست به‌نوعی امتیازآوری و ویژگی مثبت برای آن‌ها محسوب می‌شود. در حوزه محیط‌زیست نیز بسیاری از فعالان این حوزه بر این باور هستند که آن‌ها هیچ‌وقت نباید به مسائل سیاسی آلوده شوند بلکه بایستی تمام هم‌وغم خود را صرف آگاهی بخشی و آگاهی‌رسانی به جامعه نموده تا جامعه، خود آن‌قدر آگاهی یافته که بتواند بهترین گزینه را برای تصدی مناصب (رئیس‌جمهور، نماینده خبرگان، نماینده مجلس، نماینده شورا) انتخاب نماید. از طرفی کوچک‌ترین و حتی جزئی‌ترین موضوع در تصمیم‌گیری‌های سیاسی می‌تواند بیشترین و شاید بزرگ‌ترین تأثیر را بر روی کار و فعالیت آنان بر جای بگذارد. به‌عنوان‌مثال یک تصمیم سیاسی در دولت دوران اصلاحات منجر به ایجاد فضایی مناسب برای رویش و تبلور ساختارهای غیردولتی به نام سمن‌ها گردیده و درست کمتر از یک دهه بعدازآن در دولت موسوم به مهرورزی فضا آن‌قدر بر همین سازمان‌های مردم‌نهاد تنگ می‌شود که فعالیت بسیاری از آنان متوقف و بلااثر می‌گردد. همچنین با توجه به اینکه سهم عمده هزینه‌های این سازمان‌ها از محل کمک‌های مردمی تأمین می‌گردد به دلیل مشکلات اقتصادی و تورم موجود و درنتیجه عدم کمک‌های مردمی، اغلب آن‌ها ناگزیر از وابستگی به کمک‌های سازمان‌ها و نهادهای دولتی هستند که در صورت وابستگی به کمک‌های مالی دولتی، کارکرد غیردولتی بودن خویش را ازدست‌داده و درواقع به تریبونی برای سازمان‌های دولتی کمک‌کننده تبدیل می‌شوند. سنت و قانون نانوشته عدم دخالت در مسائل سیاسی از کی و کجا در قاموس فعالیت تشکل‌های مدنی وارد گردیده چندان مهم نیست، مهم آن است که همین موضوع که به باور من تبری جستن از بار مسئولیت‌های بزرگ‌تر می‌باشد، در حال حاضر به چارچوب خشکی برای منفعل نمودن این سازمان‌ها تبدیل‌شده و اغلب آن‌ها را در حد اقدامات بسیار ابتدایی باقی گذارده است به‌عنوان‌مثال حد اعلای فعالیت بسیاری از تشکل‌های محیط زیستی در حال حاضر پاک‌سازی و جمع‌آوری پسماند در محیط‌های تفریحی و پارک‌ها می‌باشد. طرفه آنکه همین تشکل‌های غیردولتی که ظرفیت آن را دارند تا به‌صورت فعال و پویا خلأ ناشی از عدم وجود احزاب را پر نموده و برعکس بسیاری از احزاب که صرفاً در زمان انتخابات به‌صورت قارچی متولدشده و بعدازآن هم به اغما می‌روند، می‌توانند در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، نمایندگی مجلس و همچنین ریاست جمهوری گزینه‌های مطلوب خویش را به جامعه مخاطب خود معرفی نمایند ولی فعالیت سیاسی و به عبارت روشن‌تر اندیشه سیاسی به تابویی برای عدم دخالت تشکل‌ها در این‌گونه فعالیت‌ها تبدیل‌شده و هرگونه اظهارنظر سیاسی از دیدگاه بسیاری از آنان خط قرمز محسوب می‌شود. دردآورتر موضوعی است که یک تشکل استخوان‌دار و شناسنامه‌دار که عمری بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی در کنار مردم بوده و اعضای آن خود را وقف جامعه نموده‌اند برای یک موضوع مهم و حیاتی مربوط به مصالح عمومی، چندین بار از یک نماینده مجلس تقاضای دیدار و گفتگو نموده ولی هیچ جوابی دریافت ننماید. اینکه گمان کنی

سیاست زبانی و آموزش چندزبانگی (۷)

(این شماره: جمهوری خلق چین)

■ امین عزیزی

تأکید بر حق آموزش به زبان مادری، پیش از هر چیز از این فرض ناشی می‌شود که تنوع زبانی و فرهنگی، که جزء ارزش‌های انسانی و از عوامل انسجام بخش جوامع بشری است، جز از طریق حق آموزش به زبان مادری حفظ نمی‌شود. یونسکو آموزش به زبان مادری را حق کودکان می‌داند، زیرا کودکان، زبان مادری خویش را بهتر درک می‌کنند و همین درک موجب می‌شود آن‌ها از فعالیت‌های آموزشی لذت ببرند.

زبانی که به نگارش درنیاید، به‌تدریج ضعیف و ناکارآمد شده و درنهایت می‌میرد

ایران بر اساس شاخص تنوع زبانی، با داشتن دست‌کم شش زبان متمایز، ازدرصد همانندی پائینی برخوردار است. هر یك از زبان‌های کوردی، ترکی، عربی، بلوچی و ترکمنی به‌عنوان زبان مادری از اقلیت‌های ملتی/ قومی ایران، معرف وجهي از فرهنگ و هویت متمایز آنان به شمارمی آیند و در عین اینکه بازتاب‌دهنده باورها، ارزش‌ها و سنت‌های آنان بوده، ارزش‌ها و هویت خاص آن‌ها را نیز از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌سازند. انحصار آموزش رسمی به زبان فارسی که یکی از جلوه‌های آشکار زبان کشی است، موجب افت پایگاه اجتماعی زبان اقلیت‌ها و اختلال در ماهیت و نقش انتقالی آن‌ها شده است. زبانی که به نگارش درنیاید و در فرایند آموزش و کاربرد رسمی با واژه‌گزینی و خلق کلمات مناسب برای اختراعات و فراورده‌های جدید بشری خود را به‌روز نکند، در اثر گسترش آلودگی‌اش به واژه‌های نوین و روزآمد زبان رسمی مسلط، به‌تدریج ضعیف و ناکارآمد شده، قابلیت ارتباطی خود را ازدست‌داده و درنهایت می‌میرد. (آموزش به زبان مادری؛ فرصت یا تهدید - شاهد علوی)

در شماره‌های پیشین ماهنامه چیا، تجارب کشورهایی که دارای اقلیت‌های زبانی متفاوت هستند را موردبررسی قرار داده و نمونه‌های موفق اجرای سیستم چندزبانگی را یادآور شده‌ایم. در این شماره ماهنامه چیا، بخش هفتم از این سلسله مباحث را موردتوجه قرار می‌دهیم. توجه به تجربه چینی تنوع زبانی و فرهنگی و چگونگی برخورد دولت کمونیستی این کشور با فرهنگ و زبان اقوام و اقلیت‌های ده‌ها میلیونی این کشور ارزشمند و قابل تأمل می‌باشد.

چین در قالب یک نظام تک‌حزبی و کمونیستی

"جمهوری خلق چین، متشکل از ۵۶ قوم و نژاد متنوع و رنگارنگ، با بیش از هفت هزار سال پیشینه تاریخي، داراي يكي از كهن‌ترين و درخشان‌ترين تمدن‌ها و غني‌ترين فرهنگ‌هاي بشري است. چهار اختراع مهم جهان؛ قطب‌نما، باروت، صنعت چاپ و كاغذ از دستاوردها و خدمات مهم آنان به بشريت محسوب مي‌شود. (عادل خانی دکتری مردم‌شناسی از دانشگاه پکن).

یافته‌های باستان‌شناسی و فسیل‌های مربوط به انسان در ۶۸۰ تا ۷۸۰ میلیون سال پیش و فسیل مرد پکني از گونه راست‌قامت و دارای توانایی ساخت آتش در غاری نزدیک پکن با قدمت ۱۱ تا ۱۸ هزار سال پیش از میلاد و شکلی از نوشتار از حدود ۵۰۰۰ سال پیش در سرزمین کنونی چین کشف شده است.

کشور چین با چشم‌انداز طبیعی متنوع با استپ‌های جنگلی و بیابان‌هایی چون گبی و هم‌مرز با رشته‌کوه هیمالیا، سابقه ۶۰۰۰ سال نظام سیاسی بر پایه سلطنت مطلقه موروثی است که در سال ۱۹۱۱ با تشکیل جمهوری چین نابود شد و در سال ۱۹۴۹ با پیروزی کمونیست‌ها به رهبری مائوتسه تونگ، جمهوری خلق چین تأسیس گردید.

چین در قالب یک نظام تک‌حزبی و توسط حزب کمونیست اداره می‌شود و دارای ۲۲ استان، ۵ منطقه خودمختار، ٤ شهر با مدیریت مستقیم (پکن، شانگهای، تیانجین و چونگ کینگ) و ۲ منطقه با خودمختاری بسیار (هنگ کنگ و ماکائو) می‌باشد.

چین در طول تاریخ، تحت تأثیر مذاهب و مکاتب فکری بوده است. ازجمله می‌توان به کونفسیوس گرایی، بودائی و تائویی، ۳ مکتب فکری و مذهبی تاریخی مردم اشاره کرد. بی‌دینی در چین ٤٦٪، بودائی ١٦٪، مسیحی٤٪، مسلمان ١٪ و بقیه پیرو مذاهب دیگرهستند.

بافت جمعیتی و سیاست‌های قومی در چین

۹۱٪ جمعیت چین از قوم "هان" هستند. بقیه از اقلیت‌های قومی مانند ژوانگ، منچو، اویغور، هویی، میاو، یی، توجیا، مغول و تبتی می‌باشند. هرچند جمعیت اقلیت‌های قومي در چین نسبت به کل جمعیت آن اندك است، اما جغرافیاي پراکندگي آنان بسیار گسترده است. در مناطق مسکوني قوم «هان»، یعني قوم اصلي و غالب چین، اقلیت‌های قومي نیز سکونت دارند و در مناطق اقلیت نشین نیز مراکز مسکوني قوم «هان» وجود دارد. این ترکیب پراکندگي در یك فرایند تاریخي طولاني‌مدت و براثر ارتباطات، مهاجرت و حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر میان اقوام گوناگون چین شکل گرفته است.

۱۵۵ منطقه خودمختار، ویژه مناطق اقلیت نشین

یکی از سیاست‌های اساسی دولت چین، ایجاد "نظام خودگردانی ویژه مناطق اقلیت‌های قومی" است که نخستین منطقه خودمختار به این نام در سال ۱۹۴۷ در مناطق تحت حکومت کمونیست‌ها در مغولستان داخلی ایجاد شد و با سیطره آن‌ها در سال ۱۹۴۹ برتمام چین، چند منطقه دیگر خودمختار (اویغوری، جوانگ، تبت، هویی و...) تأسیس گردید و تا پایان سال ۱۹۹۸ میلادي، مناطق و نواحي خودمختار ویژه اقلیت‌های قومي در تقسیمات سیاسي و اداري چین به ۱۵۵ منطقه رسید که شامل ٥ منطقه بزرگ خودمختار، ۳۰ ولایت خودمختار، ۱۲۰ شهرستان خودمختار و ۱۲۵۹ روستاي اقلیت نشین می‌باشد.

٤٤ اقلیت از میان ٥٦ اقلیت قومي سراسر چین داراي منطقه خودمختار هستند و ۷۵٪ کل جمعیت اقلیت‌های قومي چین از ساختار خودگرداني در مناطق خود برخوردارند و مساحت بخش‌های اداري مناطق خودمختار اقلیت‌های قومي ٦٤٪ از کل مساحت کشور را تشکیل می‌دهد و مناطق سکونت آن‌ها ازلحاظ منابع معدني و ذخایر زیرزميني بسیار غني و متنوع هستند.

آزادی کاربرد زبان اقلیت‌های قومی در چین

دولت چین درمجموع سیاست‌ها و امتیازات بیشتری به‌ویژه در برنامه تنظیم خانواده و افزایش توسعه اجتماعی و اقتصادی برای اقلیت‌های قومی قائل بوده که این امر سبب افزایش چشمگیر جمعیت اقلیت‌ها نسبت به متوسط رشد شده است.

همه اقلیت‌های قومي چین از آزادي کاربرد و توسعه خط و زبان خویش برخوردارند. دولت چین از دهه ٥٠ میلادی درزمینه خط و زبان اقلیت‌های قومي با تربیت نیروي انساني شایسته و متخصص، به‌ابداع، اصلاح و پیرایش زبان‌های فاقد خط یا زبان‌های مخطوط ناقص کمك کرد و تلاش زیادي براي کاربردي نمودن خط و زبان اقلیت‌های قومي در همه زمینه‌ها مبذول داشت تا این خطوط و زبان‌ها در قالب آموزش‌های دوزبانه و سوادآموزي به بزرگ‌سالان و انتشار روزنامه‌ها و جراید و نشر کتاب استعمال و ترویج شوند.

ایجاد دولت‌های خودگردان و تأمین هزینه‌های تدریس زبان‌های محلي و ملی

دولت چین همچنین برای تعدیل سیاست‌هایی که منجر به توزیع نابرابر فرصت‌ها و سرمایه‌ها و خدمات رفاهي و آموزشي، تمرکز مراکز صنعتي و تولیدي و زیرساخت‌های عمده اقتصادي در استان‌های خاص، افزایش اختلاف شاخص‌های رفاه در بین استان‌های محروم اقلیت نشین با استان‌های برخوردار، تقسیم ناعادلانه فرصت‌های مدیریتي و سهم نابرابر مناطق محروم در مشارکت‌های سیاسي و توزیع قدرت که به تشدید فقر و محرومیت در مناطق اقلیت نشین و افزایش مهاجرت‌ها و عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در مناطق مختلف، می‌انجامید، شکلي از دولت فدرالي که داراي دولت‌های خودگردان باشند را به اجرا گذاشت و نیز با به رسمیت شناختن زبان‌های محلي در سطح محلي یا ملي، تضمین حضور نمایندگان اقوام در دولت مرکزي یا ارگان‌های مفسر قانون اساسي، تصویب سیاست‌های تنوع‌گرایی فرهنگي در مجلس و گنجاندن آن‌ها در قانون اساسي، تأمین هزینه‌های تدریس زبان‌های محلي در دانشگاه‌ها، مدارس و دستگاه‌های ارتباط جمعی و اعطاي نقش بین‌المللی به دولت‌های محلی، تنوع قومی را نه به‌عنوان یک تهدید، بلکه به‌عنوان یک فرصت که به غنا وثروت جامعه می‌انجامد، مقبولیت بخشید.

همچنین دولت چین با نگاهی منطقی و آگاهانه در جهت پاسخگویی به نیازهای فرهنگی و سیاسی اقلیت‌های قومی؛ برابری و همبستگی قومی، خودمختاری مناطق اقلیت نشین، تضمین به‌کارگیری و رشد زبان و نوشتار اقلیت‌های قومی، احترام به آداب‌ورسوم و سنن و آزادي اعتقادات و باورهاي دیني و ارتباط با شخصیت‌ها و بزرگان اقلیت‌های قومي را اجرایی نمود.

دولت چین براي جلب اعتماد اقلیت‌های قومي به نیازهاي فرهنگي و سیاسي اقلیت‌های قومي، پاسخ می‌گوید. به‌عنوان نمونه در این راستا، عبارت چیني «بانك خلق چین» که در روي اسکناس‌های رایج در چین منقوش است را به زبان چهار اقلیت قومي داراي جمعیت عمده در کشور در صفحه پشت هر اسکناس درج کرده و تصاویري از اقلیت‌های قومي ساکن آن کشور را بر روي اسکناس رایج حك کرده است.

اقلیت‌های قومی و سیاست‌های زبانی در چین

زبان‌های چینی که اغلب درمجموع به نام "چینی" - زونگوون- (Zhōngwén) خوانده می‌شود، به خانواده زبان‌های چینی - تبتی تعلق دارد. زبان گفتاری آن هم که هانیو (Hanyu)- زبان قوم هان (Han) خوانده می‌شود، به دلیل نبود مرجع نوشتاری برای زبان شفاهی اغلب تضادآفرین است.

ماندارین که زبان رسمی شمال و شمال غربی چین است، با ۸۳۶ میلیون گویشور، پرگویشورترین زبان دنیاست. وو (wu)، گان (gan)، هاکا (hakka)، مین (min)، زیانگ (xiang) و نیز گروه‌های زبانی مینان (minnan) و مین بی (minbe)، ازجمله زبان‌های دیگر چین است. تمامی این زبان‌ها از نوشتاری واحد تبعیت می‌کنند که با حروف الفبای چینی نوشته می‌شود.

دولت چین با جدیت سیاست برابري اقوام و برابري زبان‌ها را به مرحله اجرا درآورده و احترام شایسته و حمایت‌های قانوني نیز براي کاربرد و توسعه خط و زبان اقلیت‌های قومي قائل شده است. جمعیت اقلیت‌های قومي کشور چین بالغ بر ۱۰۸ میلیون نفر برابر با ۸/۹۸٪ جمعیت کل کشور می‌باشد. آموزش گروه‌های اقلیت نژادي، بخش مهم تعهدات آموزش ملي را تشکیل می‌دهد.

آموزش به زبان مادری در مدارس مناطق اقلیت‌های قومی

دولت کمونیستی چین به تشویق و توسعه آموزش معلمین اقلیت‌های قومي در جهت پیشبرد توسعه آموزش در نواحي اقلیتي مبادرت می‌نماید. مؤسسات آموزش عالي، کالج‌ها و مدارس متوسطه آموزش، عهده‌دار مسئولیت آموزش‌وپرورش معلمان اقلیت‌های قومي می‌باشند. علاوه بر این بخش‌هایی از مؤسسات ملي و دانشگاه‌های جامع نیز به ارائه برنامه‌های آموزش معلمان اقلیت‌های قومي مبادرت می‌نمایند.

در کشور چین تمام امکانات و شرایط لازم برای آموزش به زبان مادری در مدارس برای اقلیت‌های قومی کاملاً مهیا بوده و هیچ‌گونه محدودیتی برای استفاده و کاربرد آن قانونا و عرفا وجود ندارد. همچنین در مدارس مناطق اقلیت نشین به‌نوعی، سیستم پیشنهادی یونسکو در مورد آموزش چندزبانگی اجرایی گشته است. این در حالی است، باوجوداینکه چین دارای دولتی کمونیستی و آزادی‌های سیاسی در آن به‌شدت محدود بوده و تنها یک حزب (دولتی -کمونیستی) در آن اجازه فعالیت دارد، درزمینه آزادی‌های فرهنگی و زبانی برای اقوام و اقلیت‌های قومي سازوکارهای لازم را جهت راضي نگه‌داشتن آن‌ها و احترام به زبان و فرهنگ و آداب‌ورسومشان به کار بسته است. البته آموزش زبان چینی و فراگیری آن به دلیل اینکه زبان بیش از ۹۰٪ کشور چین می‌باشد، در تمام مدارس اجباری بوده و آموزش زبان انگلیسی نیز به علت کاربرد جهانی و اقتصادی آن از دروس اجباری می‌باشد.

فشارهای ایدئولوژیکی کمونیست‌ها علیه اقوام و اقلیت‌ها

اما با تمام این‌ها، انتقادات شدیدی مدام درزمینه نقض حقوق بشر در چین از جانب محافل بین‌المللی و مدافعان حقوق اقلیت‌ها به دولت کمونیستی چین وارد گردیده است. به‌ویژه ازآنجاکه چین دارای رژیمی ایدئولوژیک و تک‌حزبی و کمونیستی است، برای تحمیل و القا مبانی عقیدتی خود فشارهای زیادی به اقلیت‌ها وارد می‌نماید و در موارد زیادی از قوه قهریه و فشارهای گوناگون علیه اقوام استفاده نموده و هر جا که مبانی کمونیستی دولت حاکم با آداب‌ورسوم و فرهنگ اقوام و اقلیت‌ها تباینی داشته باشد، حاکمیت با استفاده از زور و فشار، اختلاف را به نفع خود به پایان می‌برد. بدون شک این زمینه ایست جهت پایمال کردن حقوق فرهنگی اقلیت‌ها و اقوام گوناگون ساکن چین.

منابع:

-سایت رسمي کمیسیون دولتي امور اقوام جمهوري خلق چین http://www.seac.gov.cn
-اقلیت‌ها و تبعیض؛ ج.ام.ورستر، فیلیپ پرل موتر، سینگ بازیل و...؛ ترجمه محمود روغني؛
Anthony smith, The Ethnic origins of nations -
Edward shills, 'primordial, personal, sacred and - civil ties'
Gliford Geertz, 'The Intergative Reolution" in - c.Geertz, ed.),
- سایت اقلیت‌های قومي در خبرگزاري شین خوا: http://News.xinhuanet.com/
Walton, Greg; International Centre for Human -

کۆمەڵگەی کوردی و دیاردەی ئاڵۆزیی چەمکەکان

■ دوکتۆر ئیسماییل مەحموودی

رۆژانە لە فەزای گشتی (Public Sphere) و بەتایبەتی لە راگەیاندنەکاندا، چەندین دەستەواژە و چەمکی وەك ئۆپۆزسیۆن، ڕەخنە، دیمۆکراسی، دەسەڵات، ڕۆشنبیر و ڕۆژنامە لە سەر زاری خەڵکی ئاسایی، خوێندەواران و قەڵەمی ڕۆشنبیران و سیاسەتوانان و ڕۆژنامەوانان دەبیسین و دەخوێنینەوە و شایەتی کایە و بەکارهێنانی سەیر و جۆراوجۆری ئەم چەمکانەین و هەر تۆزێ لە کۆمەڵگەی کوردی بە پێی ویست و حەز و ئاواتی خۆی بەکاریان دەهێنێت و کایە و مامەڵەیان لە گەڵدا دەکات و دەڕەنجام نازانین مەبەست لەم چەمکانە چییە و کام تۆز و دەستە، ڕاست و کام تۆز هەڵە دەکات و ئەم چەمکانە بۆ ئەوەندە هەڵگری ڕاوبۆچوونی جیاوازهن و بە واتایەك بۆ ئەوەندە تووشی ئاڵۆزی هاتوون.

بوونی ئەم چەمکانە لە گوتاری سیاسی و فەزای گشتیی کۆمەڵگای کوردیدا لە لایەکەوە ڕەنگە پیشاندەری بایەخی کۆمەڵگای کوردی بەم چەمکانە و بەگشتی ئەو چەمکانەی بێت کەوا پەیوەستن بە گوتاری پێشکەوتن و تازەگەری و ڕەوتی دیمۆکراسی خوازی و لێرەوە دەکرێت وەك دیاردەیەکی پیرۆز، خوێندنەوەی بۆ بکەین و بایەخی پێ بدەین. بەڵام لە لایەکی ترەوە بە هۆی دیاردەی بەئاڵۆزکردنی ئەم چەمکانەوە، پێدەچێت ئەم ڕەوتە دەرەنجامێکی سەلبی و تێکدەرانەی لێ بکەوێتەوە و کۆمەڵگەی کوردی تووشی کێشە و قەیرانی جیدی بکات.

گرنگی نەدان بە پێناسەکردن و شرۆڤەی زانستی و وەرگێڕانی دەق و سەرچاوە سەرەکییەکانی ئەم چەمکانە و هەروەها ئاخێزگەی سەرهەڵدانیان، بووەتە هۆی ئاڵووزیی ئەم چەمکانە و بەکارهێنانی جیاواز و تەنانەت دژبەیەك و تێگەیشتنی سەقەت و بەرژەوندی خوازانەی ئەم چەمکانە و دیارە لە دەرنجامدا فەزای گشتی و گوتاری سیاسیی کۆمەڵگەی کوردی بەرەو ئاراستەیە لە یەك تێنگەیشتن و ئاڵۆزی و شڵەژان و بەگشتی ئاژۆکاژ بردووە.

ئەم چەمك و دەستەواژانە جیا لەوەی ڕەگ و ڕیشەیان لە کۆمەڵگای کوردی و تەنانەت سەرجەم کۆمەڵگا چەندین شەقام و بینا و گوندی ڕۆژئاوایی چەمکانە لە گوتاری سیاسیی ئەمڕۆی هەرێمی کوردستاندا.

ڕەخنە:

لە گوتاری سیاسی و تەنانەت گوتاری ڕۆشنبیریی کۆمەڵگەی ئێستای کوردەواریدا، ڕەخنە واتە ڕەفزکردن، واتە سڕینەوە، واتە هەموو شتێ بە خراپ و ناڕوونی تەعبیر و تماشاکردن، واتە بە چاوێلکەی ڕەشەوە سەیری سیاسەت و دەسەڵات و کۆمەڵگەی کوردی کردن، جار جاریش واتە جنێودان بە زەوی و ئاسمان و بەگشتی هەڵکوتانە سەر ئەو شتەی وا پێی دەگوترێ دەسەڵات، ڕەخنە واتە باسکردن لە گەندەڵی و حیسابات بێبنەما و دەنگۆی ڕاست و ناڕاست سەبارەت بە ئەوە شتانەی پەیوەندییان بە پارەوە بێت. بەگشتی ڕەوتی ڕەخنە لە کۆمەڵگای کوردی لە باتیی باش پێناسە کردن و هەڵسانگاندن و قەزاوەتی بێلایەنانە بە مەبەستی چاکسازی و پیاچوونەوە و ساغکردنەوە بەرەو مانای تێکدان و ڕەفزکردن و سڕینەوە دەڕوات کە دەرەنجام ڕەخنە هاوتا دەبێت لە گەڵ چەشنێك لە تووندوتیژی و تێکدەری و ڕەشبینی.

دیمۆکراسی:

واتە ئەو تاقم و دەستەی کەوا پێی دەوترێ زۆرینە و لە ڕێگەی هەڵبژاردن یان هێزی عەسکەری خاوەن دەسەڵاتە و بۆی هەیە زۆربەی شتەکان بۆ خۆی و بەرژەوەندیی خۆی قۆرغ بکات. دیمۆکراسی لای ئێمە واتە دروستکردنی چەمکانە لە گوتاری سیاسیی ئەمڕۆی هەرێمی کوردستاندا.

دەسەڵات:

> دەسەڵات لە گوتاری ئەمڕۆی هەرێمی کۆمەڵگەی کوردی واتە ئەو بوونەوەرە دیار و نادیارە کەوا بەردەوام مرۆڤی کورد ئەچەوسێنێتەوە و بەردەوام خەریکی گەندەڵی و کاری خراپە. دەسەڵات واتە ئەو شتە زۆر سەیر و عەجایەبەبە کە پێویستە خۆمانی لێ لادەین و بێزی لێ بکەینەوە و ئەگەریش هەر کەس باسی بکات یان گەندەڵە و یان فاشیستە و پیاوکوژە و بەگشتی دەسەڵات واتە کوشتن، خراپکردن، وگەندەڵی و تۆقاندن و دژەخەڵك بوون.

چەندین شەقام و بینا و گوندی ڕۆژئاوایی و گلۆپ باران کردن و هێنانی چەندین شتی سەیروسەمەرەی بیانی وەك هۆتێل و مۆڵ و پرکردنی شەقام لە ڕۆژنامە و گۆڤار و پر بوونی کوردەواری لە تۆزێکی بە ناو ڕۆژنامەنووس... پیشاندان و بانگەشەی دیموکراسی و کولتووری دیموکراسی و سەپاندنی وانەکانی دیموکراسی بەم ئاراستەیە، بێجگە لە ئالۆزکردنی ئەم چەمکە و زیادکردنی نایەکسانیی کۆمەڵایەتی و دەنگی ناڕەزایەتی و گرنگتر لە هەمووی دژایەتی حکوومەت و خەڵك، هیچ دەسکەوت و دەرەنجامێکی بەدواوە نییە.

جیا لەوەی ئەم چەمکە هەروەها کە ئاماژەمان پێدا پێویستی بە باس و شرۆڤە و ڕوونکردنەوەی زانستی هەیە، ڕەنگە بتوانین بڵێین بۆ لادان لە تێگەیشتنی هەڵە لە دیمۆکراسی، یەکەم شت ئەوەیە کە دیمۆکراسی واتە پاراستنی مافی کەمایەتی، نەك قۆرغکردنی هەموو شتێ بۆ زۆرینە.

دەسەڵات:

ڕۆژهەڵاتییەکان نییە و خاڵی گرنگتری ئەوەی هەروەها کە ئاماژەمان پێدا کۆمەڵگەی کوردی بە شێوەیەکی زانستی و قووڵ لە گەڵ ئەم چەمکانە ڕووبەڕوو نەبووەتەوە و بە واتایەك ناوەندە ئاکادیمییەکانی هەرێمی کوردستان و لەوانە زانستگەکانی هەرێمی کوردستان و هەروەها گوتاری ڕۆشنبیریی کوردی لە باتیی پێناسەکردن و ناساندن و شرۆڤەی ئەم چەمکانە و ڕوونکردنەوەیان بە شێوەیەکی ڕووکەشانە کەوتوونەتە مامەڵە و کایە لە گەڵ ئەم چەمکانە کە بەگشتی هەست دەکرێت بە شێوەیەك پەیوەست کراون بە تووندوتیژی و لێرەدا بەخێرایی دەڕوانینە مانای باوی ئەم چەمکانە لە گوتاری سیاسیی ئەمڕۆی هەرێمی کوردستاندا.

ڕەخنە:

لە گوتاری سیاسی و تەنانەت گوتاری ڕۆشنبیریی کۆمەڵگەی ئێستای کوردەواریدا، ڕەخنە واتە ڕەفزکردن، واتە سڕینەوە، واتە هەموو شتێ بە خراپ و ناڕوونی تەعبیر و تماشاکردن، واتە بە چاوێلکەی ڕەشەوە سەیری سیاسەت و دەسەڵات و کۆمەڵگەی کوردی کردن، جار جاریش واتە جنێودان بە زەوی و ئاسمان و بەگشتی هەڵکوتانە سەر ئەو شتەی وا پێی دەگوترێ دەسەڵات، ڕەخنە واتە باسکردن لە گەندەڵی و حیسابات بێبنەما و دەنگۆی ڕاست و ناڕاست سەبارەت بە ئەوە شتانەی پەیوەندییان بە پارەوە بێت. بەگشتی ڕەوتی ڕەخنە لە کۆمەڵگای کوردی لە باتیی باش پێناسە کردن و هەڵسانگاندن و قەزاوەتی بێلایەنانە بە مەبەستی چاکسازی و پیاچوونەوە و ساغکردنەوە بەرەو مانای تێکدان و ڕەفزکردن و سڕینەوە دەڕوات کە دەرەنجام ڕەخنە هاوتا دەبێت لە گەڵ چەشنێك لە تووندوتیژی و تێکدەری و ڕەشبینی.

دیمۆکراسی:

واتە ئەو تاقم و دەستەی کەوا پێی دەوترێ زۆرینە و لە ڕێگەی هەڵبژاردن یان هێزی عەسکەری خاوەن دەسەڵاتە و بۆی هەیە زۆربەی شتەکان بۆ خۆی و بەرژەوەندیی خۆی قۆرغ بکات. دیمۆکراسی لای ئێمە واتە دروستکردنی دەسەڵات یان ڕەفزکردنی دەسەڵات. لە گوتاری کوردی بوونی ژمارەی زۆرتری ڕۆژنامەنووس لە ڕۆژنامەخوێن، مەسەلە خۆ بە دەرخستن، گرنگی بە پرکردنەوەی لاپەڕەی ڕۆژنامەکان، دوورکەوتنە لە ئەرکی سەرەکیی کاری ڕۆژنامەوانی، واتە ئەو شتەی کەوا لە ڕۆژئاوا پێی ئەوترێت: (press) یان گوشار، ڕەنگە لە دیارترین خەسارەکانی کاروباری ڕۆژنامەنووسی بێت لە هەرێمی کوردستاندا.

بەلام خاڵی گرنتر ئەوەیە کە ئێستە لە هەرێمی کوردستان و لە گوتاری سیاسیی کوردستاندا، ڕۆژنامە وەك دوو ساحەی کایە، تەعبیری لێوە دەکەن، یەکەم جێگەی ستایش و لاواندنەوەی دەسەڵاتە و دووهەم جێگەی ڕەفز و کوتانە سەر دەسەڵات. لێرەوە چەمکی ڕۆژنامەش وێڕای پێشینەی شایانی لە کۆمەڵگەی کوردیدا، هەنووکە تووشی ئاڵۆزی و قەیران هاتووە و لە باتی کردنەوەی دەروازەی گفتوگۆ و هەروەها دەوڵەمەند کردنی فەزای گشتی (Public Sphere)، خەریکە کۆمەڵگەی کوردی بەرەوە نائارامی و ئاڵۆزی و ئاژۆکاژ دەبات و بە واتایەك خەریکی بەرهەم هێنانەوەی (reproduction) ڕق و بوغز و دووبەرەکی و چەند بەرەکین.

ئەم بەرداشت و تێگەیشتنە لەم چەمکانە و چەمکانی هاوتای ئەمانە لە گوتاری سیاسیی کوردی ئەکرێت وەك ئاڵۆزیی چەمك تەعبیری لێوە بکرێت و بۆ لابردنی ئەم ئاڵۆزییە پێویستە پێش هەموو شتێ بۆ ئەوەی بەر لە خراپتر کردنی فەزای گشتی و سیاسیی گوتاری سیاسیی کوردی بکرێت، ئەم گوتارە بەگشتی بگۆڕدرێت و بەرەو ئاراستەی زانستی کاریان بۆ بکرێت، تا جێگە و پێگە و مانای سەرەکیی خۆیان پەیدا بکەنەوە و چیتر نەبنە هۆی ئاڵۆزی و شێواندنی فەزای ڕۆشنبیری و سیاسیی هەرێمی کوردستان و ئەمە ئەرکی سەرجەم ئەندامانی ناوەندە زانستییەکانی هەرێم و سەرجەم ڕۆشنبیران و ڕۆژنامەنووسانی کۆمەڵگەی کوردییە.

لە کوردی هەورای بە مانای قەیران

ئەم نووسراوە باس لە گوتاری (discourse) ڕۆشنبیریی ئەمڕۆی هەرێمی کوردستان بەگشتی دەکات و ئەم ڕستانە بە مانای چاولێداخستن لە بەرهەم و هەڵوێستی شیاوی ڕۆشنبیرانی ئەمڕۆی کوردستان نییە، بەڵکوو لە ڕوانگەی دیسکۆرسەوە باس لە فەزای گشتیی ڕۆشنبیریی هەرێمی کوردستانە.

لە بەرامبەر ئەم دیدگایەدا، کۆمەڵێك دیدگای تر هەن کە بە بیانووی دژایەتی لەگەڵ دەسەڵات شەرعییەت بە هەموو کارێکی تێکدەرانە بدەن.

دەسەڵات مانای قووڵ و فەلسەفی و سیاسی و کۆمەڵایەتی هەیە و پێویستی بە ڕوونکردنەوە و شرۆڤەکردنەوە هەیە کە بەداخەوە ناوەندە ئاکادیمییەکانی هەرێم خۆیان لەم بابەتە شاردووەتەوە و ڕۆشنبیرانیش لە باتی باسی زانستی و ڕوونکەرەوانە لەمێژە بۆ ناشیرینکردن و ئاڵۆزکردنی ئەم چەمکە کار دەکەن. دیارە دەسەڵاتی سیاسیی کوردی وەك هەموو دەسەڵاتەکان بەگشتی لایەن و ڕەهەندی خراپ و دزێو و ناشیرین و بگرە زۆر خراپیشی هەیە، بەڵام ناکرێت لە ڕەهەند و لایەنەکانی باش و ئیجابیش نکۆڵی بکەین. بۆیە پێویستە ناوەندە ئاکادیمییەکانی هەرێم وەك ئەرکی نیشتمانی و زانستی بە شێوەی زانستی و لە پانتایەکی بەرفراوانداو بکەونە باسی زانستی چەمکی و ڕەهەندەکانی دەسەڵات و ڕۆشنبیرانیش ڕەخنەیان بەرەوە ئاراستەی چاکسازی بێت نەك ڕەفز و سڕینەوە و جنێودان و بە مێردەزمەکردنی دەسەڵات.

ڕۆشنبیر:

ئەو بوونەوەرپە کە پێویستە بەردەوام باسی دەسەڵات و گەندەڵی بکات و جار جاریش شێعر و ڕۆمان بنووسێ و بڕێك جاریش لە میدیا و ڕۆژنامەکاندا دەربکەوێت و باسی دەسەڵات بکات و بەڵام قەت نابێت باسی یەك شتی چاکی دەسەڵات بکات، لە کەشوهەوای سیاسی و ڕۆشنبیریی کوردستاندا ناسنامەی ڕۆشنبیر گرێدراوە بە ڕەفزکردنی دەسەڵات و بە واتایەك ڕەفز و خۆلادان لە دەسەڵات .

ئاست و پێگەی گوتاری ڕۆشنبیری کوردی لە باتیی لێکۆڵینەوە، بیرکردنەوە، گومان کردنەوە، تێوردانان و کەڵك وەرگرتن لە هێزی بیر و خەیاڵی خوی، بەگشتی دابەزیوە بۆ باسکردن و ڕەفزکردنی دەسەڵات و جاروباریش هەڵوێستگرتن لە ئاست دیاردەیەکی دزێوی وەك تیرۆر .

ڕۆژنامە:

ڕۆژنامە واتە گۆڕەپانی ستایشی دەسەڵات یان ڕەفزکردنی دەسەڵات.

کۆڵبەرنامە
سهم ما از توسعه کدام است؟

■ آرام فتحی

برای نوشتن در مورد چنین معضل آشکار و شفافی باید از کجا شروع کرد؟! واژه‌ای که چندین سال است وردِ زبان رسانه‌ها و همگان شده و در بعضی مواقع خوراک و تبلیغ پرپیمان و دهان‌پرکنی برای بعضی‌ها. واژه‌ی کولبر و امر کولبری! همچنان که با گفتن واژه‌ی خیّاط، عمل دوختن در ذهن تداعی می‌شود و فردی که متری روی گردن آویزان دارد، واژه‌ی کولبر هم تداعی و تصویر انسانی با مختصات و شکل و شمایل خود است؛ ازجمله؛ اولین واژه‌ی تداعی شده، رنج است. آن رنج بزرگی که در انسان کولبر می‌زید. اگر بخواهیم انسان کولبر را به‌دوراز مظلوم‌نمایی موردبررسی و امر کولبری را همچون شغلی ناگزیر، تشریح و تفسیر کنیم، مگر نه این است که با بودن ظالم، ظلم پدید آید و مظلوم شکل می‌گیرد؟ به‌هرحال با در نظر گرفتن کولبری، همچون معضلی از معضلات دیگر اجتماع، باید آن را مورد کاوش و چاره‌اندیشی قرار داد.

آیا با حذف و یا تحریف صورت‌مسئله، کولبر را قاچاقچی یا هر اسم و لقب ناشایسته‌ی دیگری خطاب کردن، فرقی به حال مسئله می‌کند؟ و می‌تواند معضل را پایان دهد؟ مگر نه این است که فرد کولبر، حال، قشری از اجتماع را پدید آورده است؟ مگر آن‌ها با خود چه حمل می‌کنند؟ به‌جز وسایل روزمره‌ی زندگی و لوازم‌خانگی برای تهرانی‌ها و اصفهانی‌ها و دیگر شهرهای مرکز نشین که برای تفریحات خود به منطقه‌ی غرب آمده و وسیله‌ای را که کولبر به قیمت جان خود برای آن‌ها قابل‌دسترس نموده، استفاده نمایند! تا چایِ خریداری شده و دَم کرده به مذاقشان خوش آید!

اما کولبر خود چه دارد؟ جز خانواده‌ای که هرلحظه احتمال سر رسیدن خبری آن‌ها را به لرزه درآورد؟ آیا با کشتن یا مُردن هر کولبری، بر فرزندان بی‌سرپرست و خانواده‌های بی‌بضاعت افزوده نخواهد شد؟ آیا راه برای دیگر معضلات همچون دزدی و تن‌فروشی، هموار نخواهد شد؟ گو این‌که مردمان این سرزمین از سَر شوق و رضایت کولبری را برگزیده باشند!

گو این‌که ما از جان خود سیر شده و شوقی برای زیستن نداریم که چنین سختی‌هایی را تاب آورده و چنان برای زیستن مبارزه می‌کنیم. آری در چنین حالی کولبری مبارزه برای زیستن است. با در نظر داشتن اینکه هر شغلی شامل مخاطرات خاص خود است؛ به فرض این‌که مخاطره‌ی قصّابی، احتمال بریدن دست قصّاب باشد، مخاطره‌ی رانندگی، انواع تصادفات؛ مخاطرات کولبری کدام هاست؟ پرت شدن از بالای کوه، گیر افتادن در میدان‌های مین، تصادفات رفت‌وآمدی و مورد هدف گلوله قرار گرفتن از جمله‌ی مخاطرات چنین شغلی است. حال آیا کولبران خود به این مخاطرات آگاه نیستند؟ یا اینکه راهی جز قبول چنین اتفاقات ناگواری تا سرحد گرفتنِ جانشان برای امرارمعاش نمانده است! آیا کشتن تنها شامل کشتن با گلوله است یا چنین مخاطراتی نیز خود در همان رأس قرار می‌گیرد؟ بماند آن همه تحقیرها و آن همه لطمه به اعتمادبه‌نفس‌ها که نه‌تنها بر خودِ کولبر، بلکه بر فرزندانشان نیز. اکنون سؤال این است، در چنین جغرافیایی که روزبه‌روز ارقام بیکاری، دزدی، تن‌فروشی، کودکان کار و... رو به افزایش است، کولبر را باید کشت؟

چه کسانی مقصّر ایجاد چنین وضعی

هستند؟ که پنهان و در آرامش و قدرت زندگی می‌کنند؟ پس سهم ما از توسعه کدام است؟ یا اینکه ما تنها در هنگام بر کُرسیِ قدرت نشستنِ اشخاصِ عالی‌مقام، به فکرها خطور کنیم و بعدازآن، دوباره از فکرها زدوده می‌شویم.

نقش مهم زنان در بهره‌برداری و نگهداری محیط‌زیست

■ نرگس رفیعی
کارشناس ارشد مطالعات زنان

زنان چگونه در فعالیت‌های روزمره‌شان در پاسداری از طبیعت مشارکت می‌کنند. ایشان در پی به دست آوردن مزایای قابل‌توجهی همچون نگهداری از غذا، درآمد، سلامتی و فرای همه‌ی این‌ها نگهداری از اکوسیستم متعادل و قابل‌تحمل هستند. مشارکت گسترده زنان در چنین فعالیت‌هایی، نه‌تنها وسیله‌ی تقویت پیشرفت‌های اجتماعی اقتصادی است، بلکه برای توسعه پایدار الزامی است.

ارتباط نزدیک زنان با طبیعت

زنان در جامعه ما نقش پررنگی در شکل‌گیری و پیشرفت خانواده، جامعه و کشور دارند. ارتباط نزدیک زنان با طبیعت در جوامع روستایی، به‌عنوان نخستین استفاده‌کنندگان از منابع طبیعی، از ایشان مدیران عالی درزمینه محیط‌زیست ساخته است.

حس تعلق و ارزش نسبت به جامعه

از ابتدای پیدایش بشریت، زنان در نگهداری و مدیریت منابع طبیعی، مشارکت ضروری و ویژه‌ای داشته‌اند. منابع طبیعی بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی روستایی هستند. مدیریت و بهره‌برداری از زمین‌های کشاورزی، گیاهان، حیوانات و جنگل، ساختن باغ‌های خانگی، جمع‌آوری آب، تغذیه حیوانات اهلی و درآمدزایی، گردآوری و بهره بری از هیزم و سایر سوخت‌های طبیعی، ازجمله مهارت‌های کاری و دانش بومی زنان در ارتباط با زمین، آب‌وخاک در جوامع روستایی است. در روستاهای شمال ایران زنان به‌طور گسترده باغ‌های خانگی دارند و به پرورش سبزی‌ها، میوه، گیاهان دارویی در زمین‌های اطراف خانه می‌پردازند. همه‌گیر بودن این فعالیت‌ها، به‌ویژه در روستاهایی که قابلیت کشاورزی دارند، در کنار کمک به تنوع زیستی رستنی‌ها، نگهداری از ذخایر و منابع زیستی بعضاً گران‌بها و سلامت و پاک بودن آب‌وهوای پیرامون، زنان را ازنظر مالی قدرتمند و تا اندازه‌ای مستقل می‌کند. اشتغالی که با درآمد همراه باشد، حس تعلق و ارزش نسبت به جامعه را افزایش می‌دهد. زنان زمان، انرژی، سلایق شخصی و مهارت‌هایشان را با خانواده و درراه توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه به اشتراک می‌گذارند. در ۶۴ امین نشست از ششمین اجلاس کنوانسیون زنان در سال ۸۰۰۲ بحث شد که زنان چگونه تعادل مناسبی بین منابع انسانی و طبیعی برقرار می‌کنند.

جایگاه مشارکتی زنان در محیط‌زیست

زنان دستی نیز در شناسایی و پراکندن گونه‌های گیاهی خوراکی و دارویی در معرض خطر، همچنین شناسایی گونه‌های جنگلی و نحوه‌ی استخراج محصولات از آن دارند. نداشتن دانش دانشگاهی، دشواری دسترسی به منابع و تصمیم‌گیری و در نظر نگرفتن جایگاه مشارکتی زنان در محیط‌زیست در تصمیم‌گیری‌های کلان کشوری، از محدودیت‌هایی است که بر درراه گسترش مشارکت زنان در نگهداری از محیط‌زیست وجود دارد. برخی کشورها با پذیرش رسمی نقش مؤثر زنان در نگهداری از محیط‌زیست، با اتخاذ استراتژی‌های بلندمدت، به حمایت دوسویه از زن و طبیعت پرداخته‌اند. به‌عنوان‌مثال در قانون تایلند عنوان زن روستایی، از خانه‌دار به زن کشاورز تغییر پیداکرده است. بدین‌وسیله ایشان می‌توانند از خدمات مالی و اعتباری کشاورزی بهره ببرند. آموزش، انگیزه‌های فرهنگی و مشارکت به کمک بانک برای زنان روستایی در کشور ما نیز منجر به مشارکت رسمی‌تر و جدی‌تر این قشر و ساماندهی بهینه‌تر زمین‌های بایر و دامنه‌ها در مناطق روستایی خواهد شد. شایسته است که تصمیم‌گیری‌های سازنده از سوی مرجع قانون‌گذار با اهتمام گروه‌های آموزش و تحقیقات، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، کشاورزی، آب و منابع طبیعی و فراکسیون‌های زنان و محیط‌زیست، سازمان‌های مردم‌نهاد، رفاه و تأمین اجتماعی، صنایع غذایی، تولید ملی و جهاد اقتصادی، تعاون و مدیریت شهری و روستایی اتخاذ گردد.

قربانیان اصلی تخریب محیط‌زیست در درجه اول فقرا و در درجه بعدی زنان

علی‌رغم دیدگاه اقتصادی مردان نسبت به محیط‌زیست، زنان همواره آن را منبعی برای تأمین نیازهای اولیه‌ی خود دانسته‌اند. به‌عنوان‌مثال زنان در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین از شاخه‌های شکسته و مرده برای سوخت و از زمین برای تهیه‌ی غذای افراد خانواده استفاده می‌کرده‌اند و در مقابل مردان از الوار کردن درختان زنده برای سوخت و از زمین برای کشت وسیع و کسب درآمد بهره برده‌اند. آلودگی هوای شهری، تجاوز به حریم رودخانه و سایر بسترهای آبی، فرسایش زمین، دفع نامناسب و غیرمجاز زباله‌های صنعتی در طبیعت، گسترش کشتارگاه‌ها، فاضلاب‌های بیمارستانی و خانگی، گازهای دارای ترکیبات کربن، جنگل‌زدایی، محدود کردن تنوع زیستی، تراکم غیر کارشناسی جمعیت در برخی محله‌های شهری و درنتیجه تراکم آلودگی، بلایای طبیعی مانند سیل، طوفان، گردباد و جزر و مد، از عوامل تخریب اقتصادی و اجتماعی و محیط‌زیستی هستند. قربانیان اصلی تخریب محیط‌زیست در درجه اول فقرا و در درجه بعدی زنان هستند. به همین دلیل است که بسیاری از جنبش‌های جهانی زیست‌محیطی مانند چیپکو و کمربند سبز، توسط زنان به راه افتاده‌اند.

بهره‌کشی مردان قدرت، از طبیعت و زنان

فمینیست محیط گرا به نگرش زنان به محیط اشاره می‌کند. محدودیت دسترسی به منابع طبیعی و تخریب منابع طبیعی به‌عنوان قلب جنبش فمینیست محیط گرا شناخته می‌شود. بر مبنای این دیدگاه، دلیل ارتباط نزدیک زنان و طبیعت این است که در درازای تاریخ، هر دو موضوع از مسائل زیردست مردان محسوب شده‌اند و مردان قدرت، بهره‌کشی و کم‌توجهی خود را بر این دو اعمال کرده‌اند. نقش مهم زنان در بهره‌برداری و نگهداری محیط‌زیست باعث می‌شود که ایشان بیشترین ضربه را از تغییرات یا تخریب محیط‌زیست بخورند؛ تا زمانی که با این تغییرات کنار بیایند. تخریب محیط‌زیست نه‌تنها بر زیست‌کره بلکه بر محیط زندگی اجتماعی اثر می‌گذارد.

درک بیشتر زنان از ارتباط اقتصاد، رفاه اجتماعی و محیط‌زیست

با توجه مطالعات مجله‌ی وقایع سازمان ملل متحد، بین سرطان سینه و آفت‌کش دِ دِ تِ ارتباط معنی‌دار وجود دارد. مطالعات سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهد احتمال سقط‌جنین در زنانی که در معرض سموم باغی و آفت‌کش‌ها هستند، بسیار بالاست. این مسائل باعث می‌شود زنان ارتباط اقتصاد، رفاه اجتماعی و محیط‌زیست را بیشتر درک می‌کنند و با اتخاذ استراتژی‌هایی با ناملایمات طبیعی و اجتماعی کنار بیایند. شماری از جنبش‌ها و بنیادهایی که با دغدغه محیط‌زیست توسط زنان شکل‌گرفته‌اند معرفی می‌شوند.

جنبش چیپکو

جنبش زنان هند در سال ۶۰۹۱ به‌عنوان اولین جنبش محیط‌زیستی در دفاع از جنگل‌ها مثال‌زدنی است. زمانی که بنگاه‌های چوب‌بری، پس از تراضی با دولت وقت، با هدف جنگل‌زدایی وارد روستاها شدند و مردان روستا با فریب دریافت یک حقوق رؤیایی به خارج از روستا هدایت شدند. به‌هرروی زنان حاضر به ترک روستاهای خود نشدند. ایشان در یک حرکت نمادین با در آغوش گرفتن درختان جنگل، به‌راستی سدی در برابر جنگل‌زدایی در آن سال شدند. با سراسری شدن این اقدام، جنبش چیپکو به‌عنوان یک جنبش محیط‌زیست گرا شکل گرفت. چیپکو در زبان هندی به معنی چسبیدن است. این جنبش مقابله با دولت برای صدور مجوز به بنگاه‌ها، به طمع سود اقتصادی بود. جنگل‌زدایی زندگی همه‌ی ساکنین روستاها را تهدید می‌کرد اما این زنان بودند که از زندگی همه پاسداری کردند. شعار "محیط‌زیست یک اقتصاد پایدار است" توسط چیپکو همگانی شد.

جنبش کمربند سبز

یکی دیگر از جنبش‌های بزرگ زنان، جنبش کمربند سبز است. دکتر موتا برنده‌ی جایزه‌ی نوبل، در ۷۷۹۱ این جنبش را که اکنون تبدیل به یک سازمان بین‌المللی شده است، در روز جهانی محیط‌زیست بنا نهاد. اولین مراسم با کاشت هفت درخت در حیاط خانه موتا در کنیا برگزار شد. در سال ۴۱۰۲، سی میلیون درخت در سراسر دنیا توسط زنان کاشته شد. شعار جنبش: با کاشتن درخت، دانه‌های صلح و امید می‌کاریم. فعالیت‌های این سازمان درزمینه تغییرات آب‌وهوا، اقلیم، اقتصاد، اشتغال، کارآفرینی، امور خیریه، مسائل اجتماعی، باغداری، جنگل‌داری، بیماری ایدز، بلایای طبیعی و جنگ است. این جنبش با داشتن استراتژی رفع تبعیض و قدرتمند کردن زنان در دفاع از محیط‌زیست، ابزار قدرتمند آموزش را برای زنان کم‌درآمد در بخش کشاورزی برگزیده است. همچنین در سال ۴۱۰۲، سه هزار شغل پاره‌وقت برای زنان ایجاد کرده است.

جنبش حفظ محیط‌زیست آمریکا

خانم کارسون، به‌عنوان یک نویسنده، دانشمند و بوم‌شناس آمریکایی پژوهش‌ها و تألیفات گسترده‌ای درباره اقلیم دریا و محیط‌زیست داشته است. وی در سال ۲۶۹۱، در کتاب بهار خاموش اشاره‌کرده است که مردان چه بر سر محیط‌زیست و خودشان آورده‌اند. وی جنبش مدرن مردمی را پایه‌گذاری کرد که منتج به ایجاد سازمان حفظ محیط‌زیست امریکا شد. ایشان جوایز علمی زیادی دریافت کرده است اما مهم‌ترین آن دریافت جایزه‌ی آزادی از رئیس‌جمهور کارتر است. مخاطب این جنبش شرکت‌های ساخت مواد شیمیایی و آفت‌کش‌ها است. از زمینه‌ی فعالیت‌های این جنبش، خدمت به پناه‌جویان، زمین و اقلیم‌شناسی، حفظ آب‌ها و اقیانوس‌ها و زیست درون آن و دنبال کردن گسترش مواد شیمیایی در طبیعت و محیط زندگی است.

بنیاد برنامه‌های مستقل زیست‌محیطی

خانم چرکاسوا، روزنامه‌نگار، اکولوژیست و رئیس بنیاد برنامه‌های مستقل زیست‌محیطی است. این بنیاد فعالیت‌های گسترده‌ی ملی و بین‌المللی در ارتباط با همه‌ی مسائل مربوط به محیط‌زیست دارد. خانم چرکاسو به خاطر پایه‌گذاری کمپین چهارساله برای توقف احداث سد برق‌آبی روی رودخانه کاتون شهرت دارد. وی در سال ۰۶۹۱، یک جنبش دانشجویی درزمینه محیط‌زیست راه‌اندازی کرد. وی همچنین کتاب اطلاعات سرخ درزمینه محافظت از محیط‌زیست را نگارش کرده است. ایشان اتحادیه اجتماعی اکولوژیکی را پایه‌گذاری کرد که بزرگ‌ترین سازمان مردم‌نهاد در اتحاد جماهیر شوری بود. آخرین تمرکز کاری بنیاد در سطح بین‌الملل، حفاظت از حقوق کودکان در محیط زندگی سلامت است. فعالیت‌ها و مطالبات وی منجر به کاهش استفاده همگانی از سوخت‌های فسیلی و چوب در مصارف خانگی و صنعتی شد. تهیه‌ی سوخت از کود دامی و علوفه خشک به‌ویژه در مصارف خانگی نتیجه‌ی تلاش‌های ایشان در اواخر سده بیستم است.

تفکیک جنسیتی در کار

دانش مشترک در سراسر دنیا نشان می‌دهد که پیشرفت فنّاوری، مراحل تجاری شدن، صنعتی شدن و جهانی‌شدن، زنان و مردان را به‌طور متفاوت تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدون شک پیشرفت راستین با کنار گذاشتن زنان، بی‌ریشه خواهد بود.

مدیر استراتژی بین‌المللی کاهش بلایای سازمان ملل متحد می‌گوید خسارت‌های اقتصادی مربوط با بلایای طبیعی، طی چهار دهه گذشته، ده برابر شده که جان انسان‌ها را به خطر انداخته است. بسیاری از سیاست‌ها برای آگاه‌سازی و کاهش بلایا باید از دید زنان وضع شود. انارسون نویسنده و مربی در ضمن صحبت در باره زمینه‌های زنانه در موضوع بلایا، بلایای طبیعی فرایندهای اجتماعی‌اند که ریشه عمیقی در نیروهای سیاسی و اقتصادی در کنار عوامل گریزناپذیر محیطی دارند. تفکیک جنسیتی در کار، سلامت مادران، طول عمر زنان، ساختارهای اقتصادی و خانوادگی، زنان و دختران را درخطر ویژه‌ای قرار می‌دهد. قوت بخشیدن به توان بالقوه‌شان برای کاهش و مدیریت خطر، در اولویت دوم یا جدایی نیست. بلکه در درجه اول ضرورت در کشورهای با خطر بلایای طبیعی بالاتر قرار دارد.

MS، شادیی بچووک و خەمی گەورە...

■ ئەمجەد حەیدەری

ژیان هێلێکی ڕاستەوخۆیە؛ مرۆڤ پێ دەنێتە ژیانەوە؛ ساوایی و منداڵی، لاوێتی و کامڵ بوونی تەمەن و لە ئەنجامدا دەگاتە خاڵی کۆتایی. هەموو مرۆڤێک تا دەگاتە دواییین خاڵی کۆتایی ئەم هێڵە، دەبێ بەم گوزەرەدا تێپەڕێ؛ بەڵام زۆر جار تێپەڕبوون لەسەر ئەم هێڵە وەک کردارێک لە ڕووی ئاگاداربوون و وشیاربیەوە نییە؛ بەڵکوو دەبێتە خوو و عادەت. لە ڕاستیدا ژیان دەگۆڕدرێت بە تیکرار و دووپات بوونەوە و هەر ئەمەش دەبێتە گەورەترین کێشە و گرفتی ژیان بۆ زۆرێک لە مرۆڤەکان.

ڕۆژان و مانگ و ساڵان تێئەپەڕن بێ ئەوەی هیچ جۆرە تەوفیر و جیاوازییەکیان لەگەڵ دوێنێ و سبەی (ڕابردوو و داهاتوو) دا هەبێت. ڕەنگە هەر بەهۆی بێزاربوون لەم شێوە تیکرار و دووپات بوونەوەی ژیانە بێت کە مرۆڤەکان "بۆنە و مەراسیم" ڕێک دەخەن؛ بۆ وێنە ڕۆژی باوک و دایک، یاخود ڕۆژی عەشق و خۆشەویستی، جێژنی لەدایکبوون و یادی هاوسەرگیری و هتد...

مەبەست لە سازدانی ئەم جۆرە بۆنە و مەراسیمانە کە بۆ یادکردنەوە لە شادی و خۆشییە بچووکەکانی ژیان ڕێک دەخرێ ئەوەیە کە قەدر و بایەخی شادییە بچووکەکانی ژیان بزانین و ڕەنگە جێژنی ساڵانەی لەدایکبوون، بیرمان بخاتەوە کە ساڵێک بەخێرایی چرکەساتێک تێپەڕی و بایەخی هەموو چرکەکانیمان نەزانی و هەمووی بەفیڕۆ چووبێت! هەر ئەم جۆرە دیاری کردنی ڕۆژ و "بۆنە"گەلە لە لایەڕەی ڕۆژمێرەکان ڕەنگە بۆ ئەمە بێت کە جارێکی دیکە ئاوڕێک لە ڕابردوومان بدەینەوە و بەخۆدا بێینەوە و هەوڵ بدەین چیدی باشتر قەدر و بایەخی ژیان بزانین. بەجۆرێک نەورۆز و نوێ بوونەوەی ساڵەکانیش وەک جێژنی لەدایکبوون وایە، جێژنی لەدایکبوونی وەرز و ساڵی نوێ.(۲۷ی مەی) ڕۆژی جیهانیی MS، یادکردنەوەیەکی تایبەتە لە ژمارەیەکی زۆر لە نەخۆشە درێژخایەنەکان کە لە بارودۆخێکی ناهەمواری جەستەیی و دەروونیدا دەژین و تەنانەت زانستی پزیشکیی مۆدێرن و پێشکەوتووش لە ئاستی چارەسەر کردن و بەهانا چوونیانەوە بێ وەڵام ماوەتەوە.

بە گوێرەی لێکۆڵینەوەی پسپۆرانی شارەزا تووشبووانی Multiple Sclerosis کە بە (MS) دەناسرێت، لە تەمەنی ۲۰ بۆ ۴۰ ساڵ و بەڕێژەیەکی زۆر خانمانی گەنج گیرۆدەی دەبن و زۆرجار بە نەخۆشیی "ڕوخساوە جوانەکان" ناودەبرێت.

ئەمجۆرە نەخۆشینە دەڕواتە چوارچێوەی نەخۆشییە درێژخایەنەکان و کاریگەری دەبێت لەسەر مێشک و نۆخاع و دەبێتە هۆی لەکارکەوتنی کۆنترۆڵی بینین و هەستی لەمس بوونی لەش و بێهەستی لە دەست و قاچەکاندا.

هەروەها مێشک و دەمار دەکەوێتە بەر تەوژمی هێرشی سیستەمی بەرگریی لەش و هەر بەمەش ناوزەد دەکرێت.

کەسانی سپی پێست بەتایبەت دانیشتووانی ئەوروپای باشور ئەگەری زۆرترین ڕێژەی تووشبوونی نەخۆشیی (MS)یان هەیە و بە پێچەوانەشەوە ڕەگەزە ئاسیاییەکان، ئەفریقا و دانیشتووانی خۆمالێی (بومی) ئەمریکا لە نێوان دیکەی ڕەگەزەکاندا کەمترین ڕێژەی توشبوون بە MSیان تێدایە.

فدراسیۆنی جیهانیی (MS) بەم بۆنەوە ڕادەگەیەنێت کە هەموو تاک و گرووپ و ڕێکخراوەکان لە هەمبەر ئاگادارکردنەوە و بەرەنگاربوونەوەی ئەم جۆرە نەخۆشینە ڕێک دەخا و بەرەیەکی یەکگرتوو پێک دەهێنێت. لەم یاد و ڕۆژە جیهانییەدا پێویستە ئاماژە بە ڕێژەی ڕوو لە زیادبوونی نەخۆشیی MS لە شاری مەریوان بکەم و زەنگی مەترسی و بەرەنگاری لەگەڵ ئەم نەخۆشییە بۆ هاووڵاتیان و لایەنی پەیوەندیدار لێ بدەم. وەک ئاگادارین بەداخەوە بە هۆکارگەلێکی نادیار و چاوەڕوان نەکراو ژمارەیەکی ڕوو لە زیادی نەخۆشیی (MS) لە وڵاتی ئێران و بە تایبەت پارێزگای کوردستان و شاری مەریوان بوونیان هەیە و بەهۆی بارودۆخی نائاسایی جەستەیی و کەم داهاتیی بنەماڵەی توشبووان و لەسەرەوە بوونی تێچووی دەرمانە تایبەتەکان، لە حاڵەتێکی نەشیاو و بارودۆخی ئاڵۆزی ڕۆحی و دەروونیدا دەژین. لەڕاستیدا کەمتەرخەمی و پشتگوێ خستنی توشبووانی نەخۆشیی MS لەلایەن دەوڵەت و وەزارەتی تەندروستی و ڕێکخراوی خۆش بژێوی، گەورەترین هۆکارە بۆ گۆشەنشینی و تەریک مانەوەی نەخۆشەکان لە کۆمەڵگە و کاریگەری زیاتر بۆخراپ بوونی باری جەستەیی و دەروونیی نەخۆشەکان. پێویستە دەوڵەت وەک گەورەترین و سەرەکیترین خاوەن بودجە و دەسەڵاتی وڵات، بە هەبوونی پلانی تۆکمە و بەرنامەی تایبەت و کارئاسانی بۆ ڕێکخستنی ئەنجومەنە خێرخواز و پەیوەندیدارەکان بەتایبەت ئەنجومەنی (MS) لە شارەکان دەرفەتی کار و پیشەی گونجاو بۆ توشبووان و هاوکاریی مادی و مەعنوی بۆ بنەماڵەکانیان پێک بهێنێت و لەم ڕێگەوە هەنگاوی جیدی هەڵگرێت.

لێرەدا پێویستە بەکورتی ئاماژە بە هەندێ لە ڕێنوێنییە تەندروستییەکان و سەرنجی پزیشکانی پسپۆڕی ئەم بواڕە بکرێت:

1 ـ پێویستە مانگانە نەخۆشەکان لەکاتی دیاریکراودا لەلایەن پزیشکی پسپۆڕی مێشک و دەمار، پشکنینی تایبەتیان بۆ بکرێت و دەرمان و چارەسەریی تایبەتیان بۆ دیاری بکرێت.

۲ ـ ئەم جۆرە نەخۆشانە بە هۆی پاڵەپەستۆی ماڵی و جەستەییەوە ڕووبەڕووی تەنگەژە و ئاڵۆزیی دەروونی و خەمۆکی و بێئومێد بوون لە ژیان دەبنەوە و پێویستە مانگانە لە لایەن پزیشکی پسپۆڕی دەروونی پشکنینیان بۆ بکرێت.

۳ ـ کەڵک وەرگرتن لە MRI و تیشک لە جەستە و مێشک و جمگەکان و بڕبڕەی پشت و گەردن، پێویستییەکی گونجاوە بۆ هەڵسەنگاندنی ئاستی ڕێژەی کاریگەریی دەرمانەکان.

۴ ـ خۆراک، واتە بەکارهێنان و خواردنی خواردەمەنیی تایبەت، هەڵگری ویتامین D ـ H و B6 بەشێکی دیکەیە لە چارەسەر و یارمەتیدەرە بۆ بەرەنگاری و ڕوبەڕووبوونەوە لەگەڵ نەخۆشیی ((MS

۵ ـ ئاوەدەرمانی و سەردانی مەلەوانگەکان، بەشێکی دیکەی جوواڵە و ڕاهێنانی ماسوولکەکانە کە پێویستە هەفتەی ۲ جار توشبووانی MS بەکاری بێنن و لە لایەن ڕاهێنەری شارەزاوە مەشق و بەرنامەی ئەیرۆبیکیی تایبەتیان بۆ لەبەرچاو بگیرێت.

٦ ـ بەکارهێنان و کەڵک وەرگرتن لە ئامێر و کەرەسەکانی وەرزشیی تایبەت لە فیزیۆتراپی و کاردەرمانی و سەرنج دان بە ڕێنوێنییەکانی پزیشکانی پسپۆڕ، بەشێکی دیکەیە بۆ چارەسەر و بەهێز کردنی جەستە و ماسوولکەکان.

۷ ـ بەشداریی چالاکانە لە گەشتوگوزار و ڕێکخستنی چوونەدەشتی سیاحەتی بۆ نەخۆشە (MS)یەکان دەوڕێکی سەرەکی و کاریگەری دەبێت بۆ هەست بە ئومێدەواری و گەشبین بوون بە دواڕۆژ و بەدی کردنی داهاتوویەکی ڕوون.

۸ ـ دابینکردنی پێداویستیی تایبەت لە لایەن ڕێکخراوی خۆشبژێوی (بێهزیستی) بۆ ئەو نەخۆشانەی لە دۆخێکی ناهەمواری جەستەییدا بەسەر دەبەن وەک ویلچر، واکر، عەسا و کەلوپەلی خاوێنکردنەوە، لە سەرەکیترین پێداویستییە ڕۆژانەییەکانی توشبووانی ئەم جۆرە نەخۆشییەن.

سازدانی خولی فێرکاری و مەشق و ڕاهێنانی ئەندامانی بنەماڵەی نەخۆشەکان، بۆ جۆری مامەڵە کردن و خزمەت بە توشبووان، بەشێکی دیکە لە ئەرک و چالاکیی ڕێکخراوی خۆشبژێویە، کە بەداخەوە تا ئێستا لەبەرچاو نەگیراوە.

دابینکردنی دەوا و دەرمانی تایبەت و سەردانی بەڕێوەبەرایەتیی خۆراک و دەرمان و ئەنجومەنی (MS) لە شاری سنە بە مەبەستی داشکانی نرخی دەرمانەکان، کێشە و گرفتی مانگانەی بنەماڵەی نەخۆشەکانە، کە پێویستە لەم ڕووەوە کارئاسانیان بۆ بکرێت.

ئەم خاڵانەی سەرەوە و هەوڵدان بۆ بوار خۆشکردن بە مەبەستی هاتوچۆی نەخۆشەکان لە شەقام و شوێنە گشتییەکانی ناو شارەکان و چەندین ڕێنوێنیی دیکەی پزیشکی، بەشێکن لە سەرەکیترین پێویستییەکانی توشبووانی MS، کە کاریگەریی پۆزەتیڤی دەبێت لەسەر چارەسەریی گونجاو و گەڕانەوەی کەشێکی ئارام بۆ نەخۆشە توشبووەکانی (MS).

لە کۆتاییدا پێویستە بڵێم نەخۆشانی توشبووی (MS) وەک هەموو تاکێکی کۆمەڵگە، خاوەن ماف و ڕێز و حورمەت و کەرامەتن، تکایە هەرگیز بە چاوی بەزەیی و کەم ئەندامی پەککەوتەوە سەیریان نەکەین. نەخۆشیی MS هەرگیز لە کەون و گەردوونێکی دیکەوە نەهاتووە، ئەگەر ڕۆژێک جەستەیەکی لاواز و ڕەنگ خۆڵەمێشی و ژاکاو لەتەنیشتتان تێپەڕی، خۆ دوور مەگرن و بێزار مەبن؛ ئەوانە نمونەیەکن لە خۆڕاگری و کۆڵنەدان، ئەوانە تابلۆیەکن لە جەفا و بێبەزەیی دەستی ڕۆژگار. ئەوانیش خاوەن هەستن و حەزیان لە مێهرەبانی و نەوازشە، ئەوانیش دڵیان هەیە و خۆزگە و ئاواتەکانیان زۆر غەریب و نامۆ نییە. وەک من و تۆ، بگرە لە ئێمەش زیاتر!..

بحران آفت جوانه‌خوار بلوط (هارِیه)

▪ ابراهیم همت بلند
کارشناس محیط‌زیست

ناحیه رویشی زاگروس شامل سلسله جبال زاگروس، وسیع‌ترین و اصلی‌ترین رویشگاه گونه‌های مختلف بلوط در ایران بوده و به همین دلیل این منطقه از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است. جنگل‌های بلوط منطقه زاگروس از منتهی‌الیه شمال غربی ایران (استان آذربایجان غربی) آغاز و سپس غرب (استان‌های غرب کرمانشاه و ایلام و لرستان) و جنوب غرب ایران (استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و فارس) را طی می‌کند. فرم غالب جنگل‌شناسی، جنگل‌های شاخه زاد بوده و این دلالت بر تخریب ناشی از حضور طولانی‌مدت جوامع انسانی دارد. متأسفانه به دلیل رشد جمعیت در قرن اخیر و نیاز جنگل نشینان به سوخت، منبع غذایی برای دام‌ها و زمین‌های کشاورزی بهره‌برداری غیراصولی از این جنگل‌ها به‌کلی چهره آن‌ها را دگرگون کرده است و به‌جز در نقاط معدودی نشانی از انبوهی سابق این جنگل‌ها نیست.

معروف‌ترین درختان جنگل‌های بانه و مریوان

سطح جنگل‌های استان کوردستان (طبیعی و دست کاشت) ۳۷۳۳۲۸ هکتار که معادل ۲٫۶۳٪ سطح جنگل‌های کشور هست. متوسط سرانه جنگل در جهان ۰٫۶۵ در کشور معادل ۰٫۲ و در استان کوردستان حدود ۰٫۲۶ هست شود. جنگل‌های استان کوردستان جزئی از جنگل‌های غرب کشورند که بعد از جنگل‌های منطقه شمال در رده دوم اهمیت قرار دارند و وسعت آن‌ها در حدود ۳۲۰ ۰۰۰ هکتار است. بخش اعظم جنگل‌های کوردستان در نوار غربی استان و از شمال به جنوب امتدادیافته و شهرهای بانه و مریوان را در برمی‌گیرد. از معروف‌ترین درختان جنگل‌های بانه و مریوان می‌توان به انواع بلوط، مازو، گلابی وحشی، زبان‌گنجشک، گردو، سیب وحشی، پسته وحشی، زالزالک، آلبالوی جنگلی و بادام تلخ اشاره کرد. بید وحشی، سپیدار و گز در کناره‌های رودخانه‌ها دیده می‌شوند. این نقاط مناظر زیبا و دلپذیری را برای گذران اوقات فراغت اهالی و همچنین امکانات بالقوه‌ای در امر توسعه جهانگردی استان فراهم کرده‌اند. مساحت جنگل‌های منطقه مریوان در حدود ۱۸۵/۰۰۰ هکتار هست.

طغیان آفات

صرف‌نظر از مجموعه عوامل غیرزنده و دخالت‌های غیرعالمانه انسان که موجب خسارت به پوشش‌های گیاهی می‌شوند، بندپایان و به‌ویژه حشرات از مهم‌ترین عواملی هستند که در شرایط نامطلوب اکوسیستمی (به‌ویژه تنش‌های رطوبتی و حرارتی)، جمعیت آن‌ها دچار طغیان‌های موضعی، دوره‌ای و یا نسبتاً طولانی می‌شوند. طغیان آفات و میزان خسارت واردشده توسط آن‌ها با توجه به نوع اقلیم و شرایط اجتماعی حاکم بر کشور که امکان تجدید حیات در جنگل‌های بلوط را ناممکن و یا بسیار محدود می‌کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود.

مهمترین گونه‌های آفات درختان بلوط

آفات مختلفی درختان بلوط را موردحمله قرار داده و در اکثر مواقع خسارت جدی به آن وارد می‌کنند. به‌طور خلاصه مهم‌ترین گونه‌های شناخته‌شده آن‌ها شامل پروانه جوانه خوار بلوط Tortrix viridana، پروانه برگ‌خوار سفید بلوط Leucoma Wiltshire، پروانه برگ‌خوار گزنده بلوط (Strand Porthesia melania)، پروانه میوه‌خوار بلوط (Laspeyresia fagiglandana(Zeller)، سر خرطومی بذر خوار بلوط Marsham Curculio glandium، ابریشم‌باف ناجور (Linnaeus) lymanteria dispar پروانه تخم انگشتری Malacosoma nustralia و زنبورهای گالزای بلوط Cynipidae هستند. گفتنی آن‌که زنبورهای گالزای بلوط را به دلیل اهمیت اقتصادی برخی از گونه‌های آن آفت تلقی نمی‌کنند؛ درحالی‌که این حشرات در مواقع طغیانی خسارت زیادی را به اندام‌های مختلف درخت (اعم از برگ، جوانه و شاتون) وارد می‌آورند.

پروانه جوانه خوار بلوط، مهم‌ترین آفات جنگل‌های زاگروس

از آفاتی که در سال‌های اخیر، گونه‌های مختلف بلوط را (به‌ویژه در جنگل‌های غرب و شمال غرب کشور) موردحمله قرار داده، پروانه جوانه خوار بلوط Tortrix viridana L. هست که آفتی بسیار مخرب در مناطق انتشار این‌گونه ها است. در مریوان این آفت قسمت‌هایی از جنگل‌های بخش‌های سرشیو، مرکزی و خاو و میرآباد را از سال ۱۳۸۶ تاکنون تحت تأثیر قرار داده و با طغیان هرساله، خسارت‌های زیادی را به شادابی و بقای درختان بلوط وارد می‌سازد. این آفت یکی از مهم‌ترین آفات برگ‌خوار بلوط در جنگل‌های زاگروس محسوب می‌شود. با تغذیه لاروها از جوانه‌ها و برگ‌های بلوط، هرساله موجب بی‌برگی کامل درختان بلوط می‌گردد حضور این آفت هرسال بیشتر از سال‌های قبل هست.

آفت محدود به درختان جنس بلوط ((Quercus spp. است

لاروهاي سن يك اين آفت در اوايل فصل بهار، وارد جوانه‌هاي تازه بازشده بلوط شده و تغذيه خود را شروع مي‌كنند درحالی‌که لاروهاي سن آخر، تغذيه خود را با خوردن برگ‌های بازشده، كامل مي‌كنند به‌طوری‌که درختان در اواخر بهار كاملاً عاري از برگ مي‌شوند. دامنه ميزباني اين آفت محدود به درختان جنس بلوط ((Quercus spp. است.

لاروها با تشريح تارهايي از سطح شاخ و برگ‌ها آشيانه مي‌سازند و با بيرون آوردن سر از داخل تارها به خوردن برگ‌ها مشغول مي‌شوند

مورفولوژی

بالغ: عرض پروانه با بال‌های باز حدود ۲۰ میلی‌متر است. بال‌های جلویی به رنگ سبز روشن با سایه مایل به زرد است وبال‌های عقبی خاکستری‌رنگ است

تخم: تخم‌ها زردرنگ بوده و عمدتاً به‌صورت زوج هستند و توسط مواد ترشح و فلس پروانه‌ها محافظت می‌شوند

لارو: به لاروهای کامل سبزرنگ و بدون کرک و ۱۸ میلی‌متر طول دارد بدن دارای نقاط سیاه‌رنگ و سرسیاه هست.

بیولوژی:

این حشره یک نسلی است. لارو دارای ۵ سن لاروی است. زمستان به‌صورت تخم در سطح شاخه‌های چندین ساله زیرشاخه‌های فرعی و در زخم‌های حاصل از افتادن برگ‌ها هست

در بهار تخم‌ها تبدیل به لارو شود و تغذیه از برگ‌های جوان آغاز می‌شود. در اواسط بهار لاروها به رشد کامل می‌رسند و سپس پروانه‌ها ظاهر می‌شود و در اوایل فصل تابستان شروع به تخم‌گذاری نموده و تخم‌ها زمستان را سپری می‌کند.

حشرات ماده پس از جفت‌گیری تخم خود را به‌صورت ۲ تا ۴ تایی روی شاخه‌های جدایی قرار می‌دهند. در بهار لاروهای جوان ضمن تغذیه از برگ‌های تار تنیده و برگ‌ها را لوله‌کرده و چندتایی داخل هرلوله و سپس لارو کامل.

رویش درخت فرآیندي پیچیده است که وابسته به سن درخت، فنولوژي، شرایط رویشگاهي و آفات و خطرات حادث شونده در جنگل می‌باشد. از بین رفتن برگ‌های درخت در فصل رویش باعث می‌شود تا درخت ابزار و وسیله تولید را ازدست‌داده، میزان فتوسنتز تقلیل یافته و درنتیجه از میزان رویش قطري و ارتفاعي آن کاسته شود. ادامه این وضعیت در چند سال متوالي می‌تواند به کاهش تولید چوب منتهي شده و جنگل را به سمت نابودي سوق دهد.

برابر جنگل گردشی‌های صورت گرفته در منطقه مریوان این آفت در بخش سر شیو به‌صورت توده‌ای و در سطح بالایی توده‌های بلوط بروردار، مازودار و ویول را تحت تأثیر قرار داده و هرساله باعث از بین رفتن کامل برگ بهاره بلوط می‌گردد که با توجه به طغیان این آفت و تکرار سالیانه آن در این مناطق پیم نابودی جنگل‌های این مناطق تحت تأثیر این آفت وجود دارد.

در حوزه روستاهای بالک و خیرآباد تا کله یونجه به‌صورت تک یا چند درختی حضور آفت مشاهده می‌شود که در صورت عدم کنترل طي سال‌هاي آتی به‌صورت همه‌گیر درخواهد آمد

در بخش خاو و میرآباد حوزه روستاهای سیف سفلا و علیا، محمده، گاگل، شرکه، انجیران، ده ره وه ران، نچی، بیلو، کیکن، خاو، ساوجی و قلقله و میرآباد به‌صورت موردی گاها در سطح توده های کوچک‌تر مشاهده می‌گردد. در جنگل‌های حوزه زریبار همچنین وه یسه، سیاناو، مرانه، سعدآباد، به رده ره شه و کانی میران نیز به‌صورت تک درخت و موردی و گاهاً توده ای مشاهده می‌گردد.

با توجه به سرایت آفت از بخش سر شیو به مناطق غربی‌تر شهرستان بیم افزایش و طغیان این آفت درغرب شهرستان و به‌تبع آن کل شهرستان نیز می‌رود و در صورت عدم کنترل لطمات جبران‌ناپذیری را به جنگل‌هاي بلوط استان وارد می‌کند.

مدیریت آفت

در حال حاضر راهکار مؤثر و مناسبی برای کنترل آفت روی درختان سبز وجود ندارد، استفاده از سموم شیمیایی نیز برای کنترل آن توصیه نمی‌گردد. یافتن عامل بیولوژیکی و حذف فیزیکی با استفاده از تله‌های نوری، فرمونی و... پیشنهاد می‌گردد. دشمن طبیعی این‌گونه انواع سسک ها و چرخ ریسکها هستند که این سال‌ها حضور آنان در جنگل‌های منطقه به‌شدت کاهش‌یافته است.

ناوی ئاژەڵان لە پەندی پێشینیان و کولتووری کوردەواریدا

(بەشی چوارەم)

▪ ئەحمەد موسەنەفی

پیتی ((ش))

شوان تا دانیشێ **ڕانی** دوور ئەکەوێتەوە
شوانی دز لە **گورگ** خراپترە
شەمشەمەکوێرە، دوژمنی ڕووناکییە
شەڕهی **سەگە**، نەک هی پیاو
شێر بەرسیی نەبێ، نێچیر ناگرێ
شێر بەمخوات و **ڕێوی** نەمبەزێنێ
شێر بە تۆپیویش سامناکە
شێر پشتیوانی **ڕێوی** بێ، **پڵنگ** بە هیچ نازانێ
شێر پەنای هانی ڕاوی مەکە
شێر دیلە و **ڕێوی** ئازادە
شێر ئەچێتەوە بیشەی خۆی
شێر لێکەوت، **ڕێوی** چاوی دەردێنێ
شێر مردنی باشە، هەتا **ڕێوی** فەرمانی پیادا بدات
شێر و **ڕێوی** زۆری بۆ هێنایەوە
شێر پاشخوانی **ڕێوی** ناخوات
شێر تاکە
شێر گوێ بە قەڵەوی و لەڕی نادات
شێر لە دەنگی **شێر** ئەترسێ
شێرت ئەسیر کرد، زنجیری ئەوێ
شێری گۆچ، لە **ڕێویی** ساق چاکترە
شێری لە قوڕا بەگیر هێناوە
شێری ماڵ و **ڕێویی** دەڕۆ
شێری ناو قەفەس، **ڕێوی** پێستی ئەکەنێ
شێری یا **ڕێوی**؟
شێر لە تەغارێ **ئاسک** ناترسێ
شێری ڕۆژی تەنگانەیە

پیتەکانی ((ع)) و ((غ)) و ((ف))

عومرێکە شوانە **گورگ** ناناسێ
عەرزەکەی ڕەقە خەتای **گا**ئەگرن
عەیبی **بزن** دایمە دیارە
فێڵوتەڵەکە والە ژێرسەر **گای** پیرا
فێڵی پیرەژن، **ڕێوی** کردە کون
فیسقە وتی بازێکم برد، سێ مەن و نیو گۆشتم کەم کرد
فیسقە کەوتووەتە ژێربار، **وشتر** چووەتە سەر چنار
فیل نەبوایە، **گامێش** بۆ زلی خەڵات ئەکرا
فیل و مشک بەپێی قەوارەیان بەچکەیان ئەبێ
فیلی مل قەوی، ئاوەزی نەوی

پیتی((ق))

قاز تا قەڵەو بێ، قنگی بچووکە
قالاو بەخۆڕایی پشتی **گامێش** نادۆزێ
قالاو چی کرد تا **قشقەرە** بیکات
قرپۆک لە ئاوا دەم ناکاتەوە
قرپۆک بە قڕە زل نابێت
قرپۆکمان لێ بووە بە **بولبول**
قرژانگ بە دوو سەر لە ڕێ ئەڕوات
قشقەرە و **قالاو** میوانی **گورگن**
قومێ ئاو بۆ **مێروولە**، تۆفانە
قڕەی **قەل** بۆ هەنجیرە
قۆلانچە و پشقەڵ چاک بوون تێکەڵ
قۆزەی هیچ نایە لە ماڵی، قۆزەی **سەگ** نەبێ
قەل باش بوایە مردارۆبووی نەئەخوارد
قەل بە قەل ئەڵێ ڕووت ڕەش
قەل بەخێو کەی، قڕە قڕبەشتە
قەل فڕی، **قشقەرە** لە جێی نیشت
قەل و داڵ دەسەنەخۆڕی **گورگن**
قەلی لەدەس چوو، **قازیشیان** پێ نەدا
قشقەرە لاسایی **کەوی** کردەوە، ڕۆشتنەکەی خۆی لە بیر چووەوە

پیتی ((ک))

کاتێ دنیا کەوتە گەڕ، **گورگ** هەر **گورگە** و **مەڕ** هەر **مەڕ**
کاروان بە وەڕینی **سەگ**، ناوەستێ
کاروان چووە، **سەگ** خەوتووە
کاژەلە و بەرخ، ئەچنەوە سەر دایکیان
کاڵەک شیرین بێ، **چەقەڵ** ئەیخوا
کتک کەتنی کرد، دەرخۆنەی لابرد
کتک و مشک، بوون بە دەستەخوشک
کتک، ختووکەی **شێر** ئەدات
کتکەبۆر بڕوا و کولکی، خوا ئەمێنێ و مولکی
کتکەبۆرە بسرەوێ، ئێمەیش پەکمان ناکەوێ
کلکی **سەگ**، بە زۆر ڕاست نابێتەوە
کلکی **کەڵەشێر** وابەدەڕۆ
کلکی لە **سەگ** کەمترە
کلکی **وشتر**، هەر ئەگاتە عەرز
کوتەک فیل ڕام ئەکا
کولە گیا ئەخوا، عایلەمەن **کولە**
کوندەبوو، باش بوایە ڕاویان ئەکرد
کۆرت بێ کۆرت ئەمرێ، **مەڕت** بێ **مەڕت** ئەمرێ
کۆری **سەگێکە**، **گورگ** جاری ناکا
کۆری گەرەکە ئەم زەنگە کاتە ملی **شێر**
کەڕوێشک جۆرێ لە خوا ئەپاڕێتەوە، **تانجی** جۆرێکی تر
کەڕوێشک لە سەحرا، **ماسی** لە بەحرا نافڕۆشیە
کەڕوێشک چەنێ ئەخەوێ، ئەونەیش ڕائەکا کەم بژی، **کەڵ** بژی
کەو بکە بە کەباب، سوێسکە بۆ سەدەقەی باب
کەو بەرانبەر **کەو** ئەخوێنێ
کەڵەشێر برسی و خەرمان ئاوبردوو
کەڵەشێر بە شەوا ئەبێتە **تاووس**
کەڵەشێر هەر لە سەر بارە
کەڵەشێر لە وەختی خۆیا دێتە دەرەوە
کەڵەشێریش نەبێ، خوا هەر ڕۆژئەکاتەوە
کەڵەشێر ناوەخت بخوێنێ، سەری ئەبڕن
کیسەڵ بگریتە باوەش، ئاخری گمیزت پیا ئەکا
کیسەڵ بە جامۆڵەی **کەڕوێشک** ئاو ناخواتەوە
کیسەڵ بازی کوا؟ تا گازی نێ
کیسەڵ بی برای بچووک نەبی
کێچ ئەتانگەزێ، **ئەسپێ** ئەکوژن
کێچ کراوەتە کەوڵی

به کجا چنین شتابان

▪ سلام اسماییل سرخ

نخستین آذرخش زندگي
از کجا درخشید؟ هنوز که
هنوز است کانون‌های حیات
در چشمه‌های گرم زندگي
می‌جوشد، آب جوشش زندگي، رشته
گوناگوني آب بر روی زمین جاودانه است،
توچال‌ها، دریاها، رودخانه‌ها، چشمه‌ها،
همه باشندگان از آن استفاده می‌کنند.
نیروي زندگي زا، پیوند است. هیچ‌چیز
به‌تنهایی کارآیی ندارد. آب، هوا، خاك،
خورشید راز پیدایش، زمین ما زمان را با
مقیاس میلیاردها سال می‌سنجد.
زندگي رازگونه است جانوران به روش
گوناگون به‌هم‌پیوسته‌اند و آمیخته‌اند.
پاره‌ای خود را با زیستگاه‌ها پیوند داده‌اند،
عده‌ای از زیستگاه‌ها خود را با جانوران
تطبیق داده‌اند. دربازي بزرگ زمین،
هرگونه و هر گروهي نقش خود را بازی
می‌کند. هیچ‌چیز به دردنخور نیست و هر
گروهي نقش خود را بازي می‌کند همه در
هماهنگي هستند.

تو آری تو، انسان به بازي درمی‌آیی و گنجینه‌ای که چهار و نیم میلیارد سال زمین به تو پیشکش کرده بهره می‌جویی، تو با همه سستی‌هایت همه‌چیز را به زیر می‌کشی. برداشت از زمین مدت‌های مدید، تنها به‌اندازه نیاز بود. زماني دادگرانه از زمین بهره می‌گرفتیم زندگي کوتاه و کشت زمین مشکل. توانایي آدمي بر آگاهی بر سیستم‌هایش فزوني می‌یابد. نزدیك به ده هزار سال است به نخستین دگرگوني دست‌یافته‌ایم. کشاورزي به انباشت خوراك منجر شده است. کشت دانه‌ها و هماهنگی آن‌ها بازندگي، میخ زندگي را کوبید. ما همچنین باشندگان روي زمین هستیم و شهرها بنیاد گذاشته شد.

دیواره‌ها و سنگ‌ها، پوسته‌های سفت شده میلیاردها آبزیان هستند که کربن هوا را گرفته و بعد از مردن سفت‌وسخت شدند و طبیعت شکل دیگر به خود گرفت اما انسان این دادوستد دادگرانه را همیشه ادامه نداد. مصرف‌کنندگان دادگر نشدند و براي آسودگي خود همه‌چیز را به هم زده‌ایم و همه‌جا را می‌کاویم. گویا شتاب و نیاز به بکشانیم، سعي کنیم با هوشیاري، تهدیدها را به فرصت تبدیل کنیم. بستر آب‌های زیرزميني می‌خشکد. دشت قروه و همدان تا ۵۱ سال قبل عمق چاه‌ها در ۱۰ متري به آب می‌رسید حالا در عمق ۱۰۰ متري هم آبي نمانده است. به بهاي سنگین آب استخراج می‌شود. بیشتر خاك‌ها شور شده وصف چاه‌ها هم بلااستفاده و رهاشده است. تابه کي این سراب می‌تواند دوام آورد. اغلب رودهایمان دیگر به دریا راه پیدا نمی‌کند. رودخانه جغتو وتتهو دیگر سالیاني است در بیشتر فصل‌ها به دریاچه ارومیه وصل نمی‌شوند. ما هماهنگي هستي را برای نیازهاي آني برهم می‌زنیم. زندگي پیوند میان آب، خورشید، زمین و جنگل است که گسستگي یکي از آن آسیب جدي به زندگي است بیشتر زمین‌ها کویري می‌گردد و مراتع به بیابان. به همین منوال اگر پیش رود تا ده سال آینده در کشور ما، دریاچه ارومیه به سرنوشت دریاچه آرال گرفتار می‌شود و میلیون‌ها تن نمك به‌جای مانده در قعر دریاچه و معلق در فضا. شوخي انسان را ببین، چه تراژدي پدیدآورنده است.

ما هماهنگی هستي را برای کشت کاري نیست، مگر تخلیه سرچشمه‌هاي زندگي، هرروز نفتکشهایمان بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود و شهرها بزرگ و بزرگ‌تر.

ما از گنجینه‌ای که پیدایش کره زمین چهار ونیم میلیارد سال به ما پیش کش کرده است، تنها با دویست هزار سال حیات خود آن را زیرورو کرده‌ایم که نزدیك به ۸۱۰ هزار سال آن سرگشتگي بود. انسان با آگاهی نوین در کشاورزی، با انباشتن خوراك، نخستین نگرانی‌ها را از خود و خانواده‌اش دور کرد. آدمي با شکیبایي از زمین بهره‌مند گشت و نخستین شهرها را پدید آورد و کشاورزی را تحول داد. در زمین همه‌چیز به هم وابسته است برای آدم‌هاي که از گرسنگي رهانیده‌اند. کشاورزي بازده خوب داشته است چنانچه گونه‌های هماهنگ جاي خود را به گونه‌هاي ناهماهنگ داده است و بیشتر گونه‌های پایدار از بین رفته‌اند. پرورش شتاب‌زده، کار هرروزه شده است.

در این دشت‌های گسترده لگدمال شده در زیر پاي انسان‌ها و چرخ ماشین‌ها، کشاورزي تک‌پرورشی شده، جاي گوناگوني را گرفته است. به یمن نیروي کار ارزان و نفت، تحولي سریع و سرطانی در صنعت روی داده ما می‌دانیم پایان این نفت ارزان نزدیك است ولي نمی‌خواهیم آن را باور کنیم، همه‌چیز شتاب‌زده است.

با پیشرفت هرچه بیشتر جهان، نیرو افزایش می‌یابد و از دل کانها همه‌چیز بیرون می‌ریزد. درروند ۲۰ سال آینده همه کانها بیرون آمده از دل زمین، به‌اندازه تاریخ بشریت است. در پایان این سده با بهره‌گیری از زمین و دارائی آن، چیزي از آن باقي نمی‌ماند.

شمار مردمان جهان در این سده ۲ برابر شده است، شمار ماهیگیران ۵ برابر. با این روش ¾ بخش‌های ماهیگیري برباد‌رفته است. با ندانستن زمان براي تخم‌گذاری، ماهی‌های بزرگ از بین می‌روند. ما رشته زمان را باندانم کاري خود از بین می‌بریم چنانچه پرندگان دریایي براي خوراك باید راه درازي را بپیمایند. با این روش تا ۰۵۰۲ بیشتر ماهی‌های از بین خواهند رفت. ما ناقوس ویراني را می‌شنویم ونمي خواهیم آن را باور کنیم. قبل از اینکه در هنگامه‌ها و گونه‌ها دست‌یابیم همه‌چیز را به نابودي

غلات به هم می‌زنیم. بلاي عصر امروز، آتش‌سوزی‌ها و کربن زیادي است که پراکنده می‌شود. خصوصاً با از بین رفتن جنگل‌ها، یکي از علائم بزرگ دگرگوني هوا، همراه با آن هزاران باشنده از بین می‌رود، سرچشمه دگردیسي و حیات از بین می‌رود. چه وحشتناك! حتي کشورهایي بی‌ثباتی که خطر فروپاشي هرلحظه آن‌ها را تهدید می‌کند.

زمین کارگاه زندگان است. درعین حال نازك و شکننده. سرگذشت گیتي ما را به فکر وامی‌دارد درخت‌ها را بریدند، زخم‌های عمیق شکافته می‌شود، زمین‌ها بیابانی و زمین‌ها شسته می‌شود زمین خشك، آب باران را نمی‌مکد. آسیب این شستشوها وحشتناك، زخم‌های عمیقي خواهد بود پوسته نازکي که هزاران سال حاصل‌شده بود نابود می‌گردد. زمین پایگاه زندگان است آن را دریابیم.

با خشکي و شکنندگي زمین روبرو شده‌ایم و زمین با آب‌ها قهر کرد. در گرداب افزایش جمعیت و خشکی گیر. بزرگ‌ترین رازي که انسان‌ها باید بدانند چرا مردم پیش از آنکه دیر شود واکنش نشان دهند آن‌هم به‌صورت شورش‌های کور، گرسنگي، جنگ و...کوچ.

در ۰۵ سال، بیش از ۰۰۲ هزار سال حیات بر زمین تأثیر بد گذاشته‌ایم. بنگرید ۰۷ درصد مردم نیجریه فقیر و تنگدست و نیمي از مردم تنگدست جهان متأسفانه درکشورهاي هستند که داراي سرچشمه‌هاي ثروت هستند، بازي روزگار را ببین.

پیش از آنکه دیر شود واکنش نشان دهیم. جدایي میان دارایان و تنگدستان هیچ‌وقت تا امروز نبوده است. تمام ثروت‌های جهان میان ۲ درصد مردم جهان است که حاصل این نابرابري کوچ، جنگ و عصیان‌های ویرانگراست و عاقبت گسترش وسیع وبي قواره شهرنشیني. هر هفته یک‌میلیون جمعیت به شهرها اضافه می‌گردد. آیا این نابرابري می‌تواند دوام آورد؟

بیچارگان در پي زندگي آشغال‌ها را می‌کاوند، ماهم در پي زندگي بهتر همه‌چیز را می‌کاویم. پنداري، نیازهایمان پایانی ندارد. ما هیچ دگرگوني در زندگي خود پدید نمی‌آوریم. پنداري، شتاب و نیاز به کاري نیست، ما بر پیمان‌هایمان وفادار نماندیم، ما کاشته‌های خود را می‌درویم. ما باندانم کاري خود همه‌چیز را به نابودي می‌کشانیم.

تابه کي این سراب می‌تواند پایدار بماند زمین تاب این افسارگسیختگي را ندارد. ما به ریشه مشکلات آن نمی‌اندیشیم و در پی چاره‌جوئی نیستیم. همه نگاهایمان به‌سوی قطب شمال چرخیده است. او هم با شتاب پیش می‌رود. یخ‌های آن راحت آب می‌شوند. قطب در ۰۴ سال گذشته ۰۴ درصد یخ خود را ازدست‌داده است. با همین منوال تا ۰۳۰۲ یخ‌های قطب از بین می‌روند. امروز در گرماي بیش‌ازحد ۵۱ سال اخیر چنان عقب‌نشیني کرده‌اند و آنچه هم باقی‌مانده است به‌غیراز توده‌های متخلخل برف، چیزي به‌جای نمانده است. که در آینده نزدیك نمی‌توان به آن برف‌های جاویدان گفت و همچنین یخچال «سرچال» در علم‌کوه مازندران دومین قله ایران.

زنگ هشدار آب‌وهواي جهان در سیبري نهفته است. سرزمیني که همیشه یخ‌بسته است. در زیر بسترش بمب هوایی نهفته است «حباب‌های گاز متان». پدیده‌ای که اگر بالا آید ۰۲ برابر کربن موجب گرماي زمین خواهد بود. پدیده‌ای که ما را به‌سوی سرزمین ناشناخته و ویران خواهد راند.

پیش از ۰۵۰۲ میلادي دست‌کم ۰۰۲ میلیون پناه‌جویی آب‌وهواي خواهیم داشت و تا همین زمان سال ۰۵۰۲ ماهیگیري پهناب‌ها از بین خواهد رفت. هرسال هشدارهاي دانشمندان نگران‌کننده است. از هر ۵۱ شهر ۱۱ شهر در کنار دریا و رودخانه‌ها ایجاد گردیده است. با شور شدن آب چاه‌ها و بالا رفتن آب دریا، مردم چگونه به آب نوشیدني دسترسي پیدا کنند. پدیده جابجایي، گسترده و حتمی است، اما نمی‌توان چگونگي آن را پیش‌بینی کرد.

من می‌دانم آدمي می‌تواند به تنهایي تمام دیوارها را بشکند، چون‌که همبستگي و پیوند انسان‌ها و طبیعت بهتر و برتر از هرجاي دیگر است. جادوي زندگي در برابر چشمانمان می‌گذرد باید امیدوارانه بدان بنگریم و در تلاش براي حیات دوباره زیربناهاي زندگي و پرهام.

نور امید هنوز می‌تابد و روشنایی می‌بخشد. در کنار رنج و بدبختي انسان‌ها، میلیون‌ها OGN را می‌بینیم که به‌دوراز هرتعصبي، براي خوشبختي انسان‌ها وزنده کردن سرچشمه‌هاي زندگي در تلاش و برایشان همبستگي میان انسان‌ها نیرومندتر از هرخودخواهی.

هنوز قطب جنوب داراي سرچشمه‌هاي است متعلق به تمام جهان، ۰۲ درصد آب موردنیاز جهان را در خود نگه‌داشته است که دارایي پیماني جهاني است، ۹۴ کشور هم‌صدا براي حفظ این میراث جهاني، اولین پیمان را ثبت کرده‌اند که سرچشمه پیوند آرامش و آسایش همه خواهد بود.

دیگر جایی براي اندیشیدن گذشته‌ها نیست. آنچه برایمان باقی‌مانده، در پیوستگي و همبستگی بیشتر در این کره خاکي بر سرراهی هستیم. هریك کلیدي براي گشایش مشکلات داریم. زمان آن فرارسیده به یاري هم بشتابیم. زمان آن فرارسیده است، دنباله داستان را باهم بنویسیم. ما ادامه تاریخ را خواهیم نوشت همه باهم.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: امید رشیدی | زیرنظر: شورای سردبیری | ماهنامه کوردی - فارسی | مدیرهنری: صلاح علمی‌زاده | تلفن و نمابر: ۰۸۷۳۴۵۵۰۹۷۲ | روابط عمومی و پذیرش آگهی: ۰۹۱۸۵۱۵۲۴۸۸ | گستره‌ی توزیع: استان‌های کوردستان، ایلام، کرمانشاه، لرستان، آذربایجان غربی | نشانی دفتر مرکزی: استان کوردستان، مریوان، خیابان مولوی کورد، ساختمان روژ، طبقه‌ی اول، واحد ۱۰۵، کدپستی: ۶۶۷۱۹۱۵۶۴۰ | ایمیل: chya.govar@gmail.com
ماهنامه چیا در ویرایش و تلخیص مطالب ارسالی آزاد است | مطالب و آثار چاپ شده لزوما نظر گردانندگان چیا نمی باشد | **شماره حساب: ۰۱۱۰۳۲۲۹۴۹۰۰۱ بانک ملی** | **شماره کارت: ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۵۴۸۷۴۱**

هەر دروو دەڕوێ خێڵی گوڵ کەوتوونەتە بەر شەلاخی باهۆز و هەرچی شیناوەردە ژاکاوە خاک لانەی مار و دووپشکە ئاسمانیش قورخی داڵە. «**جەلال مەلەکشا**»

عکسنامه کامران بهرامی - روز جهانی تالاسمی

تلخند

نمی‌دونم شما کجای دنیا زندگی می‌کنید؛ اما من در دیاری به سر می‌برم بنام فیش لند، علت اصلی این نام‌گذاری این است که حافظه مردم این دیار ناشناخته، مرموز و غیرقابل‌پیش‌بینی، با حافظه ماهی برابری می‌کند و در کوتاه‌ترین زمان ممکن، گذشته خود را فراموش می‌کنند. مردمان فیش لند از یک سوراخ چندین بار گزیده می‌شوند و چندین بار آزموده را می‌آزمایند البته شاید خصوصیات رفتاری این مردم به خاطر دل بزرگ آن‌ها باشد و شاید دریادلی مردم باعث شده است که وعده‌های عملی نشده مسئولین حالا سال‌هاست روی دیوارهای این شهر و آن شهر و این کشور باقی‌مانده‌اند. سال‌ها گذشت اما هنوز هم مردان بیکارند، زنان بیمارند، دکتر نداریم، از جان بیزاریم، جاده خرابه، ماشین ارابه، فراوان ریزگرد، زیاده ولگرد، دیوارها گواه این واقعیت هستند که وعده‌ها درگذر زمان رنگ باختند و باعث باخت مردم و برد مسئولین شدند. مسئولینی که قبل از نشستن بر مسند قدرت، خود را دلسوز سینه‌چاک و حامی مردم معرفی می‌کنند اما بعد از دستیابی به صندلی و برای حفظ آن، سینه مردم را چاک می‌کنند و جانی مردم می‌شوند چون می‌دانند اینجا فیش لند است. تا درودی دیگر، دوصد بدرود

کاریکاتور Dario Castillejos

چکاد

سەراوقامیش، گوندی هەرەوەز و کارێزە

بدون شک توسعه فکری و فرهنگی بایستی وجود داشته باشد تا بتوان با تکیه برآن و استفاده از سخت‌افزارهایی مانند جاده و زمین و ... توسعه همه‌جانبه در یک جامعه را بنا نهاد. در **سراوقامیش** از قدیم‌الایام و به‌واسطه آشنایی مردمانش با فرهنگ تصوف و تأثیرگذاری عمیق آن بر روی آداب و رفتار مردم همیشه حس و حال همکاری و تعاون در میان مردمانش بوده و هست و سرچشمه‌ی بسیاری نیکی‌ها گشته است. همین حس همکاری و کمک به همنوع که پیشینیان بسیار برآن تأکید کرده‌اند و در میان ملت کرد ریشه‌ای بس کهن دارد (هەرەوەز) امروزه در این روستا در قالب منسجم‌تر و منظم‌تر تبیین یافته و باعث شده است که **سراوقامیش** را اکنون به نام دهکده تعاونی‌ها در استان و چه‌بسا در کشور بشناسند.

شروع این روند از شکل‌گیری تعاونی کوسالان بوده است که خدمات عمومی را به مردم روستا و روستاهای اطراف ارائه می‌دهد. (خدماتی همچون تأمین مایحتاج زندگی تا سوخت خانوارها و ...) در دهه‌ی هفتاد تعاونی دیگری در **سراوقامیش** شکل گرفت که مردم را با کارکرد اساسی و اصلی تعاونی کم‌کم آشنا ساخت و راهی را در این روستا شروع کرد که اکنون ثمره‌ی آن را می‌بینیم. تعاونی مرتع‌داران روستای **سراوقامیش** به معنی واقعی کلمه تعاونی بوده و در آن همکاری و همفکری مردم تبلور یافت. این تعاونی که چندین بار عنوان تعاونی برتر استان و کشور را کسب کرده است توانست طرح‌های مؤثر و مهمی را به اجرا گذارد و سهامداران خود را از آن‌ها منتفع سازد از قرق مراتع در همان سال‌های ابتدائی شکل گیریش گرفته تا طرح توسعه باغات در مساحتی ۲۰۰ هکتاری. دیگر تعاونی موفق روستا تعاونی صیادان سد وحدت روستاست که برای انسجام‌بخشی به کار صید ماهی در سد قشلاق و نیز مدیریت بهتر این نعمت خدادادی در سال‌های دهه هفتاد شکل یافت. این تعاونی هم‌اکنون نیز بسیار پویا و فعال است و حدود ۴۰ خانوار روستا را تحت پوشش خود قرار داده و از این محل ارتزاق می‌نمایند و نیز بخشی بزرگ از بازار ماهی سنندج و شهرهای اطراف را تأمین می‌نماید. دیگر تعاونی پویا و مؤثر روستا تعاونی آب بران روستاست که کلیه امور مربوط به مدیریت آب پمپاژ شده از سد وحدت را بر روی زمین‌های کشاورزان **سراوقامیش** مدیریت می‌نماید و یکی از تأثیرگذارترین تعاونی‌ها بر روی زندگی اهالی روستاست.

جهت استفاده از پتانسیل بسیار خاص **سراوقامیش** در زمینه گردشگری، تعاونی گردشگری نیز در سال‌های اخیر (حدود ۶ سال پیش) شکل یافته است و توانسته است در این زمینه طرح‌های بسیار خوبی را پیگیری نماید. همچنین با توجه به تغییر الگوی کشت از سوی کشاورزان روستا که هم‌اکنون محصول غالبشان توت‌فرنگی است (که البته یکی از بهترین توت‌فرنگی‌های استان را نیز تولید می‌نمایند) در سال‌های اخیر تعاونی توت‌فرنگی کاران سراوقامیش نیز تشکیل‌شده است که کارهای همچون برنامه غذائی، برنامه کود دهی، خرید محصول و ... را برای کشاورزان پشتیبانی می‌کند.

وجود فرهنگ بسیار عالی و دید متفاوت اهالی این روستا نسبت به بسیاری مسائل من‌جمله محیط‌زیست سبب شد که در سال ۸۲ تشکل محیط زیستی **کاریزه** در این روستا شکل گیرد و تاکنون نیز به‌عنوان یکی از اولین و تنها انجمن کشور که صرفا در روستاها فعالیت می‌نمایند به کار خود ادامه می‌دهد. تشکیل صندوق خیریه نیک گستر **سراوقامیش** نیز یکی دیگر از اقدامات بسیار خوب جوانان این روستاست. در کنار تمامی این‌ها وجود کتابخانه، صندوق حمایت از ورزشکاران روستا، وجود نشریه‌های مختلف در روستا و بسیاری اقدامات دیگر سبب گشته است که **سراوقامیش** به‌عنوان روستایی نمونه در استان و حتی کشور معرفی گردد.

خانه‌ی سبز

کودهای خانگی برای تغذیه گیاهان

گازهای زیان‌آور دی‌اکسید کربن حاصل از اجاق‌گاز و بخار چسب و رنگ و مواد شوینده داخل منزل موجب آلودگی هوای خانه ما می‌گردد و بیشتر کودکان و مادرانشان که زمان بیشتری را در خانه سپری می‌کنند در معرض خطر تنفس این آلاینده‌ها قرار می‌گیرند.

طبق تحقیقات نگهداری گل‌های آپارتمانی با جذب این آلاینده‌ها نقش مؤثری در کاهش آلودگی‌ها دارند که با چند راهکار مناسب برای نگهداری از گل‌های می‌توان هوای سالم‌تری را تنفس کرد:

۱- استفاده از آب باقیمانده از پختن تخم‌مرغ برای آبیاری (حاوی کلسیم و فسفر و مواد معدنی)

۲- آب باقیمانده از پختن سبزیجات

۳- خورد کردن پوست موز در پای گلدان

۴- شیر رقیق‌شده

۵- آب کهنه آکواریوم در هنگام تعویض

۶- پسمانده چای و قهوه

۷- دفن کردن چند حبه سیر در پای گلدان موجب مقاومت بیشتر در برابر آفات و بیماری‌ها خواهد شد.

سایت انجمن سبز چیا
www.chya.ir
کانال رسمی انجمن سبز چیا در تلگرام
@chya2716

عکس نوشت

گرامیداشت روز جهانی پرندگان مهاجر در شهرستان مریوان

ناشیرین کردنی شار له لایەن بەرپژێرەکانی شۆرای شارەوە

اکوسیستم پویای زریبار | دیدار نمایندگان انجمن سبز چیا با معاون زیست‌محیطی رئیس‌جمهور در سنندج

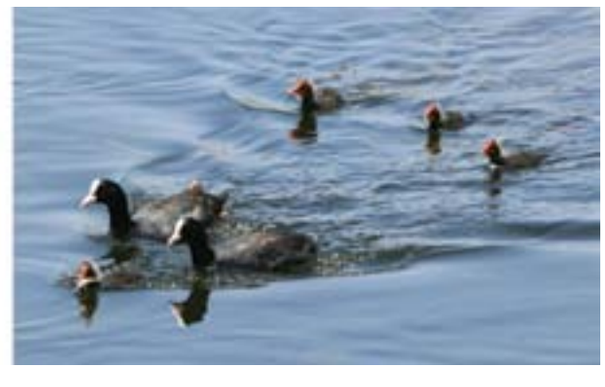

اعلامیه‌های جهانی

فرازی از اعلامیه جهانی تنوع زیستی

سال تصویب: ۱۳۷۱ ه. ش برابر با ۱۹۹۲ م، در شهر ریودوژانیرو

کشورهای عضو؛

- با آگاهی از ارزش ذاتی تنوع زیستی و ارزش‌های اکولوژیکی، ژنتیکی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، آموزشی، فرهنگی، بازآفرینی و زیبایی شناسانه تنوع زیستی و اجزای آن،
- با تأیید اینکه حفظ تنوع زیستی مسئله تمامی بشریت است،
- با تأکید بر اینکه دولت‌ها مسئول حفظ تنوع زیستی کشورهای خود و استفاده پایدار از منابع زیستی‌شان می‌باشند،
- با ابراز نگرانی از این‌که برخی از فعالیت‌های انسان باعث کاهش فراوان تنوع زیستی شده است،
- با آگاهی از فقدان کلی اطلاعات و دانش مربوط به تنوع زیستی
- با توجه به اینکه پیش‌بینی، جلوگیری و مقابله با علل کاهش یا نابودی اساسی تنوع زیستی در منشأ آن‌ها امری حیاتی است
- با شناخت این واقعیت که بسیاری از جوامع بومی و محلی که تجسم نوع زندگی سنت می‌باشند، وابستگی نزدیک و سنتی به منابع زیستی دارند
- نیز با شناخت نقش حیاتی زنان در حفظ و کاربرد صحیح تنوع زیستی

به شرح زیر توافق نمودند در این کنوانسیون:

- "تنوع زیستی" به معنای قابلیت تمایز بین ارگانیسم‌های زنده از هر منبع.

= "منابع زیستی" مشتمل است بر منابع ژنتیکی، ارگانیسم‌ها یا بخش‌هایی از آن‌که دارای استفاده یا ارزش بالفعل یا بالقوه برای نوع بشر باشد.

= "بیوتکنولوژی" به معنی هر کاربرد تکنولوژیکی است که از سیستم‌های زیستی، ارگانیسم‌های زنده یا مشتقات آن‌ها استفاده می‌کند تا محصولات یا فرآیندهایی را برای استفاده‌های ویژه به وجود بیاورد یا اصلاح کند.

- "گونه اهلی یا اصلاح‌شده" به معنی گونه‌ای است که روند تکاملی آن تحت تأثیر اقدامات انسان‌ها برای رفع نیازهایشان تغییر کرده است.

- "اکوسیستم" به معنی مجموعه پویایی از گیاه، حیوان و موجودات ذره‌بینی و محیط پیرامون آن‌ها است که به‌عنوان یک واحد کارکردی بر یکدیگر اثر می‌گذارند.

= "مواد ژنتیکی" به معنی هر ماده‌ای است که دارای منشأ گیاهی، حیوانی، میکربی یا غیر آن بوده و دارای واحدهایی با کارکرد توارثی باشد.

= "منابع ژنتیکی" به معنی مواد ژنتیکی است که از ارزش واقعی یا بالقوه برخوردار باشد.

= "زیستگاه" به معنی مکان یا نوعی محل است که یک ارگانیسم یا جمعیت به‌طور طبیعی در آن پدید می‌آید.

= "منطقه حفاظت‌شده" به معنی یک منطقه تعریف‌شده جغرافیایی است که برای حصول اهداف خاص حفاظت گونه‌ها تعیین، سازمان‌دهی و اداره می‌شود.

= "استفاده پایدار" به معنی استفاده از اجزای تشکیل‌دهنده زیستی به‌اندازه و به‌گونه‌ای است که در درازمدت باعث کاهش تنوع زیستی نشده و لذا توانایی آن را برای رفع نیازها و آمال نسل‌های کنونی و آینده حفظ نماید.

هر یک از کشورهای عضو تا حد امکان و به‌گونه‌ای مناسب، باید:

الف - نظامی از مناطق حفاظت‌شده، یا مناطقی را که اقدامات ویژه‌ای برای حفاظت از تنوع زیستی باید در آن‌ها انجام شود، ایجاد نماید،

ب - با حمایت از اکوسیستم‌ها، زیستگاه‌های طبیعی و حفظ جمعیت‌های مانای گونه‌ها را در محیط‌های طبیعی‌شان توسعه بخشند،

پ - توسعه پایدار و سازگار با محیط‌زیست مناطق نزدیک به مناطق حفاظت‌شده را با هدف حفاظت بیشتر از این مناطق، ارتقاء بخشند،

ت - اکوسیستم‌های آسیب‌دیده و تخریب‌شده را احیا و بازسازی کنند و احیای گونه‌های در معرض تهدید و خطر را از راه‌های مختلف مانند تنظیم و اجرای طرح‌ها یا با استراتژی‌های دیگر مدیریتی تشویق کند.

ث - ابزار لازم را برای تنظیم، اداره یا کنترل خطرهای نهفته در استفاده از ارگانیسم‌های زنده تغیر شکل یافته ناشی از بیوتکنولوژی و رها نمودن آن‌ها ایجاد کرده یا به استفاده از آن تداوم بخشد.

ج - از ورود گونه‌های بیگانه‌ای که اکوسیستم‌ها، زیستگاه‌های گونه‌های دیگر را به خطر می‌اندازند، جلوگیری کند و آن‌ها را تحت کنترل درآورده یا نابود سازد.

چ - با عنایت به قوانین داخلی خود، به دانش، ابتکار و آداب‌ورسوم جوامع بومی و محلی که دربرگیرنده شیوه‌های زندگی سنتی مناسب برای حفاظت و استفاده صحیح از تنوع زیستی می‌باشد، احترام گذاشته و آن را حفظ کند و با تأیید و شرکت دادن دارندگان این دانش، ابتکار و آداب‌ورسوم، کاربرد وسیع‌تر آن را توسعه بخشند و سهیم شدن عادلانه در مزایای حاصل از بهره‌وری از این دانش، ابتکار و آداب‌ورسوم را تشویق نمایند،

ح - قوانین و یا مقررات لازم برای حفاظت از گونه‌ها و جمعیت‌های در معرض خطر نابودی را تنظیم یا حفظ نماید.

خ - استفاده مرسوم از منابع زیستی موافق آداب‌ورسوم فرهنگی سنتی را که با شرایط حفاظت یا استفاده پایدار از آن‌ها سازگار باشند، حمایت و تشویق کند،

د - از جمعیت‌های محلی برای توسعه و انجام اقدامات بهینه‌سازی در مناطق آسیب‌دیده‌ای که تنوع زیستی‌شان کاهش‌یافته، حمایت کند.

ذ - همکاری بین مقام‌های دولتی و بخش خصوصی خود را به‌منظور توسعه شیوه‌هایی برای استفاده پایدار از منابع زیستی تشویق کنند.